اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۲۰، دورهٔ سوم، دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۱۵ مارس ۱۹۸۲، بها ۴۰ ریال

سال نو، سال امید
سال پیروزی

در صفحه ۲



درگشاده است...

گردملال آینه‌ها را سترده‌ام .
صحن و سرا به‌نرگس و سنبل سپرده‌ام .
دیوان‌خواجه‌درکف و "ای‌عاشقان" به‌لب
شمعی بلندِ بال
گیرانده‌ام به خوان.
پرواز میکند
ماهی در آبدان .
سرسبز گشته سفره زسیمای‌هفت‌سین .

پویائی‌زمان
بیداری زمین .

هم خانه‌روفته‌است
هم عود سوخته‌است
هم لاله‌قدکشیده درایوان به‌انتظار
هم درگشاده‌است به‌روی تو ای‌نگار!

سیاوش‌کسرائی
اسفند ۱۳۶۰

سال آینده
سال عمل است

در صفحه ۱۱

سالروز تصویب قانون ملی شدن نفت و

تجربه اندوزی از مبارزات گذشته

در صفحه ۱۵

کارگران متحد توطئهٔ ضدانقلاب را درهم می شکنند

در صفحه ۹

نوروز ۱۳۶۱، چهارمین بهار آزادی
را به هم میهنان زحمتکش و رزمنده صمیمانه شادباش می گوئیم

"اتحاد دمکراتیک مردم ایران" وکارکنان هفته‌نامهٔ "اتحاد مردم" نوروز ۱۳۶۱، چهارمین بهار آزادی، را به هم میهنان زحمتکش و رزمنده، به‌قهرمانان جبهه ومبارزان پشت جبهه، به‌خانواده‌های شهیدان و به‌جنگ‌زدگان، به‌همه‌نیروهای انقلابی وبه‌رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی صمیمانه شادباش می‌گویند وبرای همگان در سال نو، در پیکار علیه امپریالیسم به‌سرکردگی امریکای جنایتکار، بخاطر دفاع از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، آرزوی موفقیت دارند.

اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب
و آزادیهای سیاسی

«امسال سال قانون است»
امام خمینی

در صفحه ۷

اتحاد مردم

شماره ۱۲۰ دوره سوم دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰

سال نو سال امید سال پیروزی

سال‌نو با بلبلان امید، که‌می‌خوانند، درآستانه‌است. سالی‌که در خون شهیدان غوطه زد، می‌گذرد. سال‌نو می‌آید، با غنچه‌هزاران آرزوی نوشکفته. سال‌توطئه‌ها و ددمنشی‌های شیطان‌بزرگ ــ آمریکا می‌گذرد. سال‌نو می‌آید، با امیدهای خجسته، با آرزوهای بزرگ.

خلق به‌پیشواز رزم نو، که درسال ۶۱ بیگمان در راه‌خواهدبود، می‌رود. محرومان برسفره‌های تحویل‌سال‌نومیثاق ادامه نبرد می‌بندند. مردمان سرود مقاومت وپیروزی می‌خوانند و نبرد بزرگ را آماده می‌شوند.

انقلاب‌اکنون دیرگاهیست‌که‌وام‌گذارصاحبان‌اصلی‌خود ــ محرومان ــ است. انقلاب مدیون‌آنانست که نان درسفره‌ندارنـد، اما خـون خویش را بیدریغ بپای نونهال انقلاب می‌ریزند.

انقلاب راهی جز پیروزی ندارد. پاسخ اینهمه عشق و ایثـار، جواب اینهمه خون که برخاک‌رفته‌است، هیچ چیز غیر از پیروزی نیست.

سال‌نو، سال‌امید، سال‌تدارک‌پیروزی‌قطعی‌ونهائی‌است. خلق امیدوار ولبخندبرلب، آماده‌ٔ نبرد آخرین است. آماده‌رزم برای پیروزی‌قطعی و نهائی است. خلق‌آماده‌ٔ گلباران کردن‌سراسرخاک میهن، آماده‌پر کردن سفره‌ها از نان وعشق است. باید از این نیروی سترگ‌که درخدمت‌انقلاب‌است، بهره جست وپیروزی قطعی ونهائی‌را نزدیک ونزدیکترکرد.

بیگمان دشمن‌غدار ــ شیطان‌بزرگ‌آمریکاوتفاله‌هایش ــ درتدارک‌توطئه ــ های تازه و خطرناک دیگری‌هستند. پس بایدفریاد **"مرگ‌برآمریکا"** همواره درمیهن انقلابی ما طنین‌افکن باشد. بایدهمه‌خلق را زیر رهبری **امام‌خمینی** برای‌مقابله با این توطئه‌ها متحدوآماده کرد.

درسال‌نو باید دین خود رابه شهیدان و رزمندگان‌جبهه‌جنگ‌عادلانه در راه دفاع ازاستقلال و آزادی‌ایران انقلابی‌پرداخت و تمام نیرو رابرای شکست قطعی‌تجاوزگران صدامی‌بکار برد.

شیطان‌بزرگ ــ آمریکاوضدانقلاب‌پرورده‌اش پیروزنخواهند شد، مگرآن که خلق رامایوس وصحنه را از محرومان‌خالی‌کنند. وانقلاب به‌پیروزی‌قطعی ونهائی‌نخواهد رسید، جز آنکه سپاه‌شکست‌ناپذیر خلق را درصحنه‌نگهدارد. پس باید به‌نیازهای خلق پاسخ داد:

باید کارگران‌و دهقانان ــ این‌ستون‌فقرات‌انقلاب ــ راحفظ‌کرد. در راه‌اندازی صنایع بایدکوشید. قانون‌کارانقلابی‌راباید به تصـویب رساند. تشکل‌صنفی کارگران را باید برسمیت‌شناخت. باید کار را از اسارت سرمایه نجات داد.

باید به دهقان زمین وآب وبذر . . . داد. کارتصویب‌قانون‌اصلاحـات ارضی، باحذف جنبه‌های‌منفی‌آن، بایدهرچه زودتر درمجلس به‌اتمام برسد. زمین‌رادرشهرهاهم‌باید به‌صاحبان‌اصلی‌آن ــ محرومان ــ داد. این‌راهگشای حل‌مشکل‌مسکن خواهدبود. باید در اندیشه سرپناه‌برای میلیونهازحمتکـش بود.

گرانی‌بیدادمی‌کند. مبارزه با آن، جز باریشه‌کن‌ساختن "تروریست‌های اقتصادی" ممکن‌نیست. مجلس باید لایحه‌ٔ دولتی‌کردن‌بازرگانی خارجی را هرچه زودتر تصویب کند.

درسال‌نو، بفرمان‌رهبرانقلاب‌وبنیانگذارجمهوری‌اسلامی‌ایران، هزاران جوان‌فریب‌خورده‌به‌خانه‌های‌خویش بازمی‌گردند. این بایـد طلیعـه‌استقرار آزادی کامل‌فعالیت‌سیاسی درمیهن‌ما باشد. دشمن‌می‌کوشد براد‌رکشـی را به انقلاب تحمیل کند. انقلاب پاسخ آن را با قانون‌اساسی ورهنمودهای **امام خمینی** می‌دهد. همه‌نیروهای‌مدافع‌انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌باید آزادی کامل‌فعالیت سیاسی‌بیابند. روزنامه‌های انقلابی‌توقیف‌شده‌بایددوباره‌انتشار یابند. باید دفاتر احزاب وسازمانهای سیاسی‌مدافع‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران باز شوند.

چنین‌است دستور روز انقلاب. چنین‌است وامـی که انقلاب بایـد به صاحبان خود باز دهد. و **اتحاد** بزرگ خلق وهمه‌نیروهای‌انقلابی، صرفنظـر ازعقایدسیاسی، مسلکی ومذهبی، زیر رهبری **امام‌خمینی** بقای‌انقـــلاب و پیروزی قطعی‌ونهائی انقلاب راتضمین خواهدکرد. پس دستها رابهم دهیم‌و بسوی ساختن‌ایرانی‌مستقل‌وآزادوآبادروانه‌شویم.

دراین‌سفرانقلابی، ایران قهرمان‌تنهانیست. درسراسرجهان، دوستان انقلاب‌ماآغوش‌گشوده‌اند. هزاران‌دست از فراسوی‌جهان‌بسوی‌ایران انقلابی درازشده‌است. این‌دستهای‌دوستی را باید دوستانه‌فشرد **اتحاد** را بایـد‌در سراسرجهان آوا داد.

واینهمه، امیدمحرومان و زحمتکشان، آرزوی‌انقلابیون‌ومیهن‌دوستـان است. آن‌خونهای‌گرامی‌که‌برخاک‌این‌سرزمین‌ستمدیده ریخته‌ومی‌ریزد، راه‌به سوی آینده درخشان راگشوده‌است واینهمه‌جانهای‌شیفته‌که‌آماده‌رزم و ایثار است، چنین طلب می‌کند.

چنین‌اگرشود، پیروزی‌قطعی‌ونهائی‌نزدیک‌است. هرچند دست‌یافتـن‌به آن‌آسان نیست، کار وپیکار می‌طلبد.

باکار وپیکارخلق، سال‌نو، سال‌امید، سال‌پیروزی خواهد بود.

نوروز: عید مردم

بادام‌زارها، که سپهر از آمدن بی‌چون‌وچرای بهاران برایشـان آیینی‌جاودانه‌ساخته‌بود، نرم‌ــرگهای نیرومند وجوینده‌ٔ خود را به ژرفای دل این گوی خاکی فرو بردند وشیره‌ٔ جان برمکیدند تا آن را ره توشـه سازند، چتری سپید و خوش نگار بر سرگیرند و با آن در زیر باران رگبار سان شیدایی آفرین، به پیشوازش بشتابند، زیرا می‌دانستند هرسال نو ارمغانی تازه‌تر، فرگشته‌تر وآراسته‌تر به همراه خواهد آورد. شقایق از شادی جان برافشاند و پرپرگشت. لاله که می‌دانست این چند روزه زندگانی گذرای‌شتابان، جزشادمانی را نمی‌شاید، همین که زاد، جـام برگرفت و برآن شد که تا نشود، آن را از کف ننهد. زمین از دل گرم خویش، دم برآورد، چنان که گویی در زیر برف آب شونده، آتش افروخته‌اند. سوسن که آزاده بود، گردن افراشت و نرگس که خودبین بود، پشتش فروخمید. آن سنبل کبود از میان کشت با سنبل سپید به یک جای شکفت و چشم‌اندازی پدید آورد همانند پاره‌های ابر رده بسته برهوا ــ کاندر میانش جای به جای آسمان پدید. از یکسو، یاس سپید با یاسمین به کنکاش در نشست که آرایشگری را شیوه‌ای نو در افکند و از دیگرسو، خیری زرد بـا شنبلید. پگاه زود، همگی ازشادی جشن، با خرمنی از گل‌های رنگارنگ دل‌انگیز، روانه شدن را درچیدند که هریک به هنگام، گام به پیـش نهند: میوه رسانان زردآلو، سیب، گلابی، انار، آبی و امرود. هزار دستان که سوز سرمای زمستان دلش را گداخته بود، چمیدن آغاز نهاد و با نوایی خوش ترانه سرداد:

های، شما
ای همه بستانیان!
"اگرنه‌این‌معجزه‌ست، پاسختان‌چیست
درنفس اژدها، چه‌گونه روییده‌است
این همه‌یاس سپیدونسترن سرخ؟"

کبک سر از برف بیرون آورد و همچنان که می‌خرامید، پاسخ داد: "آری، معجزه است، معجزه‌ای از پیوند زناشویی همیشگی و جاودانی آخشیج ها". تندر غریو برآورد؛ کوه‌ها بشکفتند و ازجای بشدند و ابر از شور شادی، جویبار سرشک از چشمه‌های چشم روان گردانید. به یکباره، در سراسر گیتی، ولوله‌ای درافتاد. آنگاه مرد خردمند فریاد برآورد:

آه!
ای‌مردمان!
ازسپهریادبگیرید.
ای‌دست‌هایی‌که‌خانه‌ٔ آزادی‌راساختید
به‌خواری‌ساتورهای‌خون‌چکان
به‌خواری‌سرب‌های‌سردسپیده‌دم ــ
این‌خانه‌رابه‌خانه‌ٔ آسایش وآرمان بدل کنید.

خوشبختی نه افسانه‌ٔ درماندگان است، نه در لابلای نبشته‌های تاریخ جویده‌است‌و نه‌درون‌باغ‌ها‌وکاخ‌های پندارپرداخته. آن‌را در این‌سرای، با سه‌جنگ‌افزار کار و پیکار وهمبستگی به چنگ‌می‌آورند. به‌خواب‌است‌آن‌که‌راه ورسم‌گیتی رانمی‌داند، نمی‌بیند.

* * *

جشن سال نو را هرمردمی هنگامی می‌گیرند، ولی‌آن‌ایرانیان‌وهم‌تباران ایشان‌ازهمه‌بهتراست، زیرابا شکوفایی گیتی هم‌گاه‌است.

آغاز سال نو در این خجسته بوم ارجمند، که "ایران" است، یکم‌فرور ــ دین است، که هنگام رسیدن آفتاب است به‌جایگاه آغازین "دژ برّه" وفرا رسیدن‌بهارشادی‌آفرین. درروزگار ــ های باستان، جشن سال‌نو با گردش سال دیگر می‌شد و مانند جشن "روزه گشایی" و دیگرجشن‌های مسلمانی در فصل‌های‌گوناگون‌می‌چرخید. درپایان های ۵۰۰ یا آغازهای ۶۰۰ میلادی، این جشن یک بار با شانزدهم ژوئـن فرنگان (۲۶ خرداد ایرانیان) همراه گشت. از آن‌پس، هر۴سال‌یکروز این جشن به‌دنبال افکنده‌شد ودرپیرامون سال ۳۹۲هـ. به‌آغاز فروردین رسید. درسال ۴۶۷ با ۲۳"دژماهی"هم‌زمان گردید و در این‌هنگام بودکه به‌فرمان جلال‌الدین‌سلجوکی، گاه‌نمای‌جلالی سامان داده شد و برپایه‌ٔ آن، جشن سال نو در بهار هرسال (روز رسیدن خورشیدبه "دژ برّه") استوار گشت. براین‌پایه، چنین نهاده‌شد که‌در هر چهارسال یکروز برشمار روزهای‌سال بیفـزایند و سال چهارم را ۳۶۶ روز بدانند و پس از هر ۲۸ سال ــ یعنی گذشتن هفت‌چرخش‌چهارساله ــ چون چرخش چهارساله‌ٔ هشتم فرا رسید، به جای آن‌که به‌واپسین سال این‌چرخش یک‌روزبیفزایند، این‌روزرابه‌نخستین سال‌چرخش‌سپسین، یعنی چرخش‌نهم بدهند. بدین‌گونه، سـال جـلالی نزدیک‌ترین سال سراسر جهان به‌سال خورشیدی راستین گردید: ۳۶۵روز و ۵ ساعت و ۴۸دقیقه و۴۶ثانیه.

نـوروز از آییـن‌های بسیار کهـن ایرانیان‌آریایی‌است. اگرچه‌در اوستا از نوروز نامی نیست، ولی در برخی از کتاب‌های دینی دیگر، از نوروز و آیین‌های ایرانیان یاد کرده‌اند. در بندهش بزرگ و نیز درصدور بندهش آمده است که: زرتشت سه‌بار با هوو Hvōv یاهوگوی Hvogvi "زن زرتشت" نزدیک‌شد و هربار نطفه‌ای از او برزمین آمد، که زیر نگه‌داشت ایزدآناهیتادردریاچه‌ٔ کسوه Kasaug (یازره، شایدبرابرباهامون) گذاشته شد. در آن‌جا کوهی است به‌نام کوه یزدان، که جایگاه گروهی از پارسیان است. هرسال‌درنوروزومهرگان، این مردم دختران خود را برای آب‌تنی درآن‌دریاچه‌می‌فرستند، زیرا زرتشت به‌آنان گفته است که از دختران‌ایشان "اوشیدر، اوشیـدرماه و سـوشیانس" (نویددادگان سه‌گانه) پدیدخواهندآمد.

در روزگـاران سپسین، به درستی آشکارمی‌شود که‌ایرانیان جشنی به‌نام فروردگان (یافروردیان) داشته‌اند، که ۱۰ روز بـه درازا می‌کشیـده است. فردوسی، که بی‌گمان مایه‌ٔ کارخود را از خدای نامک‌ها گرفته است، دراین زمینه (در تاریخ فرمانرانی جمشید) می‌گوید:

به‌جمشیدبر، گوهرافشاندند
مرآن روز را روزنو خواندند
سرسال نو هرمز فرو دین
برآسوده‌ازرنج، تن، دل‌زکین
بزرگان به‌شادی‌بیاراستند
می‌وجام‌ورامشگران خواستند
چنین روزفرخ ازآن‌روزگار
بمانده از آن‌سروران یادگار

نوروز در روزگارچیرگی خودکامگان اموی بـرایران، یک چنـد به دست فراموشی سپـرده شد، لیکن چنـدی نگذشت که "نیک‌اندیشان" درباری‌در گوش‌های‌آنان زمزمه‌کردندکه این‌جشن را تازه‌سازند و به‌این بهانه (بهانه‌ٔ ارمغان‌گیری به شادمانی سرسال نو) مردم را تاراج کنند. خلیفگان‌عباسی نیز به‌دنبال آنان روانه گشتند و تـا توانستند، برشاخ وبرگ‌این آیین‌های نوروزی‌افزودند. این‌شیوه، تاریشه‌کن گشتن‌آن‌چنارفرتوت ۲۵۰۰ساله‌برجای بود و هرروز کامی دیگر از آن برگرفته می‌شد.

* * *

ولی‌مردم ــ توده‌های‌انبوه‌وگسترده مردم ــ که در هر زمینه‌ای برای خود شماری جـدا از خداو نـدان کـار داشتند، جشن سال تازه (نوروز) را با شکوهی هرچه ژرف‌تروگسترده‌تربر ــ گزار می‌کردند و کارهایی به یکبـاره برکنـار از خیمه‌شب‌بازی‌های رژیم‌ها انجام می‌دادند: خانه‌تکانی، خانه آرایی، زیباسازی، دیدوبازدیدپی‌در پی‌ودامادم‌وشبانروزی، چیدن‌خوان ــ های رنگین و ساده. (هرکدام. فراخور توانایی خویش)، نامه‌نگاری‌برای شاد باشگویی، دست زدن به کوشش‌های تازه برای همراهی و همیاری بیشتر، آشتی دادن آزردگان باهم، دست ــ افشانی، پایکوبی و کامرانی تـا ۱۳ فروردین، ودراین‌روز ــ درگلشگت‌هاو شادی‌گاه‌ها ــ برگزاری آیین بدرود جشن‌های خوش‌گذرانی، با دل‌هایی مالامال از امید و شـادی برای کار و پیکار و کوشش در راه زندگی هرچـه بهترو کامرانه‌تر.

مردم‌هوشمند ایران، درزمینه‌ٔ بر ــ گزاری جشن‌های‌سال‌نو، باورهای‌خود را نیز از پندارهای سررشته‌داران‌جدا ساختندو یکایک برگ‌های تاریخ رازیر وزبر کرده‌چنین دریافتند که نخستین "عیدغدیر" در ۱۸ماه ذی‌حجه‌ٔ سال دهم‌هجری، با ۲۱مارس ۶۳۲ میلادی و آغاز فروردین ایرانی هم‌زمان‌گشته‌و در این‌روز بوده‌است‌که حضرت‌علی از سوی پیامبر به‌رهبری دینی شیعیـان برگمـارده شده است. ایـن‌جا نیز، ایرانیان تیزهوش، آیین‌های میهنـی خویش را با باورهای دینی هم‌آهنگ ساختند و برهر کدام ته رنگ روشن و زیبایی از آن دیگری زدند. از این ــ روست که‌دربسیاری از کتاب‌های‌دینی بزرگان شیعه، مانند مجلسی و قمی، می‌خوانیم‌که امـام‌ها جشن نـوروز را گرامی‌می‌داشته، خود را برای‌آن‌می ــ آراستـه‌اند و حتی برای لحظـه‌های "تحویل‌سال" دعاهایی‌سفارش‌فرموده ــ اند. بدین‌سان، آیین میهـنی از پشتوانه‌ٔ دینی برخوردارگشت.

ما فرا رسیدن سال‌نو را به یکایک هم‌میهنان گرامی خویش از هرنژادو کیش، از کودکان، زنان، مردان، جوانان‌وسالخوردگان‌ازته‌دل شادباش می‌گوییم‌وبرای‌همگی درهمه‌ٔ زمینه‌های زندگی، آرزوی پیروزی و کامیابی‌می ــ کنیم. یاد جان‌بـاختگـان را گرامی می‌داریم، برای ایشان و خانواده‌های گرامی و بردبار و شکیباشان درودهای گرم‌ودوستانه‌می‌فرستیم‌و برای‌رزمند ــ گان‌جنگ‌پدافندمیهنی آرزوی پیروزی نزدیک‌و درخشان‌می‌کنیم، تابه‌هنگام بازگشت، راه‌شان را از اشک شادی و آفرین‌های دلبستگی گلباران‌سازیم.

ما را نیز به‌سزد که همانند سپهر، خانه‌تکانی‌کنیم‌و هرفرسوده‌ٔ زنگارزده را از درون خانه‌ٔ خود به زباله‌دان روزگار درافکنیم. شیوه‌ٔ ننگین‌وکهن زمین‌داری‌وبازرگانی، که‌مرده‌ریگ‌شوم رژیم‌پوسیده‌ٔ ۲۵۰۰ساله‌است، بایدبا همه‌ٔ ریشه‌های آن از بن برکنده شود. بایستی دست بزرگ‌دارایان، کـلان سرمایه‌داران، زمین‌داران وبازرگانان میلیاردر و میلیونر برای همیشه‌ازجان و دارایی و ناموس مردم‌زحمتکش این سرزمین کوتاه‌گردد. مردم‌ایران، والا ترین گذشت‌هاوجانبازی‌ها را چه‌پیش از انقلاب و چه پس‌ازآن، از خـود نشان داده‌اند و می‌دهند. مردم کار آشوبی‌های دشمنان درونی انقلاب و امپریالیست‌های برونی آن‌را یکی‌پس از دیگری ناکام‌ساخته‌اند و اکنون نیز باهمه‌ٔ هستی‌خویش‌درآوردگاه‌هستند. نبایدگذاشت‌که شور انقلابی این‌مردم نجیب و ارجمندو گرامی در پرتگاه سر خوردگی و نومیدی فروغلتد، که‌دیگر درچنان هنگامی (هرگزمباد) کاربه‌یک باره‌ازکارخواهدگذشت و هرچه‌رامردم بارشته‌های خونین دل دردمندخویش بافته‌اند، پنبه‌خواهدگشت. بی‌گمان ماسرسختانه باور داریم که هرگز چنو روزی پیش نخواهدآمد. لیکن‌پشتوانه دنبالـه یافتـن انقلاب، بـرآوردن خواست‌هاونیازهای‌سوزان وستوهنده‌ٔ توده‌های محروم، تهی‌دست‌و بینوای

بقیه‌درصفحه۷

درسهائی از سال زراعی گذشته

● نخستین گام برای دستیابی به‌کشاورزی مستقل وخودکفا اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی واقعی است

● تامین وسایل کشت، آب، ایجاد تعاونیها و برنامه ریزی کشت، ضرورت دارد

طرح‌قانونی اصلاحات‌ارضی، پس ازتصویب کلیات آن، به‌کمیسیون بازگشت داده‌شده‌است وانتظار میرود که اعضای محترم وفعال‌کمیسیون‌کشاورزی هرچه‌زودتر ودقیقتر مواد وتبصره‌های آنرا موردبحث‌قراردهند وبا توجه به ایراداتی‌که‌نسبت به‌ابهامات و نقاط ضعف‌و جوانب منفی موجود در طرح وارداست، وبا توجه‌به‌نظریاتی که‌ارائه میشود، این‌طرح را تنقیح‌وتکمیل‌کنند. اکنون‌همه‌ٔ‌مردم ودهقانان چشم به راهند، تامجلس هرچه‌سریعتروریشه‌ای تریک‌قانون کامل وکارا وانقلابی را به تصویب‌برساند، که‌بتواند مسئله‌ارضی‌را حل‌کند، یعنی: ۱) **بزرگ‌مالکی راریشه کن‌کند، ۲) بدهقانان‌بی‌زمین وکم زمین زمین‌بدهد، ۳) زمینهٔ محو فقر ومحرومیت را در روستا ها فراهم‌آورد ۴) شرایط رابرای نیل بسوی خودکفائی آماده‌سازد.**

چنین قانونی، که ازابهامات و عیوب و نکات‌منفی مبری باشد، تحولات عظیم ببارخواهد آورد، که مهم ترین و اساسی‌ترین‌آنها، تحکیم جمهوری‌اسلامی‌ایران وتقویت وتعمیق انقلاب شکوهمند ما، درهم‌کوبی یکی از مهمترین پایگاه‌های ضدانقلاب و گشودن راه پیشرفت‌اجتماعی‌است.

ازآنجاکه همهٔ این "بدیهیات" راتجربهٔ‌خود ما وهمچنین تجربه‌سال زراعی‌گذشته‌نیز ثابت‌میکند، بی‌مناسبت‌ندیدیم که‌دراین آخرین‌شماره "**اتحادمردم**" برای‌سال ۶۰، نظری به درس‌های‌سال‌زراعی که‌گذشت‌ومسائل وتنگناهائی که مطرح‌کرد، بیفکنیم تا به ویژه‌اهمیت‌بررسی درست طرح‌قانونی وضرورت‌انجام هرچه‌قاطعتر وفوری‌تر اصلاحات‌ارضی، همراه با تدابیر حیاتی وجدی که‌باید بدنبال آید، روشنتر شود.

کشاورزی وکشاورزان درسالیکه پایان میپذیرد

طی ماه‌های اخیر، مقامات‌مسئول جمهوری اسلامی ایران درزمینهٔ سال زراعی گذشته و اقداماتی که تا سال زراعی جدید درخصوص پیشبرد امر کشاورزی و رسیدگی به وضع دهقانان زحمتکش انجام‌پذیرفته و نقاط قوت و ضعف یکسال کار و کوشش مداوم، سازنده وثمربخش دهقانان زحمتکش ومسئولین، نظرات و پیشنهادهایی ارائه کرده‌اندکه‌امید بخش، آگاه کننده و تجربه‌آموزاست. ازجمله **آقای عاصمی‌پور**، رئیس کل سازمان‌غلهٔ‌کشورچندی‌پیش‌گفته‌است:

"**افزایش خرید گندم‌موجب‌شده است که ۵۰ درصد خریدخارجی کاهش یافته و بدین‌ترتیب، ۴۲۰ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی شود.**"

در زمان رژیم منفور پهلوی، علاوه براینکه‌انحصارات‌امپریالیستی ذخائر ودارایی‌های این مردم رنج دیده را غارت میکردند، درضمن میکوشیدند که محصولات خود را به کشورما صادرکنند و ازاینطریق پول دیگری به جیب بزنند. اکنون میتوان امیدوار بود که اگردرآینده پس از اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، تدابیر انقلابی‌تر وعملی‌تر در زمینهٔ گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولید محصولات کشاورزی اتخاذ شود، مسلما اقتصاد کشاورزی ما در دستیابی به خودکفایی‌منطقی و استقلال کشاورزی موفق خواهدشد و میهن انقلابی ما توطئه‌های‌گوناگون امپریالیستها و ایادی داخلی‌آنها، یعنی تروریست‌های اقتصادی وسیاسی را نقش برآب خواهد ساخت.

گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولیدات و از این طریق جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات‌کشاورزی، ازجمله هدفهای اساسی ومهمی‌است که پس از انقلاب همواره توسط مقامات دلسوز و متعهد و انقلابی تعقیب میشود وبدون‌تردید، پس از انجام اصلاحات ارضی انقلابی، اهمیت بازهم بیشتر و حادتری‌کسب خواهدکرد.

تامین این‌هدف، خواست دیرینهٔ تمام توده‌های میلیونی انقلاب‌کرده و ازجمله دهقانان زحمتکش است. این امر از دوجهت دارای اهمیت اساسی‌است: اولا به‌خواست‌انقلاب و توده‌های‌انقلابی، یعنی‌استقلال وخود کفایی درزمینهٔ‌کشاورزی‌تحقق‌می‌بخشد **ثانیا** تحولاکیفی در کار و زندگی دهقانان‌ایجادمیکند.

میهن‌انقلابی ما اکنون‌درچند جبهه‌درگیرنبرد بادشمنان‌داخلی‌و خارجی‌انقلاب‌است. این‌جبهه، ازنبرد با متجاوزان صدامی گرفته تامبارزه با توطئه‌های شیطان بزرگ وپایگاه‌های داخلی آن، یعنی زمین‌داران بزرگ وسرمایه‌داران بزرگ وابسته، تا نفاق‌افکنان، واپس گرایان و قشریون، که با انجام اقدامات بنیادی مخالفند و هردو درواقع آب به یک آسیاب می‌ریزند، رادربر می‌گیرد.

دراین نبرد دشوار وبغرنج، دهقانان زحمتکش سهم بسزائی‌دارند آنها هم درجبهه و هم در پشت جبهه برای حفظ دستاوردهای انقلاب از گزند دشمنان‌و پیشبرد آن، ازبذل جان ومال خود دریغ نداشته‌وندارند وزیرکشاورزی، طی‌مصاحبه‌ای‌بامجلهٔ "**الشهید**"، که درماهنامهٔ "**زیتون**" (نشریهٔ وزارت‌کشاورزی، شمارهٔ ۷، پنجشنبه ۳۰ مهر۶۰) بازتاب یافته است، دربارهٔ این ایثار و ازجان گذشتگی دهقانان‌زحمتکش درجبهه و پشت جبهه گفت:

"**البته کشاورزان ازهرجنبه‌شرکت کردند، ازجنبهٔ نظامی‌هم‌فرزندان‌شان رابه جبهه فرستادند و مهمترین قشرجامعه بودند. اینها تعدادزیادی شهیدداشتند وتعداد زیادی‌ازبهترین فرزندانشان به جبهه رفتند ودارند میجنگند وهمچنین ازلحاظ اقتصادی اینها بزرگترین قشری بودند که توانستند درجهت خودکفایی‌در جهت تقویت اقتصاد ما خدمت کنند و واقعا دلسوزانه دنبال این کار بودند و ماشاهد بودیم.**"

بنابراین‌آنچه‌که‌درسال‌زراعی‌گذشته‌به دست آمده‌است ازافزایش‌نسبی تولید محصولات‌زراعی‌که‌دربرخی‌اقلام‌اعلام شده‌است، جلوگیری‌از واردات‌بی‌رویه این‌محصولات وخروج ارز راپیش‌از هر چیز و دردرجه نخست، مدیون کار و پیکار روزانه دهقانان‌تهیدست و زحمتکش هستیم، زیرا که به قول‌وزیر کشاورزی:

"**روی هرکدام از کالاهایی که انگشت میگذاریم، می‌بینیم واقع تلاش و کوشش کشاورزان منعکس است.**" (زیتون، سخنرانی وزیر کشاورزی دراجتماع کارکنان وزارت کشاورزی، همان شماره).

و درست به همین خاطراست که باید تمام هم‌وغم مسئولین روی این مسئله متمرکز باشد که کلیهٔ مشکلات ونابسامانی‌ها را از پیش پای دهقانان تهیدست بردارند و "**فکر بنیادی باید این باشد که دستگاه و سیستم درخدمت کشاورز قراربگیرد به نحو احسن، به این معنی که درکمترین فرصت خدماتی که باید وشاید به‌کشاورز عرضه بشود، نه این که آنچه که کشاورز می‌خواهد دریک روابط بوروکراسی بیفتد و درنهایت‌چیزی عایدش نشود یا دیر به دستش برسد.**" (وزیرکشاورزی، همانجا)

مهمترین واولین‌گام برای‌خدمت به‌کشاورزان به ۶۰۰ هزارخانواربی‌زمین ویک‌میلیون ودویست‌هزارخانوار کم‌زمین به‌گفته‌آیت‌الله‌امامی‌کاشانی عبارتست‌ازدادن زمین‌کافی به‌آنها اجرای‌کامل‌بندهای "ج" و "د" بدون استثناها وبدون‌راه‌های‌فراربرای‌بزرگ مالکان.

باتوجه به انچه گفته‌شد، لازم است که برنامه‌ای همه‌جانبه، انقلابی دقیق وپاسخ ده مسائل ومعضلات موجود در زمینهٔ پیشبرد کشاورزی و رفاه حال دهقانان زحمتکش ارائه داد و قاطعانه بدان عمل کرد. برای ارائه و اجرای این‌برنامه باید ازتمام نیروها و امکانات موجود استفاده‌کرد. باید از اشخاصی که مومن به انقلاب و متعهدبه جمهوری اسلامی ایران و در این زمینه متخصص و کارآمد هستند، مددجست. گفتهٔ وزیر کشاورزی دراین خصوص نیز بسیار ارزنده وقابل توجه است. وی گفت:

"**وقتی رهنمودی ارزنده باشد، پیشنهادی سازنده باشد، برنامه و طرحی مفید باشد، هیچ کس جرئت این راندارد که رد کند وقبول‌نکند**" (همانجا)

البته وزارت کشاورزی دربرنامه ۱۹ ماده‌ای ارائه شدهٔ خود برای پیشبرد و شکوفاندن کشاورزی لزوم انجام اقدامات مفید وسودمندی را گنجانده است، که اگر بطورکامل به اجرا گذاشته شود، بسیاری از معضلات و مسائل موجود درزمینهٔ کشاورزی برطرف خواهدشد وپاسخ گوی عمده‌ترین خواست‌های‌انقلاب و دهقانان زحمتکش و استقلال و خودکفایی کشاورزی خواهد بود. ولی باید توجه داشت که برای تحقق این امر، یکسری اقدامات عاجل نیز وجود دارد، که باید انجام پذیرد.

نخستین‌گام:

اجرای اصلاحات ارضی بنیادین

اجرای اصلاحات‌ارضی بنیادین که‌هم‌اکنون‌کلیات طرح‌قانونی آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده‌و اینک بایدکمیسیون‌آن‌را موردبررسی و تنقیح و تکمیل قرار دهد، نخستین و مهمترین گامی‌است که باید دراین جهت برداشته‌شود. بعلاوه گسترش تعاونی‌های کشاورزی ویکپارچه کردن اراضی درمقیاس‌های وسیع‌ودرمناطقی که مستعد برای این امرهستند، سبب بازده مطلوب محصولات‌میگردد

گستراندن سطح زیرکشت و افزایش تولیدات کشاورزی ودستیابی به خودکفایی واستقلال درکشاورزی، امری نیست که بتوان بدون انجام اصلاحات ارضی واقعی بدان‌دست یافت. دلخوش کردن به اراضی موات وقابل کشت کردن آنها، اگرهم امکان‌پذیرباشد، کاریست که دردراز مدت‌صورت می‌گیرد و تازه هم مقدار اراضی‌کافی نیست و هم به درد حالا نمی‌خورد، و امروز اگرمی‌بینیم که پیشرفت نسبی درزمینهٔ افزایش تولیدات کشاورزی داریم، این امر موقت و تحت شرایط ویژه و یابه‌قول وزیرکشاورزی، درهمان سخنرانی: "**این رشد رابیشترمیشود یک رشد مقطعی اطلاق کرد تا رشد بنیادی**"، زیراکه "**درمورد زمین یک وضع‌ثابتی نداشتیم.**"

درحالیکه زمینداران بزرگ و فئودالها، اراضی وسیعی رابخود اختصاص‌داده‌اند و از اینطریق نبض کشت و تولید محصولات‌زراعی رادردست دارند، رسیدن به هدف استقلال اقتصادی، نیل به‌خودکفائی، ازبین‌بردن‌فقرومحرومیت‌وجلوگیری‌از مهاجرت شدیدوبی‌رویه‌که‌درمقدمه‌طرح قانونی‌ذکرشده امکان‌پذیرنخواهدبود هم‌چنین‌سخن‌راندن از گسترش سطح زیرکشت و افزایش تولیدات‌کشاورزی بدون انجام اصلاحات‌ارضی بنیادی ناشی از ساده اندیشی است. بزرگ مالکان و فئودال‌ها، کهبه درست نام آنها درلیست "تروریست‌های اقتصادی" ثبت‌شده است، ازهر وسیله و هدفی برای ضربه‌زدن به افزایش تولیدات زراعی، استقلال وخودکفایی کشاورزی و درنهایت ضربه زدن به انقلاب استفاده‌میکنند.

مگر ما شاهد آتش زدن خرمنها نبودیم که‌بدست ایادی مزدورآنان انجام میگرفت؟ مگر وزیرکشاورزی نگفت که: "**اخیرا این زمینداران زمینهای وسیع خود را باکیفیتی‌بسیار پایین کشت می‌کنند، تا املاک آنها جزو زمینهای مصادره‌ای محسوب‌نشود و دقیقادراین رابطه است که باید این نوع زمینداران شناسایی شوند، تا بیش‌از این در راه خودکفایی‌کشور سد راه نشوند**"؟ (روزنامه‌ها— ۲۶/۶/۶۰).

بنابراین نخستین گام در راه گسترش سطح زیرکشت و تولیدات کشاورزی واز اینطریق جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات و خروج ارز، نیل به‌خودکفایی وتامین‌استقلال اقتصادی واجرای کامل وبدون خدشه قانون اصلاحات ارضی است، درغیر اینصورت، همانطور که وزیرکشاورزی هم گفته است:

"**اگر وضع زمین تثبیت نشود، برنامه‌ریزی‌های ما پایهٔ قوی‌ای نمی‌تواند داشته‌باشد. براین مبنا بر اصلاحات ارضی اسلامی تکیه می‌کنیم وباید. دراین رابطه بمورد اجراء گذاشته شود.**" (زیتون، همان‌شماره)

واگذاری ماشین‌آلات مدرن کشاورزی، پایه‌ریزی سیستم صحیح آبرسانی و رساندن دیگر خدمات کشاورزی

واگذاری ماشین‌آلات مدرن کشاورزی، پایه ریزی سیستم صحیح آب‌رسانی (آب زراعی) تقویت جدی مشاع هاو ایجاد تعاونی های‌نیرومند تولید و رساندن دیگر خدمات کشاورزی، ازجمله کارهای مهم و عمده دیگریست که می‌بایست درزمینهٔ گسترش سطح زیرکشت، افزایش تولیدات کشاورزی و جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی برداشته‌شود.

متاسفانه درتمام این موارد نیز باکمبودهای‌جدی مواجه هستیم و موظفیم برای کامیابی‌اساسی‌اصلاحات ارضی این‌کمبودها را مرتفع کنیم.

درمورد اول، یعنی واگذاری‌ادوات و ماشین‌آلات مکانیزهٔ‌کشاورزی و استفاده از تکنولوژی پیشرفته و امروزین، علیرغم اینکه درسال زراعی گذشته دولت توانسته این احتیاج مبرم را درمیان درصد کمی از روستاها برطرف کند، اما این کمبود دراکثر روستاها بطور جدی مشاهده میشود وبرنامهٔ منظم وعلمی که بتواند باآینده نگری دهقانان زحمتکش را اززنجیر کند کنندهٔ وسایل کار اولیه وابتدایی برهاند، هنوز تدوین نشده است.

دراین زمینه چون هنوز قادر نیستیم خود کلیهٔ این ادوات و ماشین آلات را بسازیم، ناچاریم برخی ازبغرنجترین آنهارا ازخارج وارد کنیم. اما این بدان معنانیست که خرید این ادوات و ماشین‌آلات به هرقیمت (حتی وابستگی به‌کشورهای امپریالیستی) باید انجام پذیرد. دراین‌موردهم اصل، نخست‌جنبهٔ سیاسی ومنافع انقلاب و استقلال اقتصادی است وسپس جنبه‌های فنی. خرید این وسایل باید باقیمت عادلانه و درجهت تثبیت هرچه بیشتر استقلال کشور و بادرنظر گرفتن ضرورت تولیدی و اولویت‌ها باشد. دراین زمینه‌ما می‌توانیم از کشورهای دوست و پشتیبان انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران کمک بگیریم. کمک‌گیری از کشورهای دوست و پشتیبان مانند کشورهای‌سوسیالیستی یا کشورهای ضدامپریالیستی، که تجربهٔ بیشتری دارند و دراین‌زمینه کامیابی‌هایی داشته‌اند، همانطور که تجربه ثابت کرده است، نه تنها وابستگی بوجود نمی‌آورد، بلکه به اقتصاد کشور در راه رسیدن به خود کفایی واستقلال یاری می‌رساند. خرید ماشین آلات کشاورزی روندی است که‌باید به تدریج به تولید ماشین آلات در داخل بدل شود، ومیتوانیم‌یکی از شرایط عمده خرید آنها را قراردادهای زمان‌بندی‌شده برای ایجاد کارخانجات تولیدکننده در داخل کشور قراردهیم.

درزمینهٔ تامین آب زراعی کافی برای کشت، همانطور که می‌دانیم، محصولات کشاورزی زمانی بارآور میشوند وافزایش میابند، که آب زراعی کافی وجود داشته باشد.

بقیه‌درصفحه۱۵

اتحاد مردم
شماره ۱۲۰ دوره سوم دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰

امپریالیسم بریتانیا:

قدرت شیطانی دیگری، که درکنار امپریالیسم آمریکا علیه ایران انقلابی ایستاده است

* ما درسال ۱۳۶۱، موافق همه‌قراین‌وامارات، بسوی‌موج‌سیاه‌تازه‌ای از توطئه‌های‌نظامی ـ سیاسی امپریالیست‌ها علیه‌انقلاب‌اسلامی‌ایران‌می‌رویم، ودراین‌توطئه‌ها‌انگلستان‌نقش "برادرکهتر" سر راهزن بین‌المللی ـ آمریکا را‌بازی خواهدکرد.

* امپریالیسم بریتانیا در "کشورهای‌مشترک‌المنافع" (صرفنظراز چند کشورمستقل ونیمه‌مستقل) عملا هنوزهم مواضع غارتگری مهمی را درجهان کنونی برای خودحفظ کرده‌است.

* کماکان‌دستگاه‌جاسوسی "اینتلیجنس سرویس" وسازمان سری "فراماسونری" وابسته به‌آن درپیشبردسیاست های نواستعماری‌امپریالیسم بریتانیا فعالند.

* انگلیس که‌بیست سال پیش قوای نظامی خود را بطور عمده‌از"منطقه" خارج ساخت، اکنون از آمریکا اجازه‌یافته، که‌باردیگر از "تجارب‌مستعمراتی" خود، برای رخنه درشیخ‌نشین‌ها وبحرین‌وکویت‌وعراق‌واردن‌وعربستان و دیگر نقاط استفاده‌کند.

ماقدرتی‌را شیطانی‌می‌دانیم که بقاء وعظمت ورفاه خودرادر غارت‌و ستمگری استعماری ونواستعماری، گاه همراه‌باحیله‌گری‌وگاه‌همراه‌باسرکوب خونین خلق‌های دیگرجهان جستجومیکند. ملاک و معیار سنجش وداوری بهتری‌نیست که بر آن پایه‌بتوان گفت: کدام قدرت شیطانی است؟.

پس ازایالات‌متحده‌آمریکا، که نقشش درجهان اجراء سیاست "چماق بزرگ" بسودمنافع میلیاردرهای "وال استریت" است، قدرت‌شیطانی دیگری که‌درکنار "شیطان‌بزرگ" علیه‌کشور ما وانقلاب‌ماهمیشه‌ایستاده‌است و حتی درمواردی **الهام‌بخش‌دیگر** دشمنان اوست، امپریالیسم بریتانیاست که زمانی "امپراتوری‌بریتانیا" نام‌داشت. کوهی‌ازاسناد و واقعیات تاریخی گواه این‌امراست‌وخوشبختانه‌درباره‌سیاست شوم‌این‌امپریالیسم درحق‌ایران، از طرف ایرانیان تالیفات‌افشاگرانه متعددی‌انجام‌گرفته‌است.

"امپراطوری‌بریتانیا" اکنون رسما وجود ندارد وآنچه وجود دارد، نام "کشورهای‌مشترک‌المنافع" (کامن ولث) برخودنهاده‌است. ولی‌امپریالیسم بریتانیادرهمین "**کشورهای مشترک‌المنافع**" (صرفنظرازچندکشور مستقل‌ونیمه‌مستقل) عملاهنوز هم **مواضع غارتگری‌مهمی‌را** درجهان‌کنونی برای‌خودحفظ کرده‌است ولذا این منبع بزرگ شر را نمی‌توان ونباید دمی ازخاطر زدود. کماکان‌دستگاه جاسوسی‌"اینتلیجنس‌سرویس"وسازمان سری "فراماسونری" "وابسته‌ء به آن درپیشبرد سیاست‌های نواستعماری امپریالیسم بریتانیا فعالند.

"**کشورهای مشترک المنافع بریتانیا**" علاوه بر برخی‌از کشورهای مستقل (مانندجمهوری‌هند) از اراضی تابعه وسرزمینهای تحت‌قیمومت و نیز "دومی‌نیون" های‌مشترک‌سابق خود تشکیل شده (که‌درسراسرجهان‌پراکنده‌اند) واین‌سرزمینها، علیرغم‌افول نسبی‌انگلستان، آن را کماکان و عملا به یک "امپراطوری‌جهانی" بدل‌می‌سازد. که‌یک‌چهارم جمعیت جهان و یک‌پنجم خشکی را دربرمی‌گیرد. انگلستان در سراسرجهان به کمک‌کوچ مردمان‌جزایربریتانیا، کشورهائی‌مانند کانادا، ایالات‌متحده‌آمریکا، آفریقای جنوبی، استرالیا، زلاند جدید، که سکنه‌ءآنها دربخش بسیار مهم دارای ریشه‌ءانگلیسی‌هستندوبزبان‌انگلیسی تکلم می‌کنند، بوجودآورده‌است‌عرصه‌ء انگلیسی‌زبان‌جهان (انگلوفن) اگر ریشه‌های‌نژادی‌وقومی رادرنظرنگیریم بسیار وسیع‌است ودرآفریقاو آسیا نیز زبان‌انگلیسی‌رواجی‌شگرف دارد.

این‌قدرت‌غارتگراستعماری‌اکنون بیش ازسه سده‌است‌که‌بتدریج، باعقب زدن رقیبان امپریالیستی‌واستعماری دیگر (مانندپرتغال، اسپانیا، هلند، فرانسه، آلمان‌قیصری، روسیه‌تزاری)، خود رابهمراه "پسرعموی "آمریکائی به "سر راهزن‌بین‌المللی" مبدل‌کرده است.

جزایربریتانیارا رمیهای قدیم "آلبیون" (ALBION) یعنی "جزایر سفید" می‌نامیدند. بعدهااین "آلبیون" که شکسپیر آنرا "**دژی بادیوارهای‌دریائی**" می‌خواند، به"**آلبیون‌حیله‌گر**" معروف شد. مزه‌ءخیانت وحیله و غداری‌این "**آلبیون حیله‌گر**" را، نه‌تنهاکشورهای "جهان‌سوم"، بلکه همتاهای‌استعماری دیگر، بارهاوبارها چشیده‌اند.

انگلوساکسونها در سرزمین انگلستان تنها از هزارسال پیش به خلق مسلط مبدل‌شده‌اندوهمه‌خلقهای پیش ازخود (نرمان‌ها، سلت‌ها، سکات‌ها، ویلزها وغیره) راعقب‌زدند. "کمربند دریائی" به‌این غاصبان سرزمینهای جزایربریتانیا امکان‌داد، که به "**دریازن**" (پیرات) درجه اول بدل شوندو ناوگان‌آنها در دریاهای جهان آزادانه شیار بزنند.

وقتی‌الیزابت اول، ملکه‌مقتدر انگلیس برآن‌شدکه‌سیاست تسلط بر دریاها را اعمال کند، نزدیکترین دستیار او یک راهزن تمام عیاردریائی بنام "**بلیک**" بود، که‌ملکه بوی لقب "**کاپیتن**" داد.

این‌کشور توانست به پررشدترین کشور اروپا بدل‌گردد ولذازودتر به انقلاب بورژوائی‌ونظام‌پارلمانی مشروطه دست یافت وازجهت‌اجتماعی راه‌خودرابجلوگشود ودرسده‌نوزدهم و دوران پادشاهی‌ویکتوریا به‌چنان‌قدرت بدون‌رقیب صنعتی‌دست‌یافت، که اورا "**کارخانه‌ء جهان**" نامیدند.

ولی این‌پیشرفت‌برپایه‌شیوه‌ء اقتصادی "مرکانتلیسم "وبسط بازرگانی وایجاد بازارجهانی‌بسوداشراف‌بورژوا شده‌وبورژواهای‌اشراف‌منش‌انگلستان انجام‌گرفت. بازرگانی باقلدری و راهزنی درآمیخت‌ونقش غارتگری‌امپریالیسم بریتانیا را تشدیدکرد.

انگلستان "منافع حیاتی" خودرا دراسارت وتاراج‌خلقهای جهان، بویژه کشورهای "جهان‌سوم" دید و تحت عنوان کنترل‌کردن "مراکزسوخت‌گیری" کشتی‌های خود، در سراسرجهان، جبل‌الطارق‌ها، عدن‌ها، سنگاپورها، هونگ‌کونگ‌ها و تمام دیگر "سرگردنه‌ها" را زیرسلطه‌ءخود گرفت. انگلیسیان جزیره نشین، بویژه‌طی قرنهای‌هجده ونوزده ونیمه‌اول‌قرن‌بیست، آقا و سرور جهانی شدند، که‌درآن "**آفتاب هرگز غروب نمی‌کرد**" وشاعر استعماری انگلیس "**رودیاردکیپ‌لینگ**" دراشعار خود باشورتمام‌این "**میهن جهانی مستعمراتی**" راستوده‌است.

انگلستان برای ایجاداین امپراتوری‌جهانی، که‌درپایان سده‌ء نوزدهم برای‌هرفرد از ۳۷ میلیون ساکنان آنروز جزیره، بیش از۱۲برده‌ء رنگارنگ‌مستعمراتی در جهان‌تامین می‌کرد (!) از هیچ‌جنایتی‌خودداری نورزید. حتی‌**وینستون‌چرچیل** مرتجع معروف، درایام‌جوانی‌خود، درباره‌ء یکی‌ازاین‌جنگهای‌مستعمراتی، که علیه جانشینان **مهدی‌سودانی** درگرفته بود، درباره‌ءرفتار ارتش انگلیس **می نویسد**:

"**هنگامیکه‌ارتش درمیدان جنگ، دشمن‌تسلیم شده و زبون را اینگونه بیازاردومانندمیکروب سرزمینش را به پلیدی‌بیالاید، آیابرای اینکار جز بربریت وددمنشی نام‌دیگری‌می‌توان نهاد؟**" (زندگی‌نامه‌سیاسی‌وینستون چرچیل ـ ترجمه ک. کشاورز ـ صفحه‌ء ۴۹).

نویسنده‌این‌حملات همان چرچیلی‌است‌که‌پس از جنگ‌دوم‌جهانی خواستارشدکه‌به کشورهای سوسیالیستی با بمب اتمی یورش برده‌شود، یعنی بربریت و ددمنشی را خودنیزخواستار بود.

درواقع ستایش نقش انگلستان و انکاروجودعناصرغارتگری‌وبرده‌سازی‌در این‌نقش، خاص **رودیاردکیپ لینگ ویا** مداحان‌گذشته‌نیست. امروزهم برخی "تئوریسین"ها، حتی‌برخی‌اندیشه‌پردازان چپ‌نمادر غرب، برآنند که انگلستان ودیگرکشورهای‌مستعمره‌جو، درحق‌آسیاوآفریقا وآمریکای لاتین، نقش "**مدنیت‌سازی**" بازی‌کرده‌اند، ولی سطح‌بالای رشد و رفاه‌خود آنها، گویا محصول عرق‌و خون مردم "جهان سوم" نیست، بلکه محصول پیشینه‌ء عالی تمدنی‌خودآنها، کار آنها ونبوغ ملی‌ودرایت‌سیاسی‌رجال آنهاست! فقر وعقب‌ماندگی "جهان‌سوم" نیزبه "تنبلی‌وخرفتی‌نژادی "آسیائی‌ها، آفریقائی‌هاواقوام‌لاتین‌درآمریکای جنوبی‌مربوط‌است‌واین‌کشورهای "ناسپاس" بیهوده‌همه‌ءمعایب‌خودرابه گناه‌کشورهای‌غربی‌منسوب‌می‌دارند!

این‌نوع "تئوریها"، بویژه‌ازطرف برخی‌تئوری‌بازان‌انگلیسی مطرح‌میشود تاپایه‌معنوی‌واخلاقی‌قیام‌کشورهای مستعمره ونیمه‌مستعمره رابقول‌خود، انکارکنند وآنرا "القاآت‌وتحریکات ابلیسی‌کمونیست‌ها" جلوه‌گرسازند وبر سرتبه‌کاری‌های‌عظیم‌تاریخی خود، مانندجنگ‌افروزی وغارت وسرکوب و پرورش‌فاشیسم ونژادگرائی‌وبرده‌داری ودسیسه‌کاریهای ابلیسانه‌پرده‌ساتر بیافکنند. ولی‌تاریخ وجود داردو گواه است.

آری، درواقع کشورهای‌امپریالیستی، وازآن‌جمله‌انگلستان، نه‌فقط "جهان‌سوم" رابه بازارفروش، عرصه‌ء سرمایه‌گذاری، مرکز تدارک‌مواد خام، پایگاه‌نظامی، عرصه‌ءنفوذ سیاسی، عرصه‌ءتدارک کارگزاران‌برای‌خود بدل کرده‌اندو درحق آنهاسیاست "ارزان بخر ـ گران‌بفروش" را اجرا نموده‌اند بلکه درکناراین‌عمل‌پلید، به‌بهره‌کشی بیرحمانه‌از زحمتکشان‌کشور خود، و غارت همتایان‌اروپائی‌وآمریکائی‌خود نیزپرداختندومنبع‌گنج‌باد آورد آنها فقط "جهان‌سوم" نیست. ولی این امر برای انگلستان‌افتخاری نمی‌آفریند و هیچ‌عاقلی هم‌آنرا‌منکرنیست، که‌دامنه غارتگری بانکداران "سیتی"و لردهای لندن‌درمقیاس‌جهانی وسیع است. و احدی‌نیزتردیدندارد‌که‌شکوفائی‌مدنی اروپای غربی درسده‌های نوزدهم و بیستم برسنت‌نیرومندی از زمان یونان و رم باستان تا دوران "رنسانس" در تمدن‌اروپائی و برتلاش داهیانه‌ء زحمتکشان و روشنفکران خلاق‌این‌کشورها مبتنی است ودرست‌درهمین‌ایام در "جهان‌سوم"، بعلل مختلف، که مهمترین آن‌استعمار بود، نوعی‌رکود مدنی‌نسبی‌حکمروا بود وحال‌آنکه‌چین وهندو مادوایلام‌وبابل وآمور ومصر و فنیقیه ـ بنیادگذاران تمدن‌انسانی هستند. اینرا هم‌کسی‌منکرنیست.

آنموقع که درساحل‌گنگ تمدن شکوفائی بود، حتی‌سکنه اولیه‌جزایر بریتانیا (گویانورمانها) به‌این‌جزیره نیامده بودند. بقول شاعرمعاصر **ادیب پیشاوری**:

"آن شمیده‌بوستان‌لندن‌ازبادسموم
ازبهارستان‌هندوستان‌ضیاءوشم‌گرفت"

اگرفردی‌از "جهان‌سوم" بخواهد بعنوان انقلابی‌ومیهن‌دوست بودن مطلب رادربغرنجی‌واقعی‌تاریخی اش نبیندوآنراساده ویک‌بعدی کند، البته داوری درستی‌نکرده‌است وسخن‌اوفاقد علمیت وپایه‌ءکافی واقعی‌است. ولی مبارزه‌ء مردم "جهان‌سوم" "علیه‌سرمایه‌داران‌حریص انگلوساکسون وسیاست اسارتبار آنهاهمیشه بحق‌بوده وبحق است، زیرا توجه به‌این‌بغرنجی‌ها (که ازلحاظ علمی ومنطقی‌ضرور است) بدین معنی‌نیست که‌ماجنایات‌بی‌حد و حصر وغارتگری‌بی‌حساب‌امپریالیسم انگلیس ودیگرهمکاران استعمار طلب اروپائی‌وآمریکائی‌اش‌را طی سده‌های اخیر در "جهان‌سوم" "فراموش کنیم. چنین فراموش کردنی که خودجنایت است!

استعمارطلبان برای تبدیل "جهان‌سوم" به‌مصرف‌کننده کالا های مصرفی خودشان البته تاحد معینی ظواهر تمدن‌مصرفی غربی رابه‌این جهان‌سرایت دادند، ولی باتمام قوا، وبدست‌فئودالهاوکمپرادورهای‌بومی دست نشانده: شاهان، ملوک، شیوخ، خانها، راجه‌ها، ماندارین ها، دیپلمات‌های‌فاسدخودفروخته‌ءنظامات تباه وظالمانه را دراین‌کشورها حمایت کردندواین‌کشورهارا بخود وابسته ساختند، جنبشهای رهائی‌بخش‌را در این‌کشورهابه‌خون‌کشیدند ودرعقب‌ماندگی ومحرومیت‌های امروزی کشورهای "جهان‌سوم" بدون‌کمترین تردید مسئولیت درجه‌اول دارند.

برای مجسم‌ساختن‌میزان غارت کشورهای امپریالیستی ازکشورهای‌رشدیابنده تنهادونمونه شاخص ذکر می‌کنیم:

۱ـ تنهابدهی‌های دولتی و بدهی‌های‌تضمین‌شده بوسیله‌ء دولت (درکشورهای رشدیابنده) ازسال۱۹۵۶تا سال۱۹۷۳، تقریبا ۸ برابرافزایش‌یافته وبه‌رقم ۸۰میلیارد دلار رسیده و از آن پس نیز این رقم افزایش یافته‌است!

۲ـ بهای موادخام وسایرکالاهائی که‌ازکشورهای با اقتصادکم رشد واردمی‌شود، هرچه‌بیشترکاهش می‌یابد وبهای‌محصولات صنعتی که به‌این‌کشورها صادرمی‌شود، روبه‌افزایش می‌رود (آنچه که‌مبادله‌نابرابریا "سیاست قیچی" نام‌دارد). مثلا از ۱۹۵۰تا ۱۹۷۲، بهای‌متوسط‌کالاهای صادراتی ازکشورهای رشدیابنده۱۳درصدکاهش یافت‌ودرهمین مدت‌بربهای وارداتاز کشورهای‌صنعتی سرمایه‌داری۷٪افزوده شد. زیان‌کشورهای‌رشدیابنده‌درنتیجه بدترشدن‌شرایط بازرگانی طی ده سال (۱۹۶۰ـ ۱۹۷۰) به۵۰میلیارد دلار بالغ می‌گردد. (ر.ک. "امپریالیسم" زیرنظر گ. کازلف. ترجمه م ـ اخگر ـ صفحات ۱۶۰ ـ ۱۶۱).

دوپسرعموی‌انگلوساکسون، انگلیس وآمریکا، تا قبل ازجنگ‌دوم جهانی‌نیمکره‌های‌غربی‌وشرقی رابین خودتقسیم‌کرده‌بودندوسهمی‌نیز به غارتگران دست دوم، مانندفرانسه و هلندوپرتغال وایتالیا و ژاپن داده بودند.

پس‌ازجنگ‌دوم، انگلستان در اثر ضعف‌خود، اولویت رابه‌آمریکا سپرد واین مطلب با لحنی‌نژادگرایانه (پیوندهمه‌انگلیسی‌زبانها) درنطق ۶ مارس ۱۹۴۶**وینستون‌چرچیل**در **فولتن** که‌دعوت به "جهاد "اتمیک‌ضدشوروی است، منعکس‌گردیده است. (ر.ک "زندگی‌نامه‌چرچیل" بفارسی، صفحات ۳۷۰ ـ ۳۷۴) عملاانگلستان و یاران دیگر امپریالیستی‌زیرچترحمایتی‌آمریکا قرارگرفتندوبا اجرا سیاست "جنگ‌سرد" مشترکا به غارت‌کشورهای رشدیابنده مشغول‌شدند!

اکنون‌هم **تاچر و ریگان** درتوطئه شوم‌خودعلیه‌صلح‌وتمدن مشیرومشار دائمی یکدیگرند و برای‌سرکوب‌جنبش رهائی‌بخش ملی ورستاخیز استقلال‌طلبانه خلقهای کشورهای رشدیابنده علیه‌غارتگری‌های‌بی‌بندوبارباهم عمل می‌کنند.

درنقشه‌درازمدتی که‌برای حفظ تجدیدتسلط امپریالیسم برمنطقه‌انرژی خیزخاور میانه، که‌هشتصدمیلیون‌تن نفت‌درسال‌تولیدمیکند (!) کشیده‌شده، انگلیس وسپس فرانسه دومعاون‌نزدیک آمریکاهستند، زیرا درغارت ماده‌ءخام گرانبهابا "شیطان‌بزرگ" "همکاری‌داشته وازاین‌غارت سودهای‌کلان‌برده‌اند. انگلیس که بیست سال‌پیش‌قوای نظامی خود رابطور عمده از "منطقه" خارج ساخت، اکنون ازآمریکا اجازه یافته، که باردیگر از "تجارب‌مستعمراتی" خود برای رخنه در شیخ‌نشین‌هاوبحرین و کویت‌وعراق و اردن و عربستان‌و دیگر نقاط‌استفاده کند.

ما درسال ۱۳۶۱، موافق همه قراین‌وامارات، بسوی موج‌سیاه تازه‌ای از توطئه‌های نظامی ـ سیاسی امپریالیست‌هاعلیه انقلاب اسلامی ایران می‌رویم، و در این توطئه ها انگلستان‌نقش "برادرکهتر" سر راهزن بین‌المللی ـ امریکارا‌بازی‌خواهدکرد. این‌کهنه‌دشمن استقلال‌وآزادی ایران، که‌از زمان فتحعلیشاه قاجار در ایران نقش نامیمونی‌داشته‌وقاتل بهترین فرزندان ایرانست، باردیگر باهمان نقش همیشگی، درمیدان‌تحریکات سیاسی‌ونظامی علیه‌کشورما، به‌بازیگری پرداخته‌است.



جهان در سالی که گذشت

سال ۱۳۶۰، همچون سال‌های پیش از آن، جهان ما صحنهٔ نبرد میان نیروهای صلح، استقلال، دمکراسی، ترقی وسوسیالیسم و نیروهای جنگ، استعمار، استبداد، ارتجاع و امپریالیسم بود. ویژگی این نبرد تاریخی ـ جهانی درسال ۱۳۶۰ تنها در آن بود که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در برابر پیشروی فزایندهٔ جنبش انقلابی جهانی و جبههٔ ضدامپریالیستی جهانی دچار وحشت و خشم بی‌سابقه‌ای شده‌اند، برای جلوگیری از این پیشروی، تمام نیروی جهنمی خود را، تاسرحد دست زدن به ماجراجویی‌های خطرناک ـ خطرناک قبل از همه برای صلح جهانی ـ به کار انداختند. ازجانب دیگرجنبش انقلابی جهانی و جبههٔ ضدامپریالیستی جهانی نیز گسترده‌تر، ژرف‌تر، همه‌جانبه‌تر و متحدتر نبرد سرنوشت‌ساز خود را به پیش بردند.

با توجه به صفحات محدودی که دراختیار داریم، کوشیده‌ایم تظاهر این نبرد را درسال گذشته، درچهار زمینه، که به نظر ما از اهمیت و حساسیت ویژه برخوردار بودند، به اختصار از نظر خوانندگان گرامی بگذرانیم.

گسترش جنبش صلح در برابر تشدید تلاش جنگ‌طلبانه امپریالیسم هار آمریکا

سال ۱۳۶۰، از یکسو شاهد گام‌های بیسابقه تنش فزایانه امپریالیسم هار آمریکا در سراسر جهان و ازسوی دیگر گسترش جنبش صلح در سراسر گیتی بودیم، که کوشش‌های خستگی‌ناپذیر کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، برای حفظ صلح درمرکز آن قرارداشت.

دولت ریگان، همخوان باسیاست خارجی هرچه بیشتر ماجراجویانهٔ خود، بودجهٔ تسلیحاتی "پنتاگون" را از مرز ۲۶۳هزارمیلیون دلار گذراند، که درتاریخ زمان صلح این کشور بی‌سابقه است. این بودجهٔ سرسام‌آور، که تنها برپایهٔ کاهش فاجعه‌بار مصارف رفاهی ممکن شده است، در درجهٔ نخست صرف تولید و توسعهٔ جنگ افزارهای مدرن استراتژیک، چون بمب‌افکن‌های "بی‌ـ ۱"، موشکهای میان قاره‌ای بالیستیک "ام.اکس." و زیردریایی‌های "ترایدنت" و سلاح‌های شیمیایی خواهد شد. بدینسان، دولت آمریکا ثابت می‌کند که در آینده نزدیک به هیچ روی حاضر به تصویب "سالت ـ ۲" و ادامهٔ گفتگو دربارهٔ تهدید سلاح‌های استراتژیک نیست.

حداقل دو تصمیم تنش فزایانهٔ دولت ریگان، یعنی تولید باصطلاح بمب "تمیز!" و "انسانی!" نوترونی و استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد جدید این کشور در اروپای غربی درسال ۱۳۶۰، میلیونها نفر را به تظاهرات بیسابقه‌در راه صلح و جلوگیری از فاجعهٔ هسته‌ای در شهرهای بزرگ اروپاواداشت، آنها که دیگر زیربار "دروغ سده"، یعنی "خطر شوروی"، نمی‌رفتند، انزجار ژرف خود را از باصطلاح "جنگ هسته‌ای محدود" ابرازداشتند.

تظاهرات صلح ۱۳۶۰ در اروپا در مقایسه با فعالیت‌های هواداران صلح، خلع سلاح و تنش زدایی در سالهای پیشین دارای ویژگی‌های جدیدی بود: از سازماندهی بهتر تظاهرات، آگاهی بیشتر شرکت‌کنندگان به مسائل پیچیده و فنی مسائل خلع سلاح و بین‌المللی شدن‌فزاینده جنبش‌که‌بگذریم، گستردگی سیاسی‌ـ ایدئولوژیک واجتماعی طیف این جنبش بویژه چشمگیر بود. درحالیکه درگذشته، بویژه کمونیستها در گستره دفاع از امرصلح مسئولیت‌شناسی و ابتکار ازخود نشان می‌دادند، درصفوف راهپیمایان صلح در سال ۱۳۶۰، نیروها و عناصری نیز درتوده‌های میلیونی خود شرکت کردند، که از نظر آرمانی، سازمانی وطبقاتی به هیچ روی همگون نبودند. کمونیست‌ها، سوسیال دمکراتها، سوسیالیست‌ها، لیبرالها، محافظه‌کاران، پاسیفیست‌های سنتی، روحانیون و حتی سیاستمداران بورژوایی واقع بین به سیاست جنگ‌افروزانه و تنش فزایانهٔ امپریالیسم ایالات متحدهٔ آمریکا و دیگرکشورهای "ناتو" به اعتراض برخاستند. بدینسان، جنبش‌هواداران صلح درسال ۱۳۶۰ به معنای راستین کلمه جنبشی توده‌ای بود.

ریگان و دارودستهٔ ماجراجوی او، که دیگر نمی‌توانست جنبشی چنین وسیع را نه‌تنها در اروپا، بلکه همچنین در کشور خود نادیده‌بگیرد، باردیگر به بهتان و لجن پراکنی متوسل شد و میلیونها تن هوادار صلح و نگران جنگ را "دنباله‌رومسکو" خواند، که به نوبهٔ خود خشم صلح دوستان سراسر جهان را دوچندان ساخت. هنگامی که این تاکتیک‌موثر نیفتاد، رسانه‌های گروهی امپریالیستی کوشیدند، تا هدف این جنبش اعتراضی را هر "دو ابرقدرت" معرفی سازند. اما با روشنگری‌های سازمانهای صلح و بویژه پیشنهادهای سازندهٔ اتحادشوروی این ترفند نیز بزودی با شکست روبروشد.

جنبش‌هواداران‌صلح وکشورهای‌سوسیالیستی وصلح دوست جهان سیاست تنش فزایی و تسریع مسابقهٔ تسلیحاتی محافل امپریالیستی را با پیشنهادهای مشخص به منظور جلوگیری از فاجعه هسته‌ای کاهش تشنج و گسترش همکاری مسالمت‌آمیز بین‌المللی پاسخ گفته‌اند.

برخی از این پیشنهادها عبارتست از:

۱ـ سلاح زدایی عمومی و کامل؛
۲ـ تحدید مسابقهٔ تسلیحاتی هسته‌ای؛
۳ـ تحدید سلاح‌های استراتژیک؛
۴ـ منع همهٔ آزمایش‌های هسته‌ای؛
۵ـ جلوگیری از نشرجنگ‌افزارهای‌هسته‌ای؛
۶ـ تضمین‌های امنیتی بهتر برای کشورهای غیرهسته‌ای؛
۷ـ آفرینش‌منطقه‌های صلح وبری‌ازسلاح‌های هسته‌ای؛
۸ـ منع سلاح‌های شیمیایی؛
۹ـ منع سلاح‌های میکربی؛
۱۰ـ منع سلاح‌های حدیدامحای توده‌ای؛



راهپیمائی مردم هلند برضد سیاست موشک‌نشانی دراروپاوتولید بمب نوترونی

۱۱ـ تقلیل بودجه‌های نظامی؛
۱۲ـ کاهش نیروها و سلاح‌های سنتی؛
۱۳ـ برچیدن پایگاههای نظامی خارجی؛
۱۴ـ تحکیم امنیت اروپا و غیره.

روشن است که، با توجه به سیاست تجاوزکارانه و جنگ‌طلبانهٔ امپریالیسم آمریکا، پیشبرد هدفهای نامبرده، نبردی سهمگین و دیرپا را ایجاب می‌کند. اما بخلاف عقیدهٔ جناب هیگ که "چیزهایی هست که مهم‌تر ازصلح است!" باید هم‌آوا با شرکت کنندگان در "راهپیمایی صلح ـ ۸۱" فریاد برآورد:

"هیچ چیز مهم‌تر از صلح نیست!"

خاور نزدیک و میانه
گرمترین صحنه نبرد میان نیروهای ضدامپریالیستی و نیروهای امپریالیستی

خاورنزدیک و خاورمیانه درسال ۱۳۶۰ نیز یکی از بزرگترین عرصه‌های ترکتازی امپریالیسم بویژه امپریالیسم ایالات‌متحدهٔ آمریکا، متحدان و مزدوران آن علیه خلق‌های این منطقه بود.

منطقهٔ خاورنزدیک و خاورمیانه را سردمداران آمریکا تاکنون بارها بعنوان "حریم منافع حیاتی" خود اعلام داشته‌اند. برای درک مقاصد چپاولگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم در این منطقه یادآور می‌شویم ،که، برپایه برآوردی، ذخیرهٔ نفت هشت کشور حوضهٔ خلیج فارس برابر با بیش از ۶۵ میلیارد تن است، که ۶۵ درصد ذخیره‌های نفتی جهان غیرسوسیالیستی را دربرمی‌گیرد. درسال ۱۹۷۹، کشورهای خلیج فارس ۱/۰۶۵ میلیارد تن نفت استخراج کردند. اروپای غربی ۵۹ درصد مصرف نفت خود را از این منطقه تامین می‌کند. این درصد برای ژاپن و ایالات متحدهٔ آمریکا به ترتیب برابر با ۷۵ و ۱۲ می‌شود. طبق محاسبه‌ای، دست‌کم ۷۰ درصد درآمد نفتی کشورهای خاور میانه و خاورنزدیک بجای آن که نصیب مردم این منطقه شود، به جیب کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های چندملیتی سرازیر می‌گردد.

اهمیت منطقهٔ خاورمیانه و خاورنزدیک‌تنها محدود به منابع نفتی و دیگرموادخام‌استراتژیک آن نیست. این منطقه همچنین حلقهٔ حیاتی را در زنجیرهٔ پایگاههای نظامی گرداگرد اتحاد شوروی تشکیل می‌دهد.

پس از انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران، انقلاب ملی‌ـ دمکراتیک "ثور" درافغانستان و اوج گیری پیکار مردم فلسطین در راه پیشبرد حقوق حقهٔ خود، دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم اسرائیل و مرتجعین عرب به اوج خود رسید. بویژه سرنگونی رژیم وابستهٔ پهلوی، که ازجانب امپریالیسم، ژاندارمی خلیج فارس به عهده‌اش گذاشته شده بود، محاسبات و "تعادل" استراتژیک امپریالیسم یکباره بهم خورد. امپریالیسم هدفهای استراتژیک و جهانشمول خودـ یعنی جلوگیری از گسترش جبههٔ ضدامپریالیستی و تقویت ارتجاع جهانی‌ـ را بیش از همه‌جا درخاورمیانه درخطر یافت.

دولت آمریکا "سپاه واکنش سریع"، نیروی ضربتی چندصدهزارنفری خود را، که برپایهٔ "رهنمود شمارهٔ ۱۸" کارتر برپاشد، پیش از همه، برای ارعاب و درهم‌شکستن رژیم‌ها، جنبش‌ها و نیروهای مترقی منطقهٔ خاورنزدیک و خاورمیانه سازمان داد.

درسال ۱۳۶۰، ما شاهد دسیسه‌های گسترده امپریالیسم آمریکاومتحدان‌وسرسپردگان آن درمنطقه بودیم. این توطئه‌ها درهمهٔ زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی‌ودیپلماتیک به بعدهای بی‌سابقه‌ای دست‌یافت.

بویژه در زمینهٔ نظامی، آمریکا به بهانهٔ جنگ تحمیلی و خودفرمودهٔ عراق علیه ایران وهمچنین به بهانهٔ انقلاب افغانستان به حضور نظامی خود در خلیج فارس واقیانوس هند به میزان چشمگیری افزود. اکنون ده‌ها ناوگروه و هزاران تفنگدار آمریکایی به بهانهٔ مقابله با "خطرشوروی" دراین آبها مستقرشده است. ایالات متحدهٔ آمریکا در کشورهای گوناگون، چون سومالی، بحرین، عربستان سعودی، اسراییل، مصر، سودان، عمان، پاکستان و دیه‌گوگارسیا به ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی زمینی، هوایی و دریایی دست زد. برای نمونه ستاد فرماندهی "سپاه واکنش‌سریع" درخاورمیانه ونزدیک درعمان تاسیس یافت و استقرار تا بیش از ۵۰ هزار سرباز آمریکایی در این کشورپیش بینی شده است. چندی پس از ترور سادات خائن، در آبان و آذر سال ۶۰ مانورهای "ستارهٔ درخشان" درمصر، سودان، سومالی وعمان صورت گرفت. دراین مانورها، که با برافراشته شدن پرچم آمریکا در صحرای سینا آغازشد، ۶۰۰۰ سرباز آمریکایی مجهز به تجهیزات نظامی مدرن، ازجمله هواپیماهای "آواکس"، بمب‌افکن‌های استراتژیک "بی‌ـ ۵۲" و هواپیماهای جنگنده شرکت کردند. این مانورها، که درواقع تمرینی برای اشغال‌کشورهای منطقه بود، بحق نگرانی عمیق کشورها و خلق‌های منطقه را برانگیخت.

یکی دیگر از راههای گسترش حضورآمریکا درمنطقه باصطلاح "سپاه چندملیتی" است، که قراراست به زودی برپایهٔ قرارداد کمپ‌دیوید وپس از خروج نیروهای اسرائیلی، درسینا استقرار یابد. بدینسان، درواقع اشغالگران آمریکایی جانشین اشغالگران اسرائیلی خواهند شد.

ماههاست که دردیدارهای فرستادگان کشورهای امپریالیستی به منطقه و دیدوبازدیدهای سران و سیاستمداران رژیم‌های ارتجاعی منطقه از یکدیگر، تدارک بلوک نظامی جدیدی درخاورنزدیک و میانه دیده می‌شود. دستاویز ایجاد این بلوک، که هم‌اکنون باعقدقراردادها وکمیته‌های مشترک امنیتی پی‌ریزی میگردد، همان‌گونه که انتظارمیرفت، مقابله با "خطر شوروی" و "تهدید" انقلاب ایران است.

در دسیسه‌های امپریالیسم‌آمریکاوصهیونیسم اسرائیل درمنطقه درسال گذشته خلق فلسطین نیزیکی از آماج‌های اصلی بود. ریگان و بگین برای رهایی یافتن از بن‌بست "کمپ دیوید" و درهم‌شکستن جنبش مقاومت فلسطین همهٔ امکانات خود را بسیج کردند. ازیکسو، اسرائیل با تهاجمات پی‌درپی خود به لبنان از زمین، هوا و دریا، که هدف آنها "نابودسازی" نهضت مبارزان فلسطینی وجنبش مترقی‌ـ ملی لبنان بود، هزاران تن از مردم بیگناه را به خون کشانید. ازسوی دیگر، دولت آمریکا، به یاری سران مرتجع عرب وطرح‌های باصطلاح صلح و آشتی مانند "طرح فهد"، در صدد ادامهٔ راه "کمپ دیوید" برآمد. روشن است که کشورهای "جبههٔ پایداری" سد این راه بودند و ازاینرو از همه بیشتر مشمول توطئه‌های مرگبارامپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع‌شدند.

ریگان درتمام سال کارزار ضدلیبیایی خود را گسترش داد. این کارزار ازجمله اتهام "تروریسم بین‌المللی"، سرنگون کردن دو جنگندهٔ لیبی، تحریک علیهٔ هواپیماهای مسافر بری لیبی در مدیترانه، فراخواندن شهروندان آمریکایی از آن کشور و تدارک قتل قذافی و سرنگونی رژیم ضدامپریالیستی لیبی رادربر گرفت.

سوریه، این کشور "خط مقدم جبهه" نیز همواره آماج توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع بوده و هست.

سفرهای ارعاب آمیز فیلیپ حبیب، فرستادهٔ ویژهٔ ریگان، به خاورمیانه وسوریه، خرابکاری وتروریسم قشری نمایان "سیا"ـ "موساد" پروردهٔ "اخوان المسلمین" وبخصوص الحاق بلندیهای جولان ازسوی اسرائیل به کشور خود، تنها چند گوشهٔ این دسیسهٔ تبه‌کارانه بوده است.

اما ازسوی دیگر، رژیم‌های مترقی وانقلابی وجنبش‌های آزادی بخش منطقه نیز در برابر این هماوردجویی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بی‌دفاع نبوده‌اند. آنها با تکیه بر آرمان‌های استقلال‌طلبانه و پیشرفت‌جویانهٔ خود و برخوردار از یاری وهمبستگی جبههٔ سترگ و توانمند ضدامپریالیستی، بویژه سوسیالیسم جهانی، در برابر تهاجم گستردهٔ امپریالیسم ـ ارتجاع به رویارویی دلاورانه پرداخته‌اند. و با گام‌های استوار در راه پیکار با امپریالیسم، صهیونیسم و نواستعمار و در راه آزادی، استقلال وپیشرفت اجتماعی گام به پیش می‌نهند.

بقیه‌درصفحه ۱۶

اتحاد مردم
شماره ۱۲۰ دوره سوم دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰

غارت محرومان تا کی؟

* قیمت کالاهای اساسی درسال ۱۳۶۰ به‌نسبت دوسال گذشته، تا ۳۵۰ درصدافزایش‌یافته‌است.
* نان ۱۰۰ درصد، گوشت ۹۲ درصد، پیاز ۲۳۳ درصد و سیب‌زمینی ۱۶۶ درصد نسبت به‌سال ۵۸ افزایش قیمت داشته‌است.

" مسئله گرانی و مسئله‌احتکار و اینها همه که کرارا گفته شده‌است به اینکه اینهائی که گرانفروشی می‌کنند، اینهائی که احتکار می‌کنند، اینها انصاف داشته‌باشندکه‌این ملت باخون خودش و با زحمت‌خودش‌شما راازآن اختناق بیرون آورد ومسئله آن ناامنی به صورت قانونی‌راازبین برد. هیچ انصاف نیست که شما با این ملت و با این‌مستضعفین‌اینطور کنید. می‌دانیدکه گرانی و احتکار تلخی‌اش به ذائقه مستضعفین‌و عامه مردم محروم است ". (امام خمینی- کیهان – ۵ بهمن ۱۳۶۰)

آن‌تلخی‌که‌رهبرانقلاب‌گفته‌اند، در دوسال گذشته روزبروز بر ذائقه عامه مردم محروم بیشتروبیشتر شده است.

سرمایه‌داران کلان، با افزایش مهار گسیخته قیمت ها زهر به‌جان مستضعفین می‌ریزند و آخرین دینار های آنهارا غارت می‌کنند.

دراغلب موارد، قیمت کالاهای ضرور، بغیرازموادی که کوپنی شده‌اند دردو سال اخیر تا ۳۰۰ درصد بالا رفته است:

- نان ۱۰۰درصد
- گوشت ۹۲ درصد
- سبزی ۳۵۰درصد
- حبوبات ۱۶۶درصد
- لبنیات ۱۰۰درصد
- موادپروتئینی ۶۷ درصد
- میوه ۸۷ درصد

بررسی ما در مورد افزایش ۱۴ رقم کالای مورد نیاز مردم نشان‌می‌دهد:

سبزی‌درجه‌یک، که درسال ۵۸ کیلوئی ۴ تومان ودرسال ۵۹ کیلوئی ۸ تومان‌بود، هم‌اکنون‌کیلوئی ۱۸ تومان دردسترس‌مصرف‌کننده‌قرارمیگیرد. یک خانم خانه‌دار در یک مغازهٔ سبزی فروشی درخیابان‌ولی‌عصر (امیریهٔ سابق) دراین‌موردمی‌گوید:

"دست به هرچی که می‌زنیم گران است. سبزی درجهٔ ۲که‌در سال گذشته‌کیلوئی ۴ تومان بود، امسال‌به کیلوئی ۱۳ تومان رسیده‌است. فکرش رابکنید برای‌یک‌خانوادهٔ چندی‌نفری، که‌سرپرست آن خانواده‌هم بیکارباشد، زیر بار این‌قیمتها رفتن چقدرمشکل است."

پیاز، که‌درسال ۵۸ کیلوئی ۳ تومان ودر سال ۵۹ کیلوئی ۴ تومان قیمت داشت، زمستان‌امسال‌به‌کیلوئی ۱۳ تومان رسیده، تازه‌اگرگیربیاید! یعنی‌پیاز ۲۳۳درصدنسبت به سال ۵۸و ۱۵۰درصدنسبت‌به سال ۵۹گرانتر شده‌است.

گوجه‌فرنگی نیزنسبت‌به‌سال ۵۸، دویست درصدگرانترشده‌است. قیمت یک کیلو گوجه فرنگی، که‌درسال ۵۸ شش تومان بود، امسال به‌کیلوئی ۱۸ تومان رسیده‌است.

سیب زمینی نیزتا دو سه برابر نسبت‌به‌دوسال‌اخیرگرانترشده‌است. یک‌کارگربیکارکه با سه سرعائله‌درصف لبنیات‌به انتظار گرفتن شیری‌برای کودک بیمارش ایستاده‌است، دربارهٔ این غارت بی‌حساب کلان‌سرمایه‌داران می‌گوید:

"گرانی‌کمر آدم راخردمی‌کند. ازیک طرف بیکاری، ازطرف دیگر خرج زن وبچه، از طرف‌دیگرگرانی وکمبودمواد، آدم راکلافه‌می‌کند. فکرش رابکنید! به‌طرف هرجنسی که‌می‌رویم، می‌بینیم نسبت به سال گذشته‌وگاهی حتی‌نسبت به‌چندماه‌اخیر دوسه‌برابرگرانترشده‌است."

شیر، که‌ازمواد‌پرمصرف‌وضرور است، نسبت به‌سال ۵۸، صد درصد گرانترشده‌است. یک قوطی‌شیر (سه گوش) که‌درسال پیش ۵ریال‌قیمت داشت، امسال‌به‌ده‌ریال‌رسیده‌است.

حبوبات، نیزهمانند دیگرمواد ضرور دوسه‌برابرگرانترشده است. **لوبیاسفید**، درسال ۵۸کیلوئی ۷ تومان قیمت‌داشت، ولی حالابیشترازدوبرابر، یعنی‌کیلوئی ۱۶ تومان‌قیمت دارد. **چشم بلبلی** نیز ۸۰درصد نسبت به‌سال ۵۸ و ۲۸ درصدنسبت به سال ۵۹ گرانترشده‌است.

میوه‌نیز، بقول‌یک‌خانم خانه‌دار جزءموادلوکس است. **نارنگی** امسال به‌کیلوئی ۲۵ الی ۲۸ تومان رسیده است. درحالیکه‌د رسال ۵۸کیلوئی ۱۳ تومان‌ودرسال ۵۹کیلوئی ۱۵تومان‌قیمت داشت؛ یعنی نسبت به سال ۵۸تا ۹۹ درصد ونسبت‌به‌سال ۵۹، ۶۶ درصد افزایش قیمت‌پیداکرده‌است.

این‌افزایش لجام‌گسیخته‌قیمت‌ها، در این حدودکه‌مابرای‌نمونه ذکر کردیم، محدودنمی‌شود. دامنهٔ آن‌برهمه‌کالاهای‌مورداحتیاج، از یک پیچ‌ساده‌گرفته‌تاکفش وکلاه‌ویخچال و ... گسترده‌است.

آیا هنگام‌آن‌نرسیده‌که افزایش قیمتها‌مهار شود؟ آیاهنوز وقت‌آن نیست که با کوتاه کردن دست سرمایه‌داران غارتگرازچپاول‌هستی محرومان‌که درجبهه‌ها خون‌می‌دهند ودرپشت‌جبهه‌بیرحمانه‌تاراج‌میشوند، جلوگیری‌شود؟

نگذاریم دیرشود. اکنون به اندازهٔ‌کافی دیر است.

نام‌کالا	زمستان ۵۸	زمستان ۵۹	زمستان ۶۰	درصدافزایش بین ۶۰ و ۵۸	درصدافزایش بین ۶۰ و ۵۹
نان	کیلوئی ۱۲ ریال	کیلوئی ۲۴ ریال	کیلوئی ۲۴ ریال	۱۰۰ درصد	———
شیرسه‌گوش	" ۵ "	" ۹ "	" ۱۰ "	۱۰۰ "	۱۱ درصد
گوشت‌دولتی (یخ‌زده)	" ۱۳۰ "	" ۲۵۰ "	" ۲۵۰ "	۹۲ "	———
مرغ‌دولتی	" ۱۴۰ "	" ۲۱۰ "	" ۲۳۵ "	۶۷ "	۱۱/۹ "
سبزی‌درجهٔ ۱	" ۴۰ "	" ۸۰ "	" ۱۸۰ "	۳۵۰ "	۱۲۵ "
سبزی‌درجهٔ ۲	" ۳۰ "	" ۴۰–۵۰ "	" ۱۳۰ "	۳۳۳ "	۱۶۰ "
پیاز	" ۳۰ "	" ۴۰ "	" ۱۳۰ "	۲۳۳ "	۱۵۰ "
گوجه‌فرنگی	" ۶۰ "	" ۱۰۰ "	" ۱۸۰ "	۲۰۰ "	۸۰ "
بادمجان	" ۳۰ "	" ۷۰ "	" ۹۰ "	۲۰۰ "	۲۸ "
سیب زمینی	" ۳۰ "	" ۵۰ "	" ۸۰ "	۱۶۶ "	۶۰ "
لوبیاسفید	" ۷۰ "	" ۱۱۰ "	" ۱۶۰ "	۱۲۸ "	۴۵ "
چشم بلبلی	" ۱۰۰ "	" ۱۴۰ "	" ۱۸۰ "	۸۰ "	۲۸ "
سیب درجه ۲	" ۸۰ "	" ۱۰۰ "	" ۱۵۰ "	۸۷ "	۵۰ "
نارنگی‌درجهٔ ۱	" ۱۳۰ "	" ۱۵۰ "	" ۲۵۰ "	۹۹ "	۶۶ "

کمک برای بی‌نیازی ازکمک

درگفتگوباالجزایری‌هااغلب این نظرشنیده می‌شود، که:

"ماخواهان آنگونه‌کمکی‌هستیم، که مارا به بی‌نیازی ازکمک دیگران‌کمک کند".

قصدالجزایر مبنی برگسترش مناسبات با اتحادشوروی ودیگرکشورهای‌سوسیالیستی‌نشان‌می‌دهدکه کشورهای نامبرده بویژه پاسخگوی‌نظر الجزایری‌ها در زمینه تامین‌استقلال اقتصادی خویش هستند. چندی پیش سمیناری دربارهٔ‌بازرگانی‌وهمکاری الجزایربا کشورهای‌سوسیالیستی‌در اجزایر برگزار شد، که سرپرستان میسیون‌های بازرگانی واقتصادی کشورهای "شورای‌همیاری‌اقتصادی" در این‌کشور ونمایندگان دبیرخانه‌این‌شورا و "بانک‌بین‌المللی همکاری اقتصادی" درآن‌شرکت جستند:

هفته‌نامه الجزایری "روولوسیون آفریکن" دراین‌باره‌نوشت:

"درباره‌مزایای گسترش‌بازرگانی وهمکاری‌اقتصادی‌باکشورهای‌سوسیالیستی وامکانات فراوانی، که دراین زمینه‌موجود است، هیچگونه‌تردیدی نیست"

همکاری میان الجزایر و اتحاد شوروی تاکنون سودمندی‌خودرابثبوت رسانده‌است. اتحادشوروی تابه حال بیش از صد کارخانه بزرگ در الجزایر احداث کرده‌است، که‌مجتمع فولاد "الحجر" تنها یکی ازمهم‌ترین آنها است. فزون براین، صدها الجزایری درآموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های اتحاد شوروی تعلیم می‌بینند.

ازسوی دیگر، لئونیدبرژنف در ضیافتی، که‌بمناسبت‌آخرین‌سفرشاذلی بن‌جدید، دبیرکل "جبههٔ‌آزادیبخش ملی" ورئیس جمهورالجزایر به‌مسکو برگزار شد، اظهارداشت:

"دوستی‌مابا الجزایر دیرینه است. پایه‌های این دوستی درسالهای دشوارپیکارقهرمانانه مردم‌الجزایر در راه‌استقلال‌گذاشته‌شد. ازآن‌هنگام، که الجزایر راه بسوی سوسیالیسم‌رابرگزید ودر راه دگرگونی‌های‌اجتماعی‌عمیق‌به سودتوده‌هاگام‌نهاد، (این‌دوستی) سال‌بسال استوارتر شد".

نتایج کنفرانس علمی آکادمی علوم اتحاد شوری

بمناسبت سومین سالگرد انقلاب ایران:

انقلاب ایران مواضع امپریالیسم جهانی

درخاور نزدیک ومیانه را

ضعیف خواهد ساخت

انقلاب ایران همچنان در راه تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی خودگام برمی دارد

رادیومسکودربرنامه‌مورخ ۶۰/۱۲/۱۴ خود، ازنتایج‌کنفرانس‌علمی، که بمناسبت سومین‌سالگردپیروزی‌انقلاب‌اسلامی‌ضدامپریالیستی ومردمی ایران درآکادمی علوم اتحادشوروی‌برگزارشده، گزارشی داده‌است. دراین‌گزارش‌آمده است:

"درآکادمی‌علوم‌اتحادشوروی‌درمسکویک‌کنفرانس علمی، که به‌انقلاب ایران اختصاص داشت، برپاشد. این‌کنفرانس‌که دو روز جریان‌داشت، مورد توجه‌فراوان دانشمندان خاورشناس شوروی قرارگرفت. لازم به‌تذکر است که راجع به‌انقلاب‌ایران‌منظماکنفرانس‌هائی تشکیل‌می شودوگروهی‌نتایج‌هرسالی راکه از روز پیروزی این‌انقلاب می‌گذرد، ترازبندی‌می‌کنند. کنفرانس اخیر سومین کنفرانس بود و بمناسبت سومین‌سالگردانقلاب‌ضدامپریالیستی، ضدسلطنتی درایران برپاشد. دراین‌کنفرانس بیست‌گزارش دربارهٔ جوانب مختلف انقلاب‌ایران ایرادشد و درآنها تحولاتی که رهبری‌جمهوری اسلامی‌ایران برای‌تثبیت‌انقلاب انجام‌می‌دهد، موردتجزیه وتحلیل قرار گرفت. مهمترین موضوعی که درکنفرانس مسکومورد بحث قرارگرفت، این‌بود که‌سال‌سوم‌انقلاب ایران امکان‌دادچه‌چیزی را ببینند، چه عواملی را شناسائی کرده‌وتثبیت نمود وکدام‌مسائل را برای آینده مطرح‌نمود.

تاریخ‌دانان، اقتصاددانان، حقوق‌دانان ومتخصصان‌وکارکنان ادارات مختلف‌اتحادشوروی، که‌دراین‌کنفرانس‌سخنرانی‌کردند، بویژه به این نکته اشاره نمودندکه جریان سال‌سوم‌انقلاب‌ایران‌صحت‌سخنان برژنف‌دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی رادر ۲۶مین کنگره‌حزب کمونیست اتحادجماهیرشوروی‌کاملا تائیدکردکه یک سال‌پیش گفته بود:

"این‌انقلاب اصولا یک انقلاب ضدامپریالیستی‌است، هرچند ارتجاع داخلی‌وخارجی‌تلاش می‌کندخصلت آنرا تغییربدهد".

صالح‌علی‌اف تاریخ دان شوروی طی گزارش خودزیر عنوان "مهم‌ترین مسائل‌انقلاب‌ایران درمرحله کنونی" گفت:

"گرایش ضدامپریالیستی همچنان‌مهمترین‌خصلت انقلاب ایران در مرحلهٔ‌کنونی تکامل این انقلاب است".

به عقیده‌صالح‌علی‌اف گرایش ضدامپریالیستی درآینده‌هم شدت خواهدیافت، و درنتیجه موقعیت ومواضع امپریالیسم جهانی درخاورنزدیک ومیانه ضعیف‌تر خواهدشد، با توجه به‌اینکه امپریالیسم از تلاش خودبرای برقراری مجدد رژیم سلطنتی در ایران، رژیمی‌که مردم‌ایران این‌همه از آن نفرت دارند، دست برنداشته.

درکنفرانس مسکونسبت به‌سیاست دول‌امپریالیستی به‌سردمداری ایالات‌متحده آمریکا در موردجمهوری‌اسلامی‌ایران توجه خاصی مبذول‌شد. سخنرانان ماهیت خصمانه این سیاست را، که‌هم شیوه‌های فشارنظامی و شانتاژسیاسی وهم تلاش برای اختناق اقتصادی انقلاب ایران را بکارمیبرد، افشاساختند. دراین‌کنفرانس‌علمی‌نسبت به‌مسائل‌همکاری‌جمهوری اسلامی ایران و اتحادجماهیرشوروی توجه زیادی مبذول شد. مثلا**یاکوبوف** نماینده کمیتهٔ‌دولتی روابط‌اقتصادی اتحادشوروی با کشورهای‌خارجی، وابسته به شورای‌وزیران‌اتحادجماهیرشوروی، گزارش‌خودرابه‌مسئله "همکاری‌اقتصادی‌و فنی برابرحقوق ومتقابلا سودمندمیان‌اتحادشوروی‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران" اختصاص‌دادو باذکر ارقام وحقایق مشخص نشان دادکه سال سوم‌انقلاب ایران از لحاظ‌گسترش روابط‌اقتصادی شوروی وایران‌مشخص بود واین‌امربه نحوی‌موثر به تقویت‌استقلال اقتصادی ایران کمک می‌کند. **یاکوبوف**گفت:

"گسترش بیش ازپیش این روابط یک ضرورت عینی است، زیرا این جریان‌به تامین منافع‌اقتصادی دوکشورکمک می‌کند".

شرکت‌کنندگان درکنفرانس بارضامندی‌سخنان**یاکوبوف** را دربارهٔ نتایج مذاکرات اخیر مسکو باهیئت‌نمایندگی‌ایران‌به‌ریاست **حسن‌غفوری‌فرد** وزیرنیروی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌تلقی‌کردند. درجریان این‌مذاکرات طرف ایران تاکیدکردکه‌همکاری با اتحادشوروی منجمله درموردرشتهٔ تولید انرژی برای‌کشورتان‌اهمیت‌بسیارزیادی دارد.

به‌عقیده همه‌شرکت‌کنندگان درکنفرانس علمی، نتیجه کلی کنفرانس این است‌که، علیرغم ادعاهای مبلغین‌امپریالیستی‌مبنی‌بر اینکه گویا رژیم موجود در ایران بزودی سقوط‌خواهد کرد، جمهوری‌اسلامی‌ایران‌همچنان‌در راه‌تقویت استقلال‌اقتصادی‌وسیاسی‌خودگام‌برمی‌دارد.



نوروز:
عیدمردم

بقیه، ر صفحه ۲

خلق است. کوتاه‌کردن دست بزرگ زمین‌داران و کلان‌سرمایه‌داران از جایگاه‌جهانداری‌و فرمانرانی‌به‌شیرین و شورانگیزترین گونه‌ای انجام یافته است و ما از این‌کار بسی خرسندیم‌واز این‌دستآوردهای‌انقلاب برخود می‌بالیم. اکنون‌باید‌دستان‌پلیدوآلودهٔ این رایگان‌خواران از جایگاه‌های اقتصادی (کشاورزی و بازرگانی) کوتاه گردد. بزرگ‌زمین‌داران تا چند باید فرآوردهٔ‌رنج و خون‌دل کشاورزان‌رابه یغما ببرند؟ بازرگانان میلیونر تاچند باید فربه‌تر و گردن‌ستبرتر شوند و میلیاردر گردند؟ چرا بایستی‌گذاشت که سودجویان، شرایط‌دشوار جنگی‌را دستاویزکنندو جان‌مردم‌را از بارکمرشکن‌گرانی برلب‌آورند؟ سود سرشارجز فرآوردهٔ بهره‌کشی انسان از انسان نیست و این‌چیزی است که در آیین اسلام‌جزو"گناهان‌بزرگ" به‌شمارآمده وبه‌سختی‌ناروا شمرده‌شده‌است. همهٔ بزرگ‌تران و پیران ما به‌یاد می‌آورند که این هکتار هکتارهای زمین زمین‌داران بزرگ، از راه سندسازی، زور گویی، انداختن گزمه‌ها، داروغه‌ها، دشت‌بان‌هاومیراب‌ها به‌جان‌کشاورزان خرده‌پا، رباخواری، نوشتن سندهای "بیع شرط"، بردن سود "ده‌چهل"، آبروریزی و گونه‌گونه شیوه‌های چپاول گری به‌چنگ آورده شده‌اند. یک‌سانتی متر از زمین‌های زمین‌داران بزرگ از راه "حلال" کسب نشده است. ما در همین عمرکوتاه‌خود باچندین میلیون چشم گواه بوده‌ایم که زمین‌های خرده مالکان باچه شیوه‌هایی در سال‌های خشکی، تنگی وتنگدستی ازچنگ‌شان بیرون کشانده‌اند: حرام اندر حرام اندر حرام. یک‌تن از ایشان پشیزی خمس و زکات نپرداخته و مالی‌درراه دین‌هزینه نکرده، مگر گاه وقف‌کردن یعنی درواقع پیش‌کش‌کردن به‌دربارهای پلید و آزمند صفوی و قاجاری و پهلوی برای بستن دهان دمدار و چاپیدن هرده و روستا. بی‌خودنبود که بانوی سخنسرای گرامی (پروین اعتصامی) روی سخن به انوشیروان "عادل" ورضاخان‌زورگوی‌آوردوسرود:

ویرانه‌شدزظلم تو هر مسکن و دهی
یغماگراست‌چوتوکسی، پادشاه‌نیست

زمین‌های "ملوکانه" و "خالصه" و صرافی‌ها و اربابی را بنگریدو دارایی زمین‌داران بزرگ و بازرگانان‌میلیونر را برآن قیاس بگیرید.

پس کسی‌که‌بخواهدبرای چپاول‌گری و زراندوزی بزرگ دارایان دستاویز دینی درست کند و اندازهٔ "مشروع" دارایی را "نامحدود" بخواند، جز کوشش برای تحریف و باطل کردن پایه‌هاو نهادهای‌دینی و سودجویی‌از باورهای خجستهٔ مردم و بازی باآن، چه‌نامی روی کارش می‌توان گذاشت؟

حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران از جان و دل می‌کوشد که این سرزمین را از نگاه کشاورزی و صنعتی به‌مرز خودبسندگی ممکن برساند و ما برکوشش‌های آن آفرین می‌گوییم‌و آن راارج می‌نهیم. ولی‌خودبسندگی‌تنها و تنها "یک" راه‌دارد: این‌که کشاورز بداندبرای "خود" وکشورخودمی‌کارد، می‌کوشد و می‌درود و نه‌برای "ارباب" گردن‌ستبر، و کارگر بداند که برای "خود" و کشور خویش جان می‌کند و نه برای کارفرمای پول‌پرست. یکراه درمیان‌است‌و آن پایان‌دادن‌به‌بهره‌کشی انسان از انسان است. راه‌دیگری نیست.

اطلاعیهٔ ده‌ماده‌ای دادستان کل انقلاب و آزادیهای سیاسی

"امسال سال قانون است" (امام خمینی)

آخرین روزهای "سال‌قانون" راپشت‌سرمی‌گذاریم. تلاش وسیعی‌که از جانب‌نیروهای‌راستین پیرو خط‌امام‌خمینی و سایر مدافعان‌انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی‌ومردمی‌ایران‌برای‌استقرارقانون ازمدتهاپیش آغاز شده‌است باجدیت دنبال‌می‌شود.

ما برای آنکه، به‌سهم‌خود، به‌استقرار قانون وبویژه بخش مربوط به آزادیهای‌سیاسی آن، که اکنون‌دیرگاهیست در دستور روز انقلاب است، یاری رسانده‌باشیم، درشماره‌های قبل‌سخنان‌رهبرانقلاب‌وبنیانگذارجمهوری اسلامی‌ایران ومسئولان درجه اول‌کشور را دربارهٔ آزادیهای سیاسی منتشر کردیم.

درشماره‌قبل، اصول قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران را دربارهٔ آزادیهای سیاسی انتشار دادیم. دراین‌شماره اطلاعیه۱۰ ماده‌ای دادستان کل‌انقلاب را، که درتاریخ ۱۹ فروردین ۶۰ منتشرشد، از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

بسمه‌تعالی

بدینوسیله‌به‌اطلاع می‌رساندکه ازتاریخ صدور این اطلاعیه مورخ ۱۳۶۰/۲/۱۹، کلیهٔ احزاب وگروه‌ها موظفند این نکات را رعایت‌کنند:

۱ــ نشرمطبوعات، روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، سالنامه، منوط به‌کسب اجازه از وزارت‌ارشاد اسلامی‌است.

۲ــ برگزاری‌میتینگ و تظاهرات با توجه به شرایط‌جنگی، منوط به اجازه وزارت‌کشور است.

۳ــ ایجاد دفاترحزبی وگروهی، منوط به اطلاع وزارت کشور است تا امکان‌نظارت قانونی ازجهات‌مذکور در اصل ۲۶ قانون‌اساسی‌فراهم‌باشد.

۴ــ هیچ حزب و گروهی‌حق مسلح‌کردن‌اعضاء واستفاده‌ازسلاح‌راندارد ومتخلفین تحت‌تعقیب‌قانونی قرارمی‌گیرند.

۵ــ ازتاریخ صدور این اطلاعیه، کلیه‌احزاب وگروه‌های مسلح موظفند سلاحهای‌خودرا به‌سپاه‌پاسداران‌انقلاب‌اسلامی‌یا مقامات انتظامی با اخذ رسید تحویل دهند.

۶ــ کلیه‌احزاب وگروه‌هائی که برضدجمهوری‌اسلامی‌ایران‌اعلام‌مبارزه مسلحانه‌کرده‌اند، چنانچه موضع‌قبل خود را رها کنند و سلاحهای خودرا تحویل‌سپاه‌پاسداران یا مقامات انتظامی دهند وموضع‌جدید خود را رسما اعلام نمایند، می‌توانند درچارچوب قانون فعالیت‌سیاسی داشته‌باشند، در غیراینصورت طبق قانون در دادگاه‌های انقلاب‌محاکمه می‌شوندو بر اساس قوانین‌اسلامی مربوط به محارب با آنها رفتار خواهد شد.

۷ــ کلیه احزاب وگروه‌ها در بیان آرا و افکار سیاسی‌آزادند، به شرط اینکه‌مشتمل بر دروغ، تهمت و تحریک نباشد.

۸ــ احزاب و گروهها مجاز به‌تشویق وتحریک به اعتصاب، کم‌کاری، تحصن یا هرنوع‌اخلال درموسسات مختلف کشورنیستندوچنانچه مواردی مشاهد شود، متخلفین تحت‌پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

۹ــ کلیه‌احزاب‌وگروه‌ها اجازه مناظره وبحثهای عقیدتی وسیاسی از طریق وسائل ارتباط‌جمعی را درحدودامکانات دارا می‌باشند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه برضد نظام جمهوری‌اسلامی‌کرده‌وموضع‌خود راتغییر نداده‌اند.

۱۰ــ کلیه احاد ملت ودستگاه‌های انتظامی موظف به تضمین‌ورعایت آزادی‌فعالیت قانونی‌احزاب وگروه‌هائی که‌فعالیت شان از طریق مقامات مسئول‌مملکتی، غیرقانونی اعلام‌نشده می‌باشند.

مقامات قضائی و انتظامی موظف به اجرای این تصمیمات هستند و احزاب وگروه‌های‌متخلف طبق موازین محاکمه ومجازات می‌شوند.

این اطلاعیه برای دادسرا و دادگاه‌های‌انقلاب سراسر کشور، حکم دستورالعمل‌کتبی را دارد.

دادستان‌کل‌انقلاب‌جمهوری‌اسلامی‌ایران
علی‌قدوسی

بعد از انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان‌کل انقلاب، که به‌امضای شهیدآیت‌اله‌علی‌قدوسی‌دادستان‌کل‌انقلاب‌وقت‌بود، رهبرانقلاب‌وبنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران وهمه‌مسئولان‌کشوراین‌اطلاعیه را تائید کردند:

تائیدرهبرانقلاب

شهید محمدعلی‌رجائی نخست‌وزیر وقت و آیت‌اله‌مهدوی کنی‌وزیر کشور وقت، شب سه‌شنبه۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، در یک مصاحبهٔ رادیو ــ تلویزیونی اعلام کردند:

"اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی‌کل‌انقلاب در واقع‌حاصل‌نشست های متعددمسئولان‌کشور برای تصمیم‌گیری درباره‌احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی‌است".

شهیدرجائی دراین برنامه گفت: "اطلاعیه ۱۰ماده‌ای با نظر امام تهیه شده‌است".

شهیددکتربهشتی

شهیدآیت‌اله‌دکتربهشتی رئیس دیوانعالی‌کشوروقت‌بدفعات اطلاعیهٔ ۱۰ماده‌ای را تائید کرد. شهیدبهشتی درمصاحبه هفتگی خود در روز ۶۰/۲/۹ گفت:

"طبق اطلاعیه دادستانی انقلاب، گروه‌ها بایدبدانندکه اگر دست از دشمنی با مردم واسلام و جمهوری‌اسلامی بردارندو بارعایت مقررات و قوانین ونظم‌اجتماعی خواستار امکانات و آزادی‌مشروع برای فعالیت های فرهنگی‌وسیاسی باشند، این آزادیها، همانطورکه دراعلامیه دادستانی‌آمده است، تامین‌است". (روزنامه‌ها ــ ۱۰ اردیبهشت ۶۰)

شهیدبهشتی درمصاحبه دیگری در روز۱۳۶۰/۲/۱۷ گفت:

"درجلسه‌ای که‌ازسوی‌مسئولان قضائی ومسئولان‌اجرائی درزمینهٔ امنیت محیط‌اجتماعی تشکیل‌شد، برای‌اجرای بیانیه۱۰ماده‌ای‌دادستان‌کل انقلاب که‌باتصویب شورای‌عالی‌قضائی تهیه‌شده‌بود، راه‌های‌عملی پیشنهادوتصویب شد. هدف‌این‌است‌که‌آزادیهای مشروعی که درقانون‌اساسی براساس تعالیم اسلام برای انسان، افراد یا گروه‌ها وجمعیت‌ها وجود دارد، تامین وحفظ شود واگر افراد و یا گروه‌هائی که از قانون سرپیچی می‌کنند ومتخلف‌هستند، برطبق‌موازین‌قانونی جلوی‌تخلفات‌آنهاگرفته‌شود". (کیهان ــ ۱۷اردیبهشت ۶۰)

شهیدمحمدعلی‌رجائی

شهیدمحمدعلی‌رجائی نخست‌وزیروقت‌درمصاحبه‌رادیو ــ تلویزیونی سه‌شنبه۱۵ اردیبهشت ۶۰ گفت:

"اطلاعیه ۱۰ماده‌ای دادستان‌کل‌انقلاب در واقع نشان دهنده موضع دولت در برابر احزاب وسازمانها وگروه‌های سیاسی‌است ومقامات مسئول کشور برآنند که براساس قانون‌اساسی این اطلاعیه‌را اجرا کنند".

روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ شورای‌امنیت کشور به ریاست شهیدرجائی تشکیل‌جلسه داد و در پایان‌اعلامیه زیرین را صادر کرد:

"هموطنان عزیز ومبارز! صدور اطلاعیه دادستان‌کل‌انقلاب‌مبنی بر حدود اجرای آزادیهای احزاب وگروه‌های سیاسی باردیگرفرصت‌مناسبی‌به احزاب وجمعیت‌ها دادکه بخواهنددرچهارچوب‌نظام‌جمهوری‌اسلامی‌وقانون اساسی‌فعالیت‌کنند. این‌فرصت موردتوجه‌واستقبال بسیاری ازگروه‌های موافق ومخالف قرارگرفت". (کیهان ــ ۶۰/۱/۱۰)

شهیدقدوسی

شهیدآیت‌اله‌علی‌قدوسی، که‌اطلاعیه۱۰ماده‌ای به‌امضای‌اومنتشر شده بود، باردیگر دراعلامیه مورخ ۱۴خرداد۶۰ بر اجرای اطلاعیه‌تاکید کرد:

"امت مسلمان‌وشهیدپرورایران! بدنبال انتشار اطلاعیه۱۰ ماده ای دادستانی‌کل‌انقلاب در تاریخ۶۰/۱/۱۹ تاکنون، که‌حدود ۲ ماه ازانتشار آن‌می‌گذرد، عکس‌العمل‌های‌متفاوتی از سوی‌گروه‌ها واحزاب مشاهده شده است. دسته‌ای از احزاب وگروه‌ها با استقبال ازاین‌اطلاعیه خواهان اجرای مفادآن شدندو دستگاه‌های قضائی‌کشور ودولت‌نیز تاآنجاکه‌درتوان‌داشتند دراجرای مفادمندرج دراطلاعیه وتضمین‌آزادیهای‌قانونی مذکوردرآن‌کوشش نمودند... مردم‌قهرمان‌ایران نیز نسبت به‌گروه‌هائی‌که حاکمیت قانون را پذیرفته‌اند، باصبرانقلابی‌وسعه‌صدربرخوردکرده وبه‌آنان‌فرصت‌طرح افکارو عقایدشان را در محدوده قانون داده وبامسئولین‌نیزدراین‌امرکمال‌همکاری را می‌نمایند". (۱۶خرداد۶۰ــ روزنامه‌ها)

حجت‌الاسلام موسوی‌تبریزی دادستان‌کل انقلاب

بعدازشهادت‌آیت‌اله‌علی‌قدوسی، حجت‌الاسلام‌موسوی‌تبریزی‌در سمت دادستان‌کل‌انقلاب قرار گرفت. ایشان‌هم بدفعات برقانونی‌بودن اطلاعیه ۱۰ماده‌ای تاکیدکرده‌است:

"اطلاعیهٔ ۱۰ ماده‌ای بقوت خودباقی‌است". (اطلاعات ــ اول آذر ۱۳۶۰)

"این‌اطلاعیه همچنان‌معتبرخواهد بود وهیچ اشکالی هم ندارد". (اطلاعات ــ ۱۵ اسفند ۱۳۶۰)

دادستان‌کل‌کشور

آیت‌الله‌ربانی‌املشی دادستان‌کل‌کشوردرباره‌اطلاعیه۱۰ ماده‌ای گفته است:

"اطلاعیه۱۰ماده‌ای دادستانی‌کل‌انقلاب‌هنوز بقوت‌خودباقی‌است". (اطلاعات ــ ۱۸ شهریور۱۳۶۰)

"چیزی که دانستنش لازم‌است این‌است که ضابطین‌قوهٔ قضائیه‌معترض چه‌کسانی به عنوان‌ضدانقلاب‌می‌توانند بشوندکه‌دراین‌خصوص‌بهترین معیار فعلا همان‌اطلاعیه ۱۰ماده‌ای دادستانی‌انقلاب‌است، که با تصویب شورای عالی‌قضائی داده‌شده‌بود". (اطلاعات ــ ۸ آذر۱۳۶۰)

اتحادنیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهائی انقلاب است

اتحاد مردم
شماره ۱۲۰ دوره سوم دوشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۶۰

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

بودجه باید درد مستضعفین را درمان کند

مجلس شورای اسلامی در جلسات علنی هفته‌ٔ گذشتهٔ خود که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و حجت‌الاسلام خوئینی‌ها تشکیل شد، لایحهٔ بودجهٔ سال ۶۱ را مورد بحث وبررسی قرارداد. نمایندگان در این جلسات بر لزوم اخذ مالیات‌های مستقیم از تجار بزرگ و تعدیل ثروت تاکید کردند.

دراولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی درهفتهٔ گذشته، که روز ۱۶ اسفند ۶۰، تشکیل شد، بحث دربارهٔ طرح آئین‌نامه داخلی مجلس ادامه یافت وچند ماده دیگر از آن به تصویب رسید.

اولین سخنران پیش از دستور این جلسه، **علی اکبر رضوانی** نماینده فیروزآباد بود، که ضمن سخنانی خواستار پایان دادن به فعالیت خوانین این منطقه شد.

علی عجم، نمایندهٔ **مشهد**، دومین سخنران پیش از دستور نیز در قسمتی از سخنانش از مجلس خواست که وضع مالکیت، زمین، کار، مسکن و سیستم اداری را مشخص سازد، تا ثبات وامنیت اجتماعی برقرار شود.

سومین ناطق **محسن راثی** نماینده میاندوآب بود، که با اشاره به تاکیدات **امام خمینی وآیت‌الله العظمی منتظری** درمورد حاکمیت قانون وجذب نیروهای متعهد ومومن، به تصفیهٔ عناصر متعهد ازنهادها وکارخانجات اعتراض کرد. وی همچنین از دولت خواست که در مورد پاکسازی‌ها "**ضوابط اسلامی وموازین شرعی وقانونی را کاملا مرعی بدارند مبادا حیثیت افراد، که طبق اصل ۲۲ قانون اساسی مصون از تعرض است، محترم شمرده نشود.**"

پس از سخنان پیش از دستور بحث درباره مواد طرح آئین‌نامهٔ داخلی مجلس ادامه یافت. در بحث درباره کمیسیون‌های مجلس، **اعظم طالقانی** نماینده تهران، پیشنهاد تشکیل کمیسیونی برای خانواده داد. وی در توضیح پیشنهادش، به اهمیتی که قانون اساسی برای این مسئله قائل شده، اشاره کرد وگفت که در طول مدتی که از تشکیل مجلس میگذرد، هنوز کاری برای خانواده صورت نگرفته است. درباره این پیشنهاد رای‌گیری به عمل آمد و رد شد. همچنین در جریان این بحث، یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که "کمیسیون کار وامور اجتماعی"، به دلیل اهمیتش از "کمیسیون امور اقتصاد ودارائی" تفکیک شود. **حسین کمالی** نماینده تهران دردفاع از این پیشنهاد گفت:

"**اگر بپذیریم که روابط (گذشته) ظالمانه بوده، قوانین طاغوتی وظالمانه است، این قوانین باید تغییر کند واین قوانین در رابطه با ۹ میلیون کارگر است. برای این ۹ میلیون کارگر آیا ما آن قدر ارزش قائل هستیم که ۹ نفر نیرو، ۹ نفر نماینده را قرار بدهیم که کار کنند؟ مسئله بعد اینست که برادران مطرح می‌کنند که وزارت کار لایحه نمی‌آورد. خوب نیاورد، ۱۵ نفر نماینده میتوانند طرح بدهند، کمیسیون کار کند، طرح را به امضای ۱۵ نفر برساند. اصلا فرض را بر این می‌گذاریم که وزیر هم مخالف باشد. اگر نمایندگان به یک مسئله‌ای رسیدند، معتقدند وتصویب کردند، می بایست اینجا از آن دفاع کنند. بگذارید وزیر مخالف باشد، بیاید اینجا مخالفت کند. ما از نظرات برحقمان درمقابل وزیر، نماینده دولت، دفاع می کنیم. حتما" لازم نیست که دولت لایحه بیاورد، خودمان طرح می دهیم. بنا براین مسئله این نیست که کارنشدنی است، مسئله این نیست که ما نیاز به قانون کار نداریم، مسئله اینست که کسانیکه با مسائل کارگری آشنا نیستند ونمی توانند کار کنند، فضا را گرفته‌اند وبعد هم می گویند کار نمی شود. ترکیب این دو قسمت، همانطور که یکسال تجربه شده و مسائل کارگری لاینحل مانده، بازهم مسائل کارگری را عقب خواهد انداخت.**"

ناطق در پایان تاکید کرد: "**مسائل اقتصادی کشور در رابطه مستقیم با مسائل کارگری است. اگر به این مسائل توجه نکنیم، فردا پشیمان خواهیم بود.**"

این پیشنهاد نیز رای لازم را نیاورد و رد شد.

مجلس شورای اسلامی در دومین جلسهٔ علنی خود در هفتهٔ گذشته، که در ۱۸ اسفند ۶۰ تشکیل شد، بررسی لایحه بودجه سال ۶۱ را آغاز کرد. در این جلسه، ابتدا **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** رئیس مجلس، ازمرگ ناگهانی **آیت‌الله ربانی شیرازی** عضو شورای نگهبان اظهار تاسف واز خدمات او تقدیر کرد. آنگاه مجلس وارد دستور شد ومخبر "کمیسیون برنامه وبودجه" لایحه بودجه را مطرح کرد. سپس موافقین ومخالفین لایحه بودجه سخن گفتند.

مجید انصاری نمایندهٔ **زرند**، ضمن مخالفت با لایحه بودجه، اخذ مالیات مستقیم را از "**بهترین شیوه‌های**" تامین درآمد دولت خواند و بر لزوم افزایش مالیات مستقیم تاکید کرد.

هراتی نماینده **سبزوار**، موافق لایحه بودجه، با اشاره به مسئله تورم، ملی کردن تجارت خارجی را یکی از راه‌های مبارزه با گرانی وتورم خواند وگفت:

"**...تجارت خارجی ملی تنها دراین بعد مطرح نیست که کالاهائی را که ما وارد می کنیم، بعد دراختیار بازار بگذاریم، تا به هرشکلی که دلشان می‌خواهد، به چندین برابر قیمت بفروشند. نخیر، وقتی تجارت خارجی ملی شد، که انشاء الله در فروردین ماه (سال آتی) لایحه‌اش تقدیم مجلس خواهد شد، بعد برنامه این است که این را دراختیار شبکه‌های تعاونی بگذارند و شبکه‌های تعاونی، باسود مختصر واندکی که تامین حقوق پرسنل شان را بکند، این کالا را در اختیار بگذارند.**"

> ***** **حسین کمالی نماینده تهران: مسائل اقتصادی کشور در رابطه مستقیم با مسائل کارگری است. اگر به این مسائل توجه نکنیم، فردا پشیمان خواهیم بود.**
>
> ***** **هراتی نماینده سبزوار: آمریکا امروز امیدش را در رابطه با شکست اقتصاد ما قرار داده است.**
>
> ***** **مرتضی الویری نمایندهٔ دماوند: سودی که بخش تجارت واین واسطه ها بردند، سرسام آور است.**

ناطق دربخش دیگری ازسخنانش گفت: "**...آمریکا امروز امیدش را در رابطه با شکست اقتصاد ما قرارداده است ودراین رابطه چند طرح دارد: طرح اول آمریکا ادامهٔ جنگ است. طرح دومش عدم خرید ویا حداقل خرید درزمینهٔ نفت، مرحلهٔ سوم افزایش هزینهٔ واردات ومرحلهٔ چهارم ممانعت از تولید داخلی است.**"

سید عبدالواحد موسوی لاری مخالف بعدی لایحه بودجه گفت:

"**ما با بودجه‌ای روبرو هستیم که، برخلاف آن چیزی که درمقدمه آن آمده، اهداف با برنامه‌ریزی‌ها منطبق نیست ودرد مستضعفین را چندان درمان نمی‌کند.**"

یکی دیگر از مخالفین لایحهٔ بودجه **احمد ملازاده** بود. وی از جمله گفت: "**پس از گذشت سه سال از پیروزی انقلاب، هنوز کارگزاران سازمان برنامه وبودجه به این نتیجه نرسیده‌اند که سیستم مالکیت نظام گذشته را دنبال نکنند.**"

ناطق افزود: "**غیر واقعی بودن درآمد دراین بودجه کاملا مشهود است واین دراثر ناصحیح بودن سیستم اخذ مالیات است ولازم است مالیات از فروشندگان عمده کالا وتجار اخذ گردد نه اینکه ازطبقات ضعیف ویا متوسط.**"

احمد ملازاده در پایان برضرورت ایجاد مرکز خدمات وسیستم نظارت و کنترل دقیق بر قیمت‌ها وهمچنین ایجاد سیستم مالیاتی سالم تاکید کرد.

ناطق بعدی، **حجت الاسلام خلخالی**، موافق لایحه بودجه، ازجمله گفت: "**دولت می خواهد مالیات بر درآمد وصول کند وباید این عمل را گسترش دهد. دولت درفکر این است که تک‌تک محتکرین راگرفته وبه سزای خودشان برساند. دولت می خواهد سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی را افزایش دهد وباکوتاه‌کردن دست واسطه ها ودلال‌ها، تا آنجاکه می‌تواند، قیمت‌ها راتثبیت کند.**"

سومین جلسهٔ علنی مجلس شورای اسلامی درهفتهٔ گذشته، که روز ۱۹ اسفند ۶۰ تشکیل شد، بحث درباره لایحه بودجه راادامه داد.

دراین جلسه **مرتضی الویری** نمایندهٔ **دماوند**، مخالف لایحه بودجه، نداشتن برنامه، تورم‌زائی و اتلاف بودجه درارگان‌های مشابه را، از جمله اشکالات بودجه سال جاری دانست. وی پیشنهاد کرد که مجلس دولت را موظف کند که ظرف مدت محدودی برنامه مدون شده‌ای درمورد مسائل اقتصادی به مجلس ارائه دهد. ناطق تاکید کرد که به دلیل مشخص نشدن الگوی توزیع "**سودی که بخش تجارت واین واسطه‌ها بردند، سرسام آور است.**"

الویری همچنین پیشنهاد کرد که مردم درصحنه جنگ اقتصادی وسیعا شرکت داده شوند. وی سهمیه‌بندی کالاهای ضروری و کنترل دقیق برقیمت‌های آن را امری ضروری دانست.

درهفته‌ای که گذشت:

متجاوزان صدامی باید خاک ما را ترک کنند

هفته گذشته هیئتی که ازجانب "کنفرانس اسلامی" "برای حل مسئلهٔ جنگ تجاوزکارانه امریکائی‌ـصدامی علیه ایران به‌کشور ما آمده‌بود، بعدازملاقات با رئیس‌جمهور وشرکت در جلسه شورای عالی دفاع ایران راترک کرد.

امام خمینی رهبرانقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در هفتهٔ گذشته درباره تجاوز صدامیان به ایران انقلابی گفتند:

"**او (صدام) دیگر قابل نجات نیست و ماهم یک قدم عقب نخواهیم نشست. مصالحه با جنایتکار وسازش با جنایتکاران، این یک جنایتی است بر مردم متعهد ویک جنایتی است براسلام، ماحرفمان از روزاول تاحالا و بعدها معلوم است، ماجنایتکار را که درکشورمان هست، می‌گوئیم باید برود.**"

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور هم بعدازدیدار با رهبرانقلاب وگزارش جریان مذاکرات باهیات فرستاده "کنفرانس اسلامی"، گفت:

"**تا حقوق حقهٔ ملت ایران کاملا استیفا نشود، به جنگ ادامه خواهیم داد.**" (پنجشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۶۰)

رئیس جمهور: باید افراد متخصص را جذب کنیم

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور، هفته‌گذشته در دیدار با وزیر صنایع ومسئولین این وزارتخانه، باردیگر برضرورت جذب نیروهای متخصص تاکید کرد.

رئیس‌جمهور گفت:

"**ماهم مدیریت مکتبی را قبول داریم وافراد مکتبی بایدتخصص‌ها را به کار گیرند. مکتبی ما باید مانند سوزنبان قطار خط را برای حرکت آن مشخص کند. وقتی که فردی مدیر ومکتبی راسرکار می‌گمارید، او باید افراد متخصص را بخواهد وبپذیرد، بطورناخودآگاه افرادی را که درتخصص بالائی هستند، پس نزند ودور نیاندازد و ازکاربرکنار نکند.**"

آقای خامنه‌ای، با اشاره به بیکار بودن عده‌کثیری ازمتخصصین مملکت، گفت:

"**این افراد اهل تخصص، مهارت، اندیشه و مغز هستند. دلیل بیکاربودن آنها همه‌اش تقصیر مانیست واقلا نصف آن تقصیر خودشان است. اما چون ما مسئول هستیم و می خواهیم اداره بکنیم بایستی تقصیرآنها را به آنها ببخشیم و این افراد را جذب کنیم واین نکته را بدانیم که انسان تربیت پذیر و لااقل انعطاف‌پذیر است.**" (اطلاعات‌ـ ۱۶ اسفند ۱۳۶۰)

سخنان رئیس‌جمهور باردیگر نشان میدهد که مسئولان کشور دراندیشه جذب نیروهای انسانی برای بازسازی ایران انقلابی هستند. وغیراز این هم برای ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد راهی نیست. کشور پهناور ایران را تنها با استفاده ازهمهٔ نیروهای مدافع انقلاب میتوان ساخت. هیچ نیروئی، نه در ایران، نه درهیچ‌کجای دیگر جهان قادرنیست به‌تنهائی چرخ‌های عظیم اداره کشوری را به حرکت درآورد.

ما امیدواریم که رهنمودهای رئیس جمهور عملی گردد وراه برای استفاده از نیروهای دلسوز وانقلابی هموار گردد.

سیاست جذب

حجت‌الاسلام دکتر سید مصطفی محقق‌داماد رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرد که سیاست و خط غالب برهیات‌ها وکمیته‌های پاکسازی سیاست جذب خواهد بود.

حجت‌الاسلام محقق‌داماد در روزنامه اطلاعات نوشت:

"**دریک کلام باید گفت سیاست وخط غالب بر هیات‌ها وکمیته‌های پاکسازی قبلی سیاست "دفع" بود...) ولی به‌نظر می‌رسد با سختگیری‌هائی که درزمینهٔ رعایت دقیق ضوابط درقانون بازسازی صورت گرفته وخصوصا وضع ماده‌ای خاص برای مجازات اعضای متخلف هیات‌های بدوی وتجدیدنظر، خط مشی غالب بر این هیات ها سیاست "جذب" است.**" (۱۷ اسفند ۱۳۶۰)

این سخنان درسمت گفته‌های رئیس‌جمهور است. سیاست جذب نیروهای صدیق ومدافع انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، برخلاف سیاست "دفع" قبلی، فقط به سود انقلاب است.

سرمایه داران بزرگ به ترور اقتصادی ادامه میدهند

در هفته‌های پایانی سال ۶۰، سرمایه‌داران بزرگ به ترور اقتصادی ادامه دادند. به‌همین خاطر **آیت‌الله موسوی اردبیلی** درمصاحبه‌ای: "**به محتکران اقتصادی اخطار کرد بر اساس قوانین شدیدی که دراین باره داریم، دستگاه‌های قضائی کشور با محتکرین برخورد قاطعانه خواهند داشت وبه‌هیچ‌وجه در این مهم به این محتکران ارفاق نخواهد کرد.**" (جمهوری اسلامی‌ـ ۱۷ اسفند ۶۰)

قاچاق ارز

علاوه‌بر احتکار، هفته‌گذشته باز هم اخباری درمورد قاچاق ارز از کشور توسط سرمایه‌داران بزرگ به‌چاپ رسید رئیس دیوانعالی کشور درمصاحبه پیش گفته اعلام کرد:

"**ستادی که برروی این مسئله (قاچاق ارز وطلا) کار می‌کرد، موفق به‌کشف باندی شد که اعضای آن ۵۰۰ میلیون تومان پول از کشور خارج کرده بودند... البته در اثر تلاش پیگیر موفق شدیم نیم میلیون مارک را از آلمان برگردانده وبه‌حساب دولت بریزیم. همچنین مبلغ ۶۶۰۰۰ دلار امریکا نیز از سانفرانسیسکو برگردانده شد...**" (ماخذ بالا)

درهمین حال روزنامه کیهان خبر داد: "**ازمنزل یک قاچاقچی ارز یک میلیون تومان ارز قاچاق کشف شد.**"

۱۰ میلیون تومان غارت از مردم

حجت‌الاسلام ناظم‌زاده، سرپرست دادگاه‌های انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی، هفته‌گذشته درمصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات، پرده از گوشه‌ای ازغارت سرمایه‌داران بزرگ برداشت. او گفت:

"**درسال ۶۰ حدود ۱۸ هزار پرونده متخلفین در کارهای صنفی اعم ازگرانفروشی، احتکار، قاچاق کالا وارز سودجوئی وکلاهبرداری در کارهای صنفی رسیدگی شده‌است. دراین رابطه متخلفینی داشتیم که بیش از ۶ میلیون تومان گرانفروشی کرده‌اند... به طور نمونه فردی که ۱۰۰ میلیون ریال گرانفروشی واحتکار کرده‌بود وجرمش نیز در دادگاه ثابت شده‌بود، باظاهر معصومانه ازپول ۱۰۰ میلیون ریال گرانفروشی ۱۰۰ هزارتومان آن را به‌جبهه کمک کرده‌بود ورسیدش را در جیبش گذاشته‌بود وبه‌هرکس می‌رسید آن را نشان میداد که مثلا من به این انقلاب و دولت کمک کرده‌ام. بطورکلی این‌گونه افراد زالو صفت با این‌گونه اعمال بی‌شرمانه می‌خواهند سر دولت و امت شهید داده کلاه بگذارند.**" (۱۸ اسفند ۶۰)

این "افراد زالوصفت"، دراکثریت مطلق خود، همان سرمایه‌داران بزرگ هستند، که باغارت آخرین دینارهای محرومان جامعه سودهای ۱۰ و ۶ میلیون تومانی به‌جیب می‌زنند. تجربه سه ساله گذشته هم نشان داده‌است که تهدید و اخطار وحتی جریمه هم نمی‌تواند مانع غارت آنها شود. باید مسئله را از ریشه حل کرد.

محو جنایات اقتصادی

حل ریشه‌ای مسئله، یعنی ریشه‌کن ساختن سلطه بزرگ زمینداران و کلان سرمایه‌داران، که منجر به‌پایان دادن، "جنایات اقتصادی"ـ به‌تعبیر نخست وزیرـ شود.

آقای مهندس مرحسین موسوی نخست‌وزیر هفته‌گذشته در مصاحبه‌ای اعلام کرد:

"**...یکی دیگر ازمشکلات ما وجود عده‌ای خدانشناس و محتکر است**

بقیه درصفحه ۱۹

از ناراضی تراشی در سنندج جلوگیری کنید!

علیرغم تاکیدات صریح مسئولین جمهوری اسلامی ایران مبنی برتلاش ای تاءمین اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر میان صفوف مردم، بویژه میان مردم متعلق به اقلیت‌های مذهبی وملی با دیگر اقشار مردم، به ویژه میان پیروان تسنن و تشیع و میان مردم کرد و مردم فارس و ... ایجاد نارضایتی در میان مردم کرد نشین، متاسفانه هنوز ادامه‌دارد.

گروه‌هائی از نیروهای قشری‌نما و قشریونی که ناآگاهانه اهداف آنها را عملی می‌سازند، آتش این فتنه را دامن می‌زنند ودرنتیجه به انقلاب لطمه وارد می‌آورند و آنچه راکه‌در جریان "هفته‌وحدت"، توسط آیت‌الله‌العظمی منتظری ومسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران، وعده‌داده شده بود، زیر پامی‌نهند. گو ئی کسانی هنوز مایلند، ومتاسفانه هنوز می‌توانند، که یخ سوءتفاهمات وبدبینی‌های ناروامیان مردم کرد و جمهوری اسلامی ایران را، که‌موجد اشتباهات و ندانم کاری‌های‌پیشین است، منجمد نگاه دارند و اتحاد را به سردی، سردی را به‌بدبینی و بدبینی‌رابه خصومت‌تبدیل‌کنند.

عملکرد این افراد اکنون در کردستان بویژه درتاکید نادرست و غیر ضرور بر مسائل فرعی جلوه گر میشود، و این عملکردبویژه‌درایراد فشار علیه زنان شاغل، سلب امنیت شغلی آنها ونیز آماج‌حمله‌قراردادن نیروهای انقلابی دگراندیش، تظاهر می‌کند.

محافل معینی در سنندج همه چیز را رها کرده و زنان کارمند را تحت فشار قرارداده‌اند، در حالیکه زنان کارمند طبق دستور با حجاب برسرکار حاضر می‌شوند، کسانی از مزاحمت برای آنان‌دست‌برنمی‌دارند و تهدید می‌کنند که اگر زنی در خیابان و در ساعات غیر اداری‌هم "بدون حجاب کامل" مشاهده شود ازکار اخراج خواهدشد.

در آموزش و پرورش، نیروهای انقلابی دگراندیش، آماج‌اصلی خشم و کینه برخی مسئولین هستند، در صورتیکه آنها جزوفاداری بی خدشه به آرمان های انقلاب، جزپشتیبانی صمیمانه از جمهوری اسلامی ایران، "جرمی" ندارند و ...

این اعمال به سود انقلاب نیستند. ایجاد نارضایتی تعمدی‌در میان مردم، آنهم درشرایطی‌تا بدین حد حساس وخطیر، که دشمن تادندان مسلح پشت‌دروازه‌های‌کشور است و بخشی ازآن به تجاوز خود ادامه می‌دهد، انجام وظیفه‌نیست، بلکه در بهترین حالت ندانم‌کاری زیانبار و بی مسئولیتی‌است. بجای تاکیدبرمسائل‌اساسی‌انقلاب، ایجاد دلگرمی در مردم، زدودن سوءتفاهمات و تعمیق تفاهم در میان آنها، آتش زدن به خرمن اعتماد آنها، به‌سود چه‌کسی تمام‌می‌شود؟

از ناراضی تراشی در سنندج جلوگیری کنید.

کارگران متحد توطئه‌های ضدانقلاب را درهم می شکنند

انقلاب بزرگ اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران ازنخستین دم باتوطئه‌های‌کین‌توزانه‌و بی‌امان امپریالیسم بسرکردگی آمریکای جهانخوار روبرو بود. ولی‌انقلاب، که زیر رهبری**امام خمینی** به‌چهارمین بهار خود پانهاده‌است، پرچم رزم باامپریالیسم آمریکا وتفاله‌های‌داخلی آن را همچنان استوار برافراشته‌است.

دراین‌نبردسرنوشت‌ساز، درپرتو اراده ومبارزه توده‌های‌محروم وانقلابی بسیاری از دژهای انحصارات‌امپریالیستی‌گشوده‌شد لانهٔ‌جاسوسی‌شیطان بزرگ‌تسخیرگردید، لیبرالهای‌آمریکا زده از اریکه‌قدرت به‌زیرکشیده شدند، محاصره اقتصادی وتوطئه‌نظامی آمریکا درطبس وکودتای آمریکائی نوژه بی‌اثر گردیدوتجاوز آمریکائی‌صدام دراساس شکست خورد.

جمهوری‌جوان‌ما تاکنون‌ازهفت خوان‌گذشته‌است، اماهفتادخوان دیگر درپیش رودارد. هرقدرانقلاب‌برشتاب حرکت‌پیشرونده خویش می‌افزاید، ستیزه‌کارهای آمریکا فشرده تر و حیوانی‌تر ازهمیشه در برابر انقلاب خودنمائی می‌کند.

هم اکنون در داخل وخارج، امپریالیسم آمریکا ودستیاران‌ودست‌نشاندگانش‌به‌اشکال‌گوناگون بشدت انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌راتهدید می‌کنند. خودفروختگان‌مرتجع مصر، اردن، عربستان وسودان و مراکش ومرتجعین ساحل خلیج‌فارس به‌اشاره آمریکابه‌هم‌پشتی صدام‌برخاسته‌اندو دربرابرانقلاب اسلامی‌ایران بر طبل جنگ می‌کوبند. ازترکیه تاپاکستان‌و از آمریکا تا چین چنبر توطئه‌های‌ضدانقلابی‌چهره‌مرگبار خود رابه نمایش می‌گذارد. اهرمهای چندگونهٔ دشمنان انقلاب در داخل نیز با تمام قوا بکار افتاده‌اند. موج‌ترور وانفجارهای "کور و "بینا" (هدفمند) تخم ناامنی میپاشد شایعه پردازی وفتنه‌انگیزی‌درتمامی محافل لیبرال، ساواکی، سلطنت‌طلب و اوباش وفریب‌خوردگان همچون‌خوره برپیکر نظام جمهوری اسلامی ایران افتاده، واین همه در شرایط توطئهٔ **محاصره اقتصادی‌امپریالیسم‌آمریکاو** بویژه همروندبا**تروریسم‌لجام‌گسیخته اقتصادی**، احتکار، گرانی، کمبود، واسطه‌گری وخرابکاریهای‌سازمان یافته در کار تولید، توزیع وعرضه خدمات، و بر بستر دشواریهای ناشی از دورهٔ گذار انقلابی برنامه‌ریزی می‌شود. کلان‌سرمایه‌داران وفئودالها ازوحشت خدشه‌دار شدن‌حریم مقدس (!) مالکیت نامحدود رو به کاخ سفید آورده‌اند. لقمه‌چرب ونرم سالیان‌دراز گلوگیر شده‌وپای مرگ و زندگی‌در کار است. هم‌از این‌روست که‌ضدانقلاب درآمل وشیرگاه ومیدان‌سپاه‌به‌سیم‌آخر می‌زند!

دراین‌میان‌**توطئهٔ فلج اقتصادی ازطریق رکودتولیدوتوقف‌چرخ‌کارخانه‌ها نظر دشمنان انقلاب را بویژه به خود جلب‌کرده‌است**. زمزمهٔ اعتصاب از سوی ضدانقلاب بگوش می‌خورد، دشمن‌دهها‌ایستگاه‌رادیوئی‌دراختیار داردوتمامی پیکرهٔ‌امپریالیسم خبری در خدمت انتشار طرحهای براندازی است. آنها می‌کوشندوبجان در تب و تابند تا از کمبودها، دشواریها، نارسائی‌ها، ندانم‌کاریهاو ناپیگیری‌ها و نیز پاره‌ای تنگ نظریها، اشتباه‌کاری‌و کجروی‌ها سود جویند و کشتهٔ خرابکاریهای دیرینهٔ خود را از آن آبیاری کنندوبر شالودهٔ‌نارضائی‌هاو محرومیت‌های ساخته‌وپرداخته‌خویش، ازبردباری ومتانت‌انقلابی زحمتکشان به‌سوی تشنج‌زایی واعتصاب‌سازی‌پل بزنند.

دشمنان‌انقلاب نیک‌آگاهند که **طبقهٔ کارگرایران‌استوارترین‌ستون انقلاب بوده، هست وخواهد بود**. دشمن‌نیز بچشم‌خویش دید که‌چگونه کارگران شب سیاه استبداد رابامبارزهٔ جانفرسای‌طولانی به‌صبح آوردند: در صنایع‌نفت گلویش رافشردند، در تبریز تیر بر قلبش زدندو دراصفهان‌و تهران همهٔ‌راهها را برماشین جهنمی رژیم منفور پهلوی بستند. درست‌به همین دلیل است که ضدانقلاب **رویای جدا کردن‌طبقه‌کارگر را از انقلاب، در سرمی‌پروراند** و در سودای آن‌است که خانه را از پای‌بست ویران کند!

این‌حقیقت‌چون خورشیدروشن است که هیچ نیروئی‌جز طبقهٔ‌کارگر، با وجود این‌همه‌نامرادی وبی‌سامانی، و تهیدستی، نیازمندی وستمدیدگی - با چنین‌توان‌بی‌مانندی درمیدان مبارزه نمانده است‌و نمی‌ماند، زیرا درست همین‌ویژگیها او را برضد هرستم و هر نابسامانی‌می‌شوراند. نقشه‌ضدانقلاب آن‌است که از یک‌سو این‌نابسامانی‌هارا بکمک‌اهرمهای خود، درهمه‌سو، تشدید کند و آنگاه در بوقهای خود بدمد و سپس درمقام‌بهره‌برداری، کارگران‌را به‌اعتصاب‌ورویاروئی‌باحاکمیت‌انقلابی جمهوری‌اسلامی‌ایران - که‌سبب‌سازهمه دشواریهاوانمودمی‌شود - فراخواند.

ولی‌طبقهٔ‌کارگرایران باهوشیاری طبقاتی‌و با اتکاء به‌تجربهٔ‌زنده‌وپندآموز تاریخ گذشته‌وحال‌دریافته‌است که **دشمن‌اصلی امپریالیسم‌آمریکاست‌وما در همه‌مصایب‌هم‌اوست**. کارگران رهائی خویش را در رهائی میهن‌خویش‌از بند اسارت انحصارات جهان‌خوارمی‌دانند و ارزش دستاوردهای فرخنده‌انقلاب‌را بسی‌والا می‌شناسندودشمنان‌انقلاب را بدرستی‌دشمن خود ارزیابی می‌کنند.

پس بدرستی مفهوم است که **شعار افزایش تولید، تولید با تمام ظرفیت واحدها، اجتناب از کم‌کاری و اعتصاب، چگونه از زبان خود کارگران واز بدو پیروزی‌انقلاب همواره وبصدای بلند فریاد شده‌است.**

کارنامه روشنی پیش روی ماست: شرکت‌گسترده‌کارگران دربازسازی‌وراه‌اندازی صنایع وکارخانه‌ها درجریان انقلاب وپس‌ازپیروزی آن، آنگاه که سرمایه‌داران بزرگ "وطن در چمدان" واحدهای تولید را رها کردند و به وطن مالوف و کعبهٔ‌مقصود - جهان سرمایه‌داری - گریختند، تلاش جهت بالابردن آهنگ تولید به‌منظور مقابله با محاصرهٔ‌اقتصادی امپریالیسم‌آمریکا، رویاروئی‌با دسیسه مدیران لیبرال و بسیاری عرصه‌های توانفرسای دیگر، که پیکر پهلوانی کارگران را به نبرد مشغول داشت. این همه بخاطر آن بود که‌انقلاب از ریشه قوام‌گیرد. پیداست که‌آوای شوم اعتصاب از دهان دشمن، درست به‌این‌سبب برمی‌آید که تیشه‌بر ریشه انقلاب نهد.

در چنین شرایطی است که باید چشم‌انتظار توطئه‌های هزار گونه‌بود، زیرا این "هدف" دشمن‌است ودشمن دست‌بردار نیست، وسیله می‌جویدوهر سلاحی که‌زنگ خورده شود، سلاح دیگری برمیگیرد وبه مصاف انقلاب از نو کمر می‌بندد. طبقهٔ‌کارگر باید با هزار چشم تیز بین خویش، بیدارتر و هشیارتر باشد و چون همیشه **متانت‌و شجاعت انقلابی را با بصارت طبقاتی درآمیزد**. این امر ازآن جهت شایان تاکید است که‌شرایط موجودبس‌حساس است. با این که توطئهٔ کلان‌سرمایه‌داران‌وتجار غارتگر گرانی سرسام آور وکمبودها ونبودهای بسیاری را سبب شده وجان مردم، بویژه‌زحمتکشان مزدبگیر را به‌لب رسانده است، کارگران، اما، با درآمد براستی ناچیز خویش این‌بار سنگین را بیشتر برشانه میکشند. هنوز **قانون کار طاغوت** شیرازه کار و زندگی آنان را در تار و پود خود دارد، هنوز **چماق اخراج** در هرلحظه بر سرآنان معلق است، هنوز دولت‌انقلاب، جز چند مورد معدود، در راستای تدوین و تصویب قوانین انقلابی بسود کارگران گامی برنداشته است. قوانین طاغوتی معتبرند، لیبرال‌های دولت‌موقت که به ساواکی ها اجازه‌اجتماع و طرح خواست (!)‌های خود را میدادند، کارگران را از تجمع وتشکل مانع میشدند، و هنوز سایه شوم **تشکل ستیزی**، به‌مثابهٔ ضدمردمی‌ترین‌سنت رژیم سابق، علیرغم طرد طرفداران مشروطه بدون شاه، ادامه‌دارد. علیرغم تصریح قانون اساسی در اصل ۲۶ و ۱۰۴ خود، **تشکل‌های صنفی وشورائی کارگران، که قبل‌ازهرچیز بسود تحکیم و ژرفش انقلاب‌است**، چه بسا از سوی برخی مسئولین و به‌ویژه پاره‌ای دست‌اندرکاران امور کارگری نفی میشود. بدیهی است که‌عوامل نفوذی ضدانقلاب در این‌راستا سهم خرابکارانه خویش را دارند و نمایندگان "متشرع" سرمایه داری بزرگ ولیبرال‌ها نیز با تمام توان خویش در این راستامیکوشند.

این‌واقعیات را منکر نمیشویم، ولی تاسف این‌جاست که مطالبات حقه‌کارگران "باجخواهی" به حساب آیدوکارگران از **جنبش شورائی** خویش برحذر داشته‌شوند: تا زمینه‌معاونت‌با کارفرمای غارتگر خصوصی‌فراهم آید، وچنین وانمود شود که این‌کار گویا برای جلوگیری از "تضاد" طبقاتی واجب‌است! چنین‌شیوه‌هائی در چشم کارگران خاک‌می‌پاشد، آنان را نسبت به نظام‌انقلابی موجود بدبین‌ونهایتا مایوس‌میکند، وبه‌نوبهٔ خودراه مقابلهٔ با جمهوری اسلامی ایران از طریق اعتصاب و ... رادر برابر آنان می‌نهد. دربرابر این اشتباهات سهمگین پاره‌ای مسئولین نیز، کارگران، بتجربه، صبرانقلابی و آرامش‌پیشگی خویش را ازدست‌نمی‌نهند. تجربه‌ای‌که‌بنی‌صدرها ولوایح وبخشنامه‌های نوع "بنی‌صدری" را به کمک آن طرد کردند.

اکنون اخراج‌های جمعی ادامه دارد، امر تولید نابسامان است ونفوذ نیرومند لیبرال‌ها در مقام مدیریت و اداره‌واحدها راه را برحدود تاثیر ابتکار کارگران بسته‌است. کارگران از نان خویش و شیر نوباوگان خود چشم پوشی میکنند وبه یاری رزم‌آوران‌جنگ تحمیلی وآوارگان تجاوز صدامی‌می‌شتابند، واین در شرایطی است که سایه مسکنی بر سرندارند و هرآن در خطر بیکاری بسر می‌برند؛ در حالی است که‌قوانین‌ضدکارگری‌سابق‌معتبرند ومدیران طاغوتی محترم‌اند و در مقابل، کارگران با کابوس عدم‌تامین و تضمین شغلی وبیم‌وامید گرفتاری در تار عنکبوت خودسری‌های‌عناصرقانون شکن وکارگرستیز درون‌واحدها دست به‌گریبانند، درزمانی‌است‌که‌سرمایه‌داران بزرگ غارتگر از بسیاری جهات درتالانگری‌های‌خویش‌مختار و متشکل و از تامین برخوردارند.

به این ترتیب، اگر نیازها واقعیت دارد واگر تیغ برهنه احتیاج وشدت وعسرت برجان‌نیش میزند واز دل خون‌می‌ریزد، واگر با وجود همهٔ اینها **طبقه‌کارگر بدرستی سرنوشت انقلاب را ملاک میگیرد و موافق آن‌دم** درمیکشد وبخودمیگذارد نه‌بدان خاطر است که‌به‌کمبودها و کم کاری‌های مسئولین مشروعیت بخشدوبدتر از آن آثار دردناک سوء سیاست‌ها را گریزناپذیر داند، بلکه تحقیقا چنین‌است که‌طبقهٔ‌کارگر زمینهٔ تامین خواست‌های‌تاریخی‌خویش را درتحکیم وبازگشت‌ناپذیر شدن انقلاب اسلامی در ابعاد ضد امپریالیستی ومردمی‌آن‌می‌بیند. درهمین‌راستاست که برخوردهای فارغ از حس‌مسئولیت پاره‌ای از دست‌اندرکاران و مسئولین را به‌ویژه بخاطر ناسازگاری با مقتضیات‌انقلاب‌و سمت‌غائی حرکت آن نادرست ونگران کننده‌میداند و با تمام نیروی خویش در رفع و دفع آنها میکوشد. **مصالح انقلاب ایجاب‌میکندکه‌درچنین‌مواردی بااحساس مسئولیت تام هرگونه ناپیگیری‌وتنگ‌نظری افشا و منفرد شود، تا راه‌برای ادامهٔ پیشرفت انقلاب هموار گردد.**

اعتراض منطقی، جدی واصولی کارگران را نسبت به‌پاره‌ای سیاست‌ها وعملکردها بایستی درهمین چارچوب ارزیابی کرد. در واقع **کارگران بنابه‌ضرورت انقلاب بسیاری از خواست‌های خویش را مکتوم گذاشته‌اند** وتنها در موارد حیاتی - حیاتی‌از نظر مقتضیات انقلاب - عدم طرح‌آنها رابصلاح‌نمیدانند و ناگزیر به سخن‌در می‌آیند. کارگران یکصداخواستارتشکل درانجمن‌های‌صنفی خویش‌اند. این حق‌قانونی آنان در قانون اساسی نیز تصریح‌شده‌است. اگر در این عرصه سکوت‌کنند، وظیفه پاسداری از قانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران را از دست‌می‌نهند وراه را بر یکه‌تازی‌های قانون‌شکنان وعناصر کارگر ستیز وکارفرمایان چپاولگرهموار خواهندکرد کاری که ابدابا **روح انقلاب** سازگار نیست. چنین است اعتراض آنان به اخراج‌های بی‌رویه عدم امنیت شغلی، و دیگر محرومیت‌ها.

آری، طرح‌خواست های اساسی درست در مسیر ژرفش انقلاب و طرد موانع رشد وگسترش آن است. انتظار بجا ودرست آن‌است که به برکت‌هم‌پیوندی انقلاب وحاکمیت جمهوری اسلامی‌ایران با منافع اساسی طبقهٔ کارگر، بخواهیم تاکارگران‌سازمان‌های صنفی - انقلابی خویش راتشکیل‌دهند، داشت‌ها و کم داشت‌های‌خودرا بررسی کنند، مشکلات خویش ونیازهای‌واحدهای‌کار رابیان دارند، شیوه‌های برطرف‌کردن این ناملایمات را جستجو کنند، بیابندو با مسئولان در میان بگذارند و با پیگیری راه را برای تحقق‌خواست‌های انقلابی و به حق خویش هموار سازند.

خواست کارگران بحق‌است‌وطرح خواست‌ها از طرق قانونی‌وپی‌جوئی برای فراهم‌کردن زمینهٔ تامین آنها نیز ضروراست. اما درعین حال طبقه کارگر باید نسبت به‌تحریکات پردامنه وخائنانه‌دشمن برای راندن این نیر و به‌سمت‌اعتصاب، برحذر باشد. برخی از آنها که مانع از تشکل کارگران‌می‌شوند، ازجمله، در پی کسب همین مقصودند، آنها‌میخواهند هیچ‌مجرائی برای جریان یافتن خواست‌ها ونیازها تعبیه وتدارک نشود. بن‌بست از هر سوچهره‌کند تاچاره در ویرانی جستجو شود.

مخالفان تشکل صنفی - انقلابی کارگران به این‌هدف خود دست نخواهند یافت، زیرا کارگران‌درجریان انقلاب آموخته‌اند و دراین سه سال آزموده‌اند که "اعتصاب، سلاح‌آمریکا است" ودشنه‌ای است‌که درقلب خود فرومیکنند. ازاین رو با طرد این‌شعار حمله رابه‌خود دشمن‌برمی‌گردانند، و **با فراهم‌آوردن فضای آرامش و قانون‌گرائی واصول پذیری، انقلاب یعنی مادر همهٔ منافع خویش را پاسمیدارند.** کارگران نیک میدانند که اگر انقلاب بماند و قوام یابد، اگر آرامش متکی به قانون‌زمینهٔ فراهم آوردن عدالت اجتماعی وحقوق‌مردمی مندرج در قانون‌اساسی را تدارک ببیند، آنگاه موافق قانون اساسی سازمان‌های صنفی - انقلابی خودرا خواهند داشت، از

بقیه‌درصفحه ۱۳

بمناسبت سومین سالگرد انقلاب گرنادا (۲۲ اسفند ۱۳۵۷ / ۱۳ مارس ۱۹۷۹)

انقلاب گرنادا زیر شعار :

«پیوسته به پیش، هرگز نه به پس!»

خلق گرانادا را بسوی دگرگونیهای بنیادی راهگشاست

* تاکنون چهار توطئه آمریکا برای سرنگونی رژیم انقلابی گرانادا و قتل موریس بی شاب رهبر این کشور نافرجام مانده است

* تمرین‌های نظامی آمریکا در کارائیب زیر نام "اوشن ونچر ـ ۸۱" تدارک عملی "مداخله مستقیم ایالات متحده آمریکا در گرانادا بود.

* یونی سون وایت من (وزیر خارجه گرانادا): امپریالیسم آمریکا درصدد است که انقلاب ما را درهم شکند.

نام رسمی

گرنادا " Grenada "

سرزمین وسکنه

واقع در دریای کارائیب و متشکل ازجزایر گرنادا / ۳۱۰ کیلومتر مربع / کاریاکو (Cariacu) ۳۲ کیلومتر مربع / پتی مارتینیک Petit Martinique و ۲۰ جزیره دیگر.

وسعت : ۳۴۴ کیلومتر مربع ،

جمعیت : ۱۱۰۰۰۰ نفر = ۳۲۰ نفر درکیلومتر مربع (۱۹۷۸)،

ترکیب جمعیت : ۸۴ درصد ازنژاد آفریقائی ، ۳ درصد هندی‌شرقی و ۱۱ درصد دورگه ،

پایتخت : سنت جورجز (St. George's) ۲۳۰۰۰ نفر

زبان رسمی : انگلیسی ،

پول : دلار کارائیب خاوری EC $ = ۱۰۰ سنت ، ۱ دلار ایالات متحدهٔ آمریکا = ۲/۷۰ دلار کارائیب خاوری.

اقتصاد

گرنادا کشوری است کشاورزی ورشد نیافته. "بانک جهانی" درگزارشی ، که یکسال پیش ازانقلاب درباره وضع اقتصادی این کشور منتشر ساخت ، خاطرنشان کرد که ، رشد اقتصادی گرنادا به سطح پنج سال پیش ازآن کاهش یافته بود.

موریس بی شاپ نخست وزیر گرنادا، مهم ترین هدف انقلاب ضدامپریالیستی ودمکراتیک گرنادا را در زمینه اقتصادی "**برون رفت از واپس ماندگی تکنولوژیک واقتصادی باورنکردنی**" خوانده است ، که رژیم **اریک گیری** بجای گذاشت. به گفته وی ، برای چیرگی براین میراث شوم باید به چهار وظیفه اساسی پرداخت :

۱ــ ایجاد بخش دولتی ،

۲ــ تشویق بخش خصوصی ،

۳ــ تاسیس نهادهای دولتی برای بدست گرفتن هرچه بیشتر صادرات،

۴ــ گسست از وابستگی به امپریالیسم.

مهم ترین بخش اقتصادی گرنادا کشاورزی است ، که درآن موز ، انواع ادویه، کاکائو ، مرکبات ونارگیل برای صدور و پنبه ، نیشکر ، سبزیجات وسیب زمینی برای مصرف داخلی تولید می شود دامپروری گرنادا هنوز پاسخگوی نیازمندی‌های آن نیست. ازسوی دیگر ، جنگل داری وماهیگیری این کشور نسبتا رشد یافته است.

پس از انقلاب ، در گرنادا اصلاحات ارضی ، تشکیل تعاونی‌ها و بهره برداری ازقطعه زمین‌های جدید آغاز گشت. برای کمک به پایه‌گذاری وگسترش جنبش تعاونی ، نهادی بنام "**آژانس ملی برای پشتیبانی ازتعاونی‌ها**" تشکیل شد.

فزون بر کشاورزی ، یکی ازمهم ترین گستره‌هایی که دولت گرنادا به آن توجه خاص مبذول می دارد ، پی ریزی زیرساختار اقتصادی است. دراین پیوند ، باید به ویژه ازفرودگاه بین المللی یادکرد ، که درگرنادا در دست ساختمان است.

بازرگانی خارجی : تراز بازرگانی خارجی گرنادا تاکنون همیشه منفی بوده است. توریسم رفته رفته به یکی از مهم ترین منابع درآمدارزی گرنادا بدل می شود. (درسال ۱۹۸۰ ، ۲۹۴۱۸ نفر ازاین کشور دیدن کردند). اکنون "**اداره ملی واردات وبازاریابی**" هرچه بیشتر ، واردات وصادرات گرنادا را زیرنظارت خود درمی آورد.

به گفته **موریس بی شاپ** ، گرنادا بویژه در راه گسترش مبادلات بازرگانی خود باکشورهای سوسیالیستی ، باسمت‌گیری سوسیالیستی وتازه ازبند رسته کوشش خواهدورزید. این کشور هم اکنون ازکمک‌های بیدریغ کوبای انقلابی در این زمینه بهره‌مند شده است.

آموزش وپرورش

ازسال تحصیلی ۱۳۶۰/۶۱ (۱۹۸۱ / ۸۲) آموزش ابتدایی ومتوسطه در گرنادا بکلی رایگان شده است. درگرنادا ۳۵ هزار دانش آموز به ۶۲ دبستان و۱۶ دبیرستان می‌روند. دولت گرنادا در چارچوب یک برنامه ضربتی همهٔ شهروندان کشور را برای نوسازی مدارس بسیج کرد. درحالیکه درسال ۱۹۷۸ تنها سه دانشجو از دولت بورس می گرفتند ، اکنون شماره این گونه دانشجویان به ۲۲۰ افزایش یافته است.

بدینسان ، آموزش دانشگاهی نیز درگرنادا عملا رایگان است. درهمین مدت شمارهٔ دانشجویان گرنادایی ، که درخارج تحصیل می کنند ، ازسه به دویست رسید.

درگرنادا پیکار بابیسوادی به "**کانون فرهنگ توده‌ای**" سپرده شده است. این کانون هم اکنون ، درمرحله‌ای نخستین وظیفه تعلیم خواندن و نوشتن را به بی سوادان به انجام رسانیده است. در مرحلهٔ دوم افراد نامبرده به آموختن زبان ، هنر وریاضیات خواهند پرداخت.

بهداری

شماره پزشکان گرنادا از انقلاب تاکنون از ۱۷ به ۳۷ افزایش یافته است. درهمین مدت شماره درمانگاه‌های دندانپزشکی این کشور از ۱ به ۷ رسید. نزدیک به یکسال ونیم است (ازاکتبر ۱۹۸۰) ، که خدمات پزشکی دربیمارستان‌های همگانی وکانونهای پزشکی گرنادا رایگان است. گرنادا دارای ۷ بیمارستان باگنجایش ۷۵۰ تخت خواب است.

در گرنادا همه کودکان تاسن پنج سال ، دانش آموزان دبستانها ودبیرستان‌ها ومادران شیرده از شیر رایگان بهره‌مند می شوند.

وضع زحمتکشان

در حالیکه پیش از انقلاب ، نیمی از زحمتکشان گرنادا ، از جمله ۷۰ درصد زنان ، بیکار بودند. یک سال پیش حداقل برای ۳۰۰۰ نفر امکان کار فراهم آمد.

دولت گرنادا به برنامه خانه سازی برای زحمتکشان توجه فراوان معطوف می‌دارد واعتباراتی به این منظور در اختیار آنها قرار می دهد. زحمتکشان تنها دوسوم این وام‌های بدون بهره را بازمی پردازند. این بازپرداخت ده سال طول می کشد وهر ماهه دودلار برای زحمتکشان تمام می شود.

دولت گرنادا گام‌های بزرگی درراه برابرحقوقی زنان برداشته است. برپایه قانونی که به تصویب دولت رسید ، زنان و مردان در برابر کار برابر پاداش برابر دریافت می دارند.

برای نخستین بار در تاریخ گرنادا زنان از مرخصی بارداری درعین دریافت دستمزد وحقوق برخوردار می شوند.

حاکمیت وسازمانهای سیاسی واجتماعی

گرنادا در سال ۱۴۹۸ کشف شد. این کشور ، که نخست به تصرف فرانسوی‌ها درآمده بود ، در سال ۱۸۷۴ مستعمره بریتانیا گشت. گرنادا در فوریه ۱۹۷۴ در چارچوب "**کشورهای مشترک‌المنافع**" به استقلال دست یافت.

درسال ۱۹۶۷ "**حزب کارگر متحد گرنادا**" (Grenada United Labour Party _ GULP) برهبری **اریک گیری** (Eric Gairy) ، ریاست دولت را بدست گرفت. درسال ۱۹۷۴ جبهه ای بنام "**اتحاد خلق**" People's Alliance برای مبارزه با رژیم ارتجاعی وسرکوبگر **گیری** تاسیس یافت. رهبری این جبهه با "**جنبش نیوجیوئل**" (جنبش کوشش مشترک برای رفاه ، پرورش وآزادی / Joint Endeavour For Welfare Education, and Liberation Movement بود ، که درسال ۱۹۷۳ برپایه وحدت گروه‌های مختلف مخالفان تشکیل شده بود.

دیگر سازمان‌های متشکل در "**اتحاد خلق**" عبارت بودند از : "**حزب ملی گرنادا**" (Grenada National Party _ GNP) و "**حزب متحد خلق**" (United People's Party – GPP)

رژیم **گیری** در پی رستاخیز مردم گرنادا در ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ (۱۳ مارس ۱۹۷۹) سرنگون و "**دولت انقلابی خلق**" مرکب ازکابینه و "**شورای انقلاب**" جایگزین آن شد. رژیم انقلابی ، قانون اساسی رالغو وپارلمان رامنحل ساخت.

رئیس حکومت گرنادا همچنان ملکه بریتانیاست ، که فرماندار کل نمایندگی او رادراین کشور بعهده دارد. نخست وزیر گرنادا **موریس بی شاپ** (Maurice Bishop) ، صدر هیئت سیاسی کمیتهٔ مرکزی "**جنبش نیوجیوئل**" است.

سیاست دولت گرنادا ازپشتیبانی روزافزون مردم گرنادا بهره‌مند می شود ، که هرچه بیشتر به سازمان‌های توده‌ای ، چون سندیکاها واتحادیه‌های زنان و جوانان "**جنبش نیوجیوئل**" می پیوندند وبدینسان پایگاه اجتماعی انقلاب را تقویت می کنند. تازه ترین نمود این روند تشکیل میلیس توده‌ایست.

مهم ترین سازمان‌های اجتماعی گرنادا عبارتست از :

"**سازمان ملی جوانان**" (National Youth Organization – NYO)

"**سازمان ملی زنان**" (National Women's Organization – NWO)

"**شورای ملی دانشجویان**" (National Students Council – NSC)

"**پیشاهنگان جوان**" (Young Pioneers – YP)

"**اتحادیه کارگران روستائی و عمومی**" (Agricultral and General Workers Union – AGWN)

سیاست خارجی

در دوران رژیم **گیری** سیاست خارجی گرنادا برپایه پیوند با "**مافیا**" وگروه‌های "مافیا" مانند و سرکوبگرترین حکومت‌های جهان استوار بود. در زمانیکه بیشترکشورها قصد قطع مناسبات خودرا بارژیم خونخوار **پینوشه** داشتند ، دولت **گیری** روابط خود را با شیلی ، بویژه در زمینه نظامی ، تقویت کرد. رژیم **گیری** ، همچنین مناسبات خود راباکره جنوبی وهائیتی گسترش داد. دیکتاتورسابق گرنادا چه بسا که ازسفرهای خود به خارج برای "تبلیغ" عقاید خرافی خود بهره می جست. وی بارها در "مجمع عمومی" سازمان ملل متحد درباره "**اشیاء پرنده ناشناس**" (!) داد سخن داد.

به گفته **موریس بی شاپ** : "**کشورما به سرعت بعنوان دلقک شماره یک درسراسرجهان معروف شد.**"

پس ازانقلاب ، گرنادا درگسترهٔ سیاست خارجی ، **مشی عدم تعهد ومبارزه پیگیر با امپریالیسم** راپیش گرفت. یکی ازنخستین گام‌های دولت **موریس بی شاپ** برقراری مناسبات دیپلماتیک باکوبا بود.

موریس بی شاپ درسخنرانی در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ (۱۳ مارس ۱۹۸۲) گفت :

"**هستند کسانی هم که همچنان می اندیشند ، که ایالات متحدهٔ آمریکا و عناصری معین درآن کشور حق آنرا دارند که کارائیب را حریم منافع خودوبخشی ازایالات متحده آمریکا به شمار آورند. اما ما به آنها می گوئیم: ازحق خود تجاوز نکنید! این منطقه ـ آمریکای لاتین و کارائیب ـ حق آنرا دارد ، که سرنوشت خویش رابدست خود گیرد و دوستان خویش راخود برگزینند.**

مناسبات بین المللی این منطقه باید برپنج اصل بنیادی استوار باشد :

۱ــ شناسایی "دریای کارائیب" بعنوان منطقه صلح ، منع حضوریکان‌های ویژه نظامی وانحلال پایگاه‌ها در کشورهائی که مردم باآنها مخالفند ، خاتمه دادن به "دکترین مونرو" ؛

۲ــ شناسائی حق تعیین سرنوشت همه خلق‌های منطقه بدست خود ، از جمله ۲۵ سرزمینی که هنوز زیر سلطهٔ استعماربسر میبرند ،

۳ــ شناسائی واقعی اصل تعدد ایدئولوژیک ؛

۴ــ پایان بخشی به تامین مالی و تشویق مزدوران وضدانقلابی‌ها ، پایان بخشی به سیاست کشتار ، انفراد وتجزیه، پایان بخشی به مسابقه تسلیحاتی ؛

۵ــ شناسایی حاکمیت ، برابرحقوقی وتمامیت ارضی کشورهای منطقه، شناسایی حق کشورهای دربند استثمار برای اتحاد وتشکل در راه آفرینش نظام جدید اقتصاد جهانی."

موریس بی شاپ درسخنرانی خود در کنگره دوم حزب کمونیست کوبا درباره سیاست خارجی گرنادا گفت :

"**ما ازاصول همزیستی مسالمت‌آمیز پیروی وازنگهداشت صلح جهانی وتنش زدایی پشتیبانی می کنیم. ما با استعمار ، نژادپرستی ، صهیونیسم و آپارتید می رزمیم وهمبستگی خود را باهمه خلق‌هایی که در راه حاکمیت ملی واستقلال مبارزه می کنند ، ابراز می‌داریم.**"

گرنادا دوسال پیش (۱۹۷۹) به "جنبش غیرمتعهدها" پیوست و با برخی ازاعضای این جنبش ، که می‌کوشند تا از موضع باصطلاح "عدم تعهد راستین" به هواداری از منافع کشورهای امپریالیستی بپردازند ، و "جنبش غیرمتعهد" هارا از متحدان واقعی آنها ، یعنی کشورهای سوسیالیستی بگسلند ، همواره به مبارزه برخاسته است. گرنادا در همان سال پیوستن به "جنبش غیرمتعهدها" به عضویت "دفتر هماهنگی" جنبش برگزیده شد.

کنفرانس وزیران خارجه "بازار مشترک کارائیب" ("کاریکوم") ــ که گرنادا نیز عضو آنست ــ در تابستان ۱۳۶۰ (ژوئیه ۱۹۸۱) درسنت جورجز برگزار شد ومخالفت خودرا با مداخلات آمریکا درامور داخلی گرنادا ابراز داشت. یادآور می شویم که ، دولت ایالات متحده آمریکا واگذاری اعتبار را به نهاد مالی "کاریکوم" مشروط به خودداری ازاعطای آن به گرنادا ساخته بود. چند ماه پیش ازآن دولت آمریکا ازکشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" خواسته بود که ، قرارداد دادن اعتبار برای ساختن فرودگاه بین المللی گرنادا را لغو کنند.

اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد ، که درزمستان سال ۱۳۵۹ (فوریه ۱۹۸۱) در دهلی برگزار شد ، کشورهای جهان را فراخواند که به مبارزه مردم گرنادا در راه حاکمیت ملی واستقلال فعالانه وپیگیرانه کمک رسانند. دراین چارچوب ، گرنادا از کمک‌های بیدریغ کوبای سوسیالیستی برخوردار می شود. میان گرنادا و کوبا مناسبات بسیار نزدیک پدید آمده است وکارشناسان کوبایی در گستره‌های گوناگون زندگی اقتصادی ـ اجتماعی ، ازجمله بهداری ، مخابرات ، کشاورزی وساختمان ـ به خلق برادر خود در گرنادا کمک می کنند.

دولت ایالات متحده آمریکا بیدرنگ پس از پیروزی انقلاب گرنادا دسیسه‌های براندازانه خودرا علیه این کشور آغاز کرد. دوماه پس از انقلاب اسفند ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۷۹) گروه عملیاتی میان وزارت خانه ای در "واشنگتن" برپاشد. "**سیا**" توطئه‌ای رابه نام "هرم" طرح ریخته است که محاصره دریایی ، تحریم اقتصادی ، قطع واگذاری اعتبار به گرنادا ازسوی بانکهای بین المللی و"جامعه اقتصادی اروپا" وپدیدآوردن یک کمربند امنیتی دورادور گرنادا را در برمی گیرد. تاکنون چهار توطئه آمریکا برای سرنگونی رژیم انقلابی گرنادا وقتل **موریس بی شاپ** نافرجام مانده است.

ایالات متحده آمریکا پیوسته به نقض حریم هوائی و دریایی گرنادا دست می‌زند ومزدوران خودرا ، برای خرابکاری به این کشور گسیل می دارد. هدف ازاین کارزار ارعاب آمیز نظامی ودیپلماتیک ، وادارساختن دولت بی‌شاپ به رهاکردن سیاست مستقل آنست.

درتابستان ۱۳۶۰ (اوت ۱۹۸۱) گرنادا در پیامی به کورت والدهایم ، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد خواهان "**اقدام فوری**" برای جلوگیری از تهاجم ایالات متحده امریکا علیه این کشور شد. این پیام فاش ساخت که تمرین‌های نظامی آمریکا زیر نام "اوشن ونچر ــ ۸۱" ، "**تدارک عملی**" مداخله مستقیم ایالات متحده امریکا در گرنادا بود. دولت گرنادا از سازمان ملل متحد خواست که به دولت ریگان رسما علیه این نمایش تجاوز علیه کشورهای کارائیب بطور اعم وگرنادا بطور اخص اعتراض کند.

چنانکه **یونی سون وایت من** ، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی **جنبش نیو ـ جیوئل**" و وزیرخارجه گرنادا ، اظهار داشته است.

"**ازآنجاکه حزب وخلق ماسمت گیری سوسیالیستی را برگزیده است ، امپریالیسم ، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا ، درصدد است که انقلاب مارادرهم شکند. دولت ریگان بر "جامعه اقتصادی اروپا" و "صندوق بین المللی پول" فشار وارد می آورد ، که ازواگذاری اعتبار به ما خودداری ورزند امپریالیسم به رژیم‌های وابسته به خود درمنطقه ما اسلحه می دهد و ، ازاین راه ، گرنادا راتهدید می کند.**"

چند ماه پیش (نوامبر ۱۹۸۱) وزارت دفاع آمریکا تشکیل ستاد فرماندهی جدیدی را برای نیروهای مسلح آمریکا در کارائیب اعلام داشت. این ستاد ازاختیارات گسترده‌ای برای تدارک حمله به کشورهای این منطقه ، به ویژه گرنادا ، برخوردار است. بر پایهٔ گزارشی ، این نیروها چندی پیش حمله به گرنادا را درجزیره ای در نزدیکی پورتوریکو (Vieques) تمرین کردند هواپیماهای جاسوسی تقریبا همه روزه برفراز گرنادا به پرواز درمی آیند.

باتوجه به این تهدیدات پی درپی

بقیه در صفحه ۱۳

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۶)

تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی

در ۱۳۴۶ (۱۹۶۷)



صهیونیست‌های اسرائیلی، روستاهای جنوب لبنان را دیوانه وار درهم می‌کوبند و روستائیان زحمتکش عرب را طعمهٔ مرگ و یا آواره می‌سازند.

در ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ (۵ ماه ژوئن ۱۹۶۷) اسرائیل، به پشتگرمی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، بطور همزمان، سه کشور عربی مصر، اردن و سوریه را مورد تجاوز قرار داد. نقشهٔ این تجاوز "برق آسا" از چندین سال پیش زیر نام "کبوتر" در ستاد جنگی صهیونیسم - امپریالیسم تنظیم شده بود. بر اثر این تجاوز پردامنه و فاجعه‌بار، آخرین سرزمین‌های فلسطین باستان، واقع در کرانهٔ باختری اردن، بیت‌المقدس خاوری، و باریکهٔ غزه، و همچنین شبه‌جزیره سینا، دهانه خلیج عقبه و قسمتی از خاک سوریه، واقع در شمال شرقی دریاچه طبریه، زیر پاشنه خون‌آلود اسرائیل قرار گرفت. دهها هزار فلسطینی فاجعه کوچ و تبعید را برای دومین بار تجربه کردند. در نتیجه جنگ ۱۹۶۷، شمار کوچندگان به ۵۰۰ هزار تن و بر رویهم به بیش از ۱/۵ میلیون تن رسید. (شمار تقریبا برابری، مهاجر یهود، از ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸، روز پایان یافتن سرپرستی بریتانیا، تا ۳۱ ماه دسامبر ۱۹۷۲ وارد اسرائیل شدند). اسرائیل بیدرنگ برای سرزمین‌های اشغالی استانداران نظامی گمارد. بدین‌سان گره‌گشائی مسئله فلسطین پا به مرحله نوین و بغرنج‌تری نهاد.

روز ۲۲ خرداد (۱۲ ماه ژوئن) **لوی اشکول**، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل باگستاخی در "کنشت" اعلام داشت که اسرائیل به "نواحی مرزی یک هفته پیش" بازنخواهد گشت.

بدنبال این تجاوز اشغالگرانهٔ اسرائیل به کشورهای عربی، بانگ پر خروش اعتراض کشورها و خلقهای مترقی و انقلابی، کلیه نیروها و سازمان های هوادار صلح، آزادی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان، و بویژه در کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آنها اتحاد شوروی برخاست. روز ۲۰ خرداد ماه (۱۰ ژوئن) اتحاد شوروی و بسیاری از دیگر کشورهای سوسیالیستی کلیه مناسبات سیاسی خویش را با اسرائیل قطع کردند. در آن روزهای بحرانی، باردیگر صدای دولت اتحاد شوروی به پشتیبانی از خلق‌های عرب و از همه زحمتکشان عرب و یهود، و در افشای بی‌امان صهیونیسم و امپریالیسم از پشت تریبون سازمان ملل متحد شنیده شد. **الکسی کاسیگین**، نخست‌وزیر وقت اتحاد شوروی، در روز ۲۹ خرداد ماه ۱۳۴۶ (۱۹ ژوئن ۱۹۶۷) در همایش فوق العاده "مجمع عمومی سازمان ملل متحد"، ضمن ارائه پیش‌نویس یک قطعنامه ۴ ماده‌ای به "مجمع عمومی" مبنی بر خروج بدون قید و شرط اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شدهٔ اعراب، طی سخنرانی پرشوری، امپریالیسم آمریکا را به پشتیبانی از اسرائیل تجاوزکار متهم ساخت. کاسیگین در سخنرانی خود از جمله گفت:

"**هر روز گزارش های تازه‌ای از فجایع مهاجمان اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی بگوش می‌رسد. آنچه در شبه‌جزیره سینا و نوار غزه و بخش غربی اردن و مناطق اشغالی اسرائیل در سوریه می‌گذرد، یادآور جنایات هولناکی است که فاشیست‌ها طی جنگ جهانی دوم مرتکب شدند**".

پس از سخنرانی کاسیگین، **آرتور گلدبرگ**، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، بر سکوی خطابه ایستاد. وی از اینکه دولت شوروی، آمریکا را به عنوان پشتیبان و دلگرمی بخش اسرائیل تجاوزگر آماج حمله قرار داده است، "ابراز تاسف" کرد و گفت:

". . . آمریکا پیشنهاد شوروی را مبنی بر اینکه اسرائیل بعنوان تجاوزگر محکوم گردد و نیروهای آن از سرزمین‌های عربی خارج شوند، رد می‌کند"!

حزب کمونیست اسرائیل نیز در همان روز آغاز تجاوز (۵ ژوئن ۱۹۶۷) به اعتراض توفنده در برابر حکومت "لوی اشکول" و دفاع از منافع زحمتکشان یهود و عرب برخاست. "**مایرویلنر**"، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، در جلسه "کنشت" گفت:

"**حکومت اشکول . . . امروز جنگی را علیه جمهوری متحده عرب آغاز کرد . . . (که) جز بریتانیا و آمریکا، که می‌خواهند به این وسیله امتیازات نفتی و پایگاه‌های نظامی خود را به بهای خون پسران و دختران ما حفظ کنند، کسی در این جنگ ذینفع نیست**".

"**توبی**" نماینده دیگر حزب کمونیست، گفت:

"**این جنگ یک تجاوز آشکار است**".

و هنگامیکه صهیونیست ها خواستند با براه انداختن هو و جنجال، دشنام و افترا، او را از سخن گفتن باز دارند، "توبی" گفت:

"**شما نخواهید توانست صدای حزب کمونیست‌های یهود و عرب را خاموش کنید. چون این صدای صلح است و از فریادهای شما نیرومندتر است . . .**"

آنگاه "**ویلنر**"، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، در پاسخ به افتراهای نمایندگان صهیونیسم - امپریالیسم در دستیازی به حربه زنگار بسته "خطر شوروی" و "مترسک کمونیسم" از موضع عمیقا انترناسیونالیستی گفت:

"**اتحاد شوروی هواخواه صلح است. مردم اسرائیل بازهم به کمک اتحاد شوروی نیاز خواهند داشت، تا ایشان را از مصیبتی که شما موجبش بوده‌اید، برهاند**".

در ۲۶ ماه ژوئن "**مایرویلنر**"، در ارتباط با جنگ تجاوزکارانه صهیونیستی علیه اعراب، خطاب به دولت اسرائیل اعلام داشت:

"امروز هم موضع ما همانست که در (تجاوز) ۱۹۵۶ بود".

وی افزود:

"شما ملت را دچار فاجعه خواهید کرد . . . ما می‌خواهیم مردم را از این ماجراجوئی‌های شما نجات دهیم. ما برای اسرائیل صلح و امنیت می‌خواهیم، نه ماجراهای نظامی به اشارهٔ آمریکا و بریتانیا".

دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل تاکید می‌ورزید که:

"سیاست ما، سیاست رستگاری ملی است، که تنها راه حل دشواریهای بنیادی را، که ملت اسرائیل با آنها روبرو است، ادامه می‌دهد، حزب ما خواهان تشکیل جبههٔ واحدی است که **کلیهٔ اسرائیلی‌های صلح‌خواه را، صرفنظر از هر عقیده و مسلکی که داشته باشند، در بر گیرد و در تخلیهٔ سرزمین‌های اشغالی از طریق مسالمت‌آمیز مسئله بر اساس نکات زیرین، اصرار می‌ورزد**:

۱- عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل از همه سرزمین‌های جمهوری متحده عرب، اردن و سوریه، بعنوان نخستین اقدام لازم برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله، بر پایه احترام به حقوق طرفین، از آن جمله تصدیق موجودیت اسرائیل؛

۲- شناختن حقوق ملی اعراب فلسطینی، خاصه حقوق آوارگان عرب، بر طبق قطعنامه سازمان ملل متحد".

حزب کمونیست اسرائیل تاکید کرد که:

"**ما (کمونیستها)، با امپریالیسم علیه خلقهای عرب در یک جبهه قرار نداریم، بلکه به اتفاق خلقهای عرب علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنیم**".

سرانجام، روز ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامهٔ مشهور شماره ۲۴۲ را با هدف "بازگرداندن ثبات و امنیت و برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه" از تصویب گذراند. محتوای اساسی این قطعنامه بر عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از سرزمین‌های اشغالی تاکید داشت. ولی اسرائیل آنرا نپذیرفت. این قطعنامه، در آن دوران تاریخی، بخاطر آنکه خواستار خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی اعراب بود، از حمایت نیروهای مترقی و صلحدوست برخوردار شد. با این وجود، این قطعنامه گره‌گشای "مسئلهٔ فلسطین"، اساسی‌ترین حلقهٔ بحران خاور میانه نبود و بدنبال تحولات و دگرگونی‌های سالهای بعد، بویژه رشد کیفی جنبش پایداری فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، و جمع‌بندی خواستهای برحق و قانونی خلق فلسطین و تدوین برنامه مبارزه، این قطعنامه دیگر از هرگونه محتوای مترقی تهی گردید، زیرا این قطعنامه بیانگر حقوق قانونی خلق فلسطین، از جمله برسمیت شناختن سازمان آزادیبخش خلق فلسطین بعنوان یگانه نماینده راستین و قانونی خلق فلسطین، حق بازگشت آوارگان، حق تعیین سرنوشت و برپائی یک دولت مستقل فلسطینی نبوده و نیست. و طبیعی است که این قطعنامه دیگر نه تنها از پشتیبانی نیروهای مترقی و صلحدوست برخوردار نیست، بلکه اینک به دستاویز امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است. بی‌سبب نیست که هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا، در سفر ماه آوریل ۱۹۸۱ خود به خاورمیانه پایهٔ گفتگو با سازمان آزادیبخش فلسطین را "قطعنامه ۲۴۲" قرار داد و گفت:

"**مادام که سازمان آزادیبخش فلسطین اسرائیل را برسمیت نشناخته و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد را نپذیرد، هیچگونه گفتگوئی با سازمان مزبور صورت نخواهد گرفت**". (اطلاعات ۶۰/۴/۱)

سال آینده

سال عمل است

نوروز در راه است. کوله‌بار عمو نوروز، امسال، باید پر باشد. سال نو باید سال محرومان، عید زحمتکشان و بشارت روزهای نو باشد. اگر پایان سال جاری، آغاز تدوین قوانین انقلابی به نفع توده‌های میلیونی جامعه ما بود، آغاز سال آینده باید گاه شروع اقدامات انقلابی به سود کارگران، کشاورزان، زحمتکشان و این "پائین شهری" ها باشد.

سال جاری یکی از با اهمیت ترین دوران‌های انقلاب شکوهمند مردم ایران بود. این سال عرصهٔ یکی از حیاتی‌ترین مبارزات خلق‌های ایران زمین با دشمنان انقلاب، بسرکردگی آمریکا، بود: سال شکست باندبنی صدر خائن و سرکوب یکی از خطرناکترین توطئه‌های "جبههٔ متحد ضدانقلاب". اما این زمینه هنوز گشوده است. تا انقلاب ما بپاست و امپریالیسم جهانی برجا، نبرد انقلاب و ضدانقلاب بی‌وقفه خواهد بود.

هیچکس تردید ندارد که سال آینده هم دشمنان انقلاب بیکار نخواهند نشست. جبههٔ جهانی و داخلی ضدانقلاب کوشش خود را برای مسخ و شکست انقلاب ادامه خواهد داد:

"**. . . مراکز قدرتی وجود دارد که به نفع پولدارها همیشه حرکت می‌کنند. هستند در این کشور جاهای بسیار محترمی که از اول انقلاب تا به حال هر وقت به ما مراجعه کرده‌اند، شکایت کرده‌اند که چرا مال فلان کس گرفته شد . . . و از این شکایت‌ها. و هنوز هم نشده یکبار بگویند چرا آن روستا را برق نکشیدید، چرا به سراغ آن محرومان نرفته‌اید . . . مراکزی در این کشور وجود دارد که متاسفانه یک طرفه قضاوت می‌کنند و آن رنج و محنتی که اکثریت جامعه ما احساس می‌کنند، آنها احساس نمی‌کنند. چریدن بچهٔ بلوچ برای آنها مهم نیست. راه نداشتن مردم بشاگرد برای آنها مهم نیست. و اصلا بشاگرد را نشنیده‌اند، ولی کارخانه‌دار سیستانی که به خانهٔ آنها راه پیدا می‌کند و شکایت می‌کند، شکایت او را به بنده و امثال بنده منعکس می‌کنند . . .**" (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی - از خطبه‌های نماز جمعه، ۲۳ بهمن ۶۰)

آری! هدف دشمن این است که بچه بلوچ باز هم علف بچرد و خان ها کنار گوشش پول پارو کنند. هدف این است که محتوای نظام شاهنشاهی دست نخورده باقی بماند.

این توطئه به دیگر توطئه‌های دشمن، از جنگ تحمیلی گرفته تا گرانی و . . . گره می‌خورد و هدف اصلی را نشانه می‌گیرد: مایوس کردن مردم و خارج کردن آنها از صحنه و:

"**آن روزی که جامعهٔ ما مایوس شد، دشمن از اطراف حاضر است تا بر سر ما بریزد و اگر آنها نریزند، داخل مانند گذشته خواهد شد. رژیم پهلوی از داخل منفجر شد . . .**" (از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی - ۱۳ بهمن ۶۰ - کیهان)

آری، نقشهٔ اصلی دشمن غیر از این نیست. اگر مردم مثل امروز در صحنه حاضر باشند، امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. این ارزیابی کاملا درست است که:

"**. . . اگر تلاش نکنیم و یک مقدار تبعیض‌ها را رفع نکنیم و این کانال وسیعی را که بین قشر مرفه و قشر محروم هست، پر نکنیم . . . دیگر این علامت سئوال‌هائی است که نمی‌شود جواب داد. خود جامعه را مایوس می‌کنند . . .**" (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی - همانجا)

برای درهم شکستن این نقشه شوم است که:

"**امام نیز به این مطلب قویا اهتمام دارند و ما اگر بخواهیم در برابر توطئه‌های داخلی و خارجی مقاومت خود را بالا ببریم، ناگزیر باید ضمن نگه‌داشتن اکثریت مردم در صحنه، آنها را همچنان معتقد و مومن و وفادار به انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب درصورتی است که مردم از انقلاب یک چیزی ببینند**". (رئیس جمهور خامنه‌ای - اطلاعات - ۲۷ دی ۱۳۶۰)

وقت عمل است

انقلاب ما برای رسیدن به این تجربه: "**. . . تا مسئله تقسیم عادلانه برادرانه امکانات زندگی و کار بر همهٔ مردم حل نشود، سایر مسائل انقلاب ما حل شدنی نیست . . .**" (از سخنان شهید دکتر بهشتی - ۱۶ اسفند ۶۰ - جمهوری اسلامی) راه دراز سه ساله‌ای را پیمود. سه سال طول کشید تا انقلاب ما، با گوشت و خون خود لمس کرد که: "**. . . شعار بیش از اندازه زدگی می‌آورد و از خاصیت آن در درازمدت کاسته می‌شود . . .**" (از سخنان آیت‌الله‌العظمی منتظری - ۱۲ بهمن ۶۰ - کیهان) و "**. . . تنها شعار وقتی مفید است که به دنبالش کار، تلاش و فعالیت باشد . . .**" (از سخنان آیت‌الله‌العظمی منتظری - ۱۵ بهمن ۶۰ - اطلاعات)

پس باید آستین‌ها را بالا زد و دست به کار شد. آری، به دنبال تصویب کلیات لایحه قانونی اصلاحات ارضی، در مجلس شورای اسلامی بحث بر سر رفع کمبودها و جنبه‌های منفی لایحه و تصویب یک قانون کاملا انقلابی بسود دهقانان، باید در اسرع وقت صورت گیرد و هر چه زودتر کار انقلابی هیئت‌های ۷ نفری واگذاری زمین آغاز گردد.

در سالی که می‌آید، همه می‌دانند که: "**. . . ملی کردن بازرگانی خارجی موجب قطع ایادی واسطه‌های تجاوزگر خواهد شد . . .**" (از سخنان منتخب‌نیا نماینده مجلس - جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - ۲۷ بهمن ۶۰) و می‌دانند که: "**. . . مسئله مسکن از مهم‌ترین مسائل جامعه انقلابی است که هر چه زودتر باید حل شود . . .**" (ناطق نوری نماینده مجلس - ۱۲ بهمن ۶۰ - جمهوری اسلامی)

از همین رو روشن است که سال آینده باید با "**. . . تروریسم اقتصادی وارد جنگ . . . شد . . .**" (از سخنان وزیر کشور - ۲۷ بهمن ۶۰ - اطلاعات) و به راستی دیگر نمی‌شود:

"**. . . یک خانم پیرزاد عجوزه‌ای یک پالتوی پوستی به اندازه قیمت یک خانه (بپوشد) و یک خانواده ده، پانزده نفری . . . یک یا دو اتاق اجاره‌ای هم به زحمت پیدا کنند. این نمی‌شود . . . فقط گرگ می‌تواند از این وضع لذت برد. یک عده اشراف منش از همه مواهب مسرفانه استفاده کنند و احتکار کنند و یک عده فقیر و بی‌نوا با فقر تحمیلی . . . حتی (از) خواب دیدن محروم باشند، چون خواب دیدن یک سابقه ذهنی بیداری لازم دارد . . این نمی‌شود . . .**" (از همان خطبه‌های نماز جمعه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی)

آری، "**فقط گرگ می‌تواند از این وضع لذت برد**" و روا نیست که با گرگ ها نستیزیم. چه "**. . . اگر ما در این دور نتوانیم بطور بنیادی این کشور سلطنت زده را با آرمان‌های امام و امت مسلمان، منقلب و منطبق سازیم، فردا نه تنها در پیشگاه خدا مسئولیم، بلکه مردم به پاخاسته ایران از من و شما به اصطلاح حزب‌اللهی رمیده و مایوس خواهند شد و این بزرگترین خطر است . . .**" (از سخنان رسول منتخب‌نیا نماینده مجلس - جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - ۲۷ بهمن ۶۰)

واگر درست است که: "**. . . این جمهوری با حرف جا نمی‌افتد، عمل می‌خواهد . . .**" (از سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با ائمه جمعه تهران - ۱۵ بهمن ۶۰ - اطلاعات) پس باید تا دیر نشده، عمل کنیم، یعنی:

"**. . . دست این مستکبرین را بگیریم و آن قدر فشار دهیم و مشت بر سرشان بزنیم تا که تسلیم حق شوند . . .**" (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی - از خطبه‌های نماز جمعه ۳۰ بهمن ۶۰)

سال آینده، سال عمل است.

کارنامهٔ سه ماههٔ تروریست‌های اقتصادی:

احتکار: از صابون تا قطعات تانک...

"گرانی و احتکار، تلخی‌اش به ذائقهٔ مستضعفین و عامهٔ مردم محروم است"
(امام خمینی - ۵ بهمن ۱۳۶۰)

یک نمونه از احتکار: ۹ میلیون قالب صابون، ۳۰ هزار یخچال، ۵۰ هزار کولر، ۳۰ هزار تلویزیون، ۷ هزار ماشین لباسشویی و دیگر مواد مورد نیاز مردم از محتکران کشف شده است.



"احتکار"، که ازعوارض نظام سرمایه‌داری است، اکنون به‌حربه‌ای کارا دردست **"تروریست‌های اقتصادی"** تبدیل شده است، تا باآن گلوی انقلاب را بفشارند، مردم را ناراضی کنند و زمینه را برای اجرای توطئهٔ ارباب– امپریالیسم آمریکا– فراهم سازند.

درشرایط عادی جامعه‌سرمایه‌داری سرمایه‌داران از احتکار کالاها هدف مشخصی را دنبال می‌کنند: به‌جیب زدن سودهای کلان. اما در ایران پس از انقلاب، سرمایه‌داران بزرگ و تجار آزمند از احتکار کالاهای مصرفی مردم، علاوه برغارت، هدف دیگری راهم دنبال می‌کنند: ایجادنارضایی درمیان مردم، ضربه زدن به‌اقتصاد کشور، تضعیف حاکمیت انقلابی، و درنتیجه همهٔ این‌هازمینه‌سازی برای اجرای توطئهٔ براندازی.

سرمایه‌داران بزرگ با دردست داشتن ذخایر کالایی کشور و تسلط بربازار مصرف می‌توانند با احتکار کالا کمبود مصنوعی ایجاد کنند، و کمبود ناگزیر گرانی می‌آورد. همین سرمایه‌داران بزرگ هستند که کالاهای مورد مصرف روزانهٔ مردم، مثل گوشت، ماهی، تخم‌مرغ و... را می‌گندانند و یا به بیابانها می‌ریزند. همین‌ها هستند که دادستان ارتش جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الاسلام **ری‌شهری**، از آنان به عنوان **"تعدادی از بازاریان"، که درتوطئه‌های گروه ضدانقلابی "پارس" دست‌داشتند**، نام می‌برد و رئیس مجلس شورای اسلامی آنها را بدرستی **تروریست اقتصادی**" نامیده است.

اخباری که همه روزه دربارهٔ کشف کالاهای احتکار یا نابودشده درجراید به چاپ می‌رسد، با این که فقط گوشهٔ کوچکی از جنایت "تروریست‌های اقتصادی" است، بازهم نشان‌دهندهٔ عمق توطئهٔ سرمایه‌داران بزرگ علیه انقلاب است:

در دوماه آذر و دی ۱۳۶۰، خبر ۴۵ مورد کشف کالاهای احتکار شده درمطبوعات جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است. تنها در دوماه آذر ودی ۶۰، توسط پاسداران و ماموران ژاندارمری و شهربانی، بیست وپنج هزاروپانصد و هجده کیلوگرم از انواع ماهی احتکار شده کشف شده است. درماه آذر ۱۷ مورد و درماه دی ۱۲ مورد کشف انبارهای کالاهای احتکارشده در مطبوعات به چاپ رسید.

۹ میلیون قالب صابون، ۳۰ هزار یخچال، ۵۰ هزار کولر، ۳۰ هزار تلویزیون، ۷ هزار ماشین لباسشویی و...

روزنامهٔ "اطلاعات" روز اول آذر ۶۰ خبرداد که ۴۵۰۰ کیلوگرم ماهی توسط ماموران پاسگاه ژاندارمری لوشان کشف شده است. درهمین شماره خبرکشف ۵۸ دستگاه ویدئو، ۲۱۲ تخته قالیچه و ۳۸۶۲ طاقه پارچه نیز چاپ شده بود. حاکم‌شرع و دادستان دادسرای انقلاب اسلامی ویژهٔ امورصنفی تهران درمصاحبه‌ای با روزنامهٔ کیهان، به تاریخ ۴ آذر ۶۰، اعلام کرد:

"حدود ۹ میلیون قالب صابون، ۳۰ هزاریخچال، ۵۰هزار کولر، ۳۰ هزار تلویزیون، ۷ هزار ماشین لباس شویی و دیگرمواد مورد نیازمردم "از محتکران کشف شده است.

روزنامهٔ اطلاعات درتاریخ ۷ آذر ۶۰ خبر از کشف ۸ تن تخم‌مرغ احتکار شده در بوشهر و ۵تن مرغ کشته ازیک محتکر درخیابان ظفر را به چاپ رساند.

دراطلاعات روز ۸ آذر ۶۰، خبر کشف ۸۷۷۲ کیلوگرم ماهی در اهواز و بندرانزلی منتشرشد. روز ۱۲ آذر ۶۰ اطلاعات خبرداد: "بیش از هزار کیلوماهی قاچاق از لوشان کشف شد" همین روزنامه روز ۱۲ آذر ۶۰ چنین نوشت: "۵۴ هزارکیلوبرنج، ۱۵۰۰ لیتر روغن موتور، ۵ بشکه بنزین، ۶ بشکه نفت، ۲۸۰ پاکت سیمان توسط پاسداران پل سفید کشف شد". دو روز بعد خبرکشف ۳۲ یخچال احتکارشده در روانسر منتشرشد. (اطلاعات، ۶۰/۹/۱۴)

درهمین روز اعلام شد که یک کامیون گوشت گوسفند (۱۳۶ لاشه) از دومحتکر و ۲۰۰ تن مرغ احتکار شده، کشف شده است. (اطلاعات، ۶۰/۹/۱۴) روز ۱۷ آذر ۶۰ اطلاعات خبرداد که ۱۱۷ هزارکیلوبرنج در بابل طی دوماه کشف شده است. روز بعد اطلاعات خبرداد که ۲۶۸۰ کیلوماهی درمحمودآباد و ۱۲۱۲ کارتن ۴۲ عددی روغن تکمیل کننده از یک انبار درشهر ری کشف شده است. روز ۲۸ آذر ۶۰ اطلاعات‌این خبر را اعلام کرد: "۳۸۰ کیلوماهی قاچاق ازسوی ژاندارمری گیلان کشف شده است". روز ۲۹ آذر ۶۰ روزنامه اطلاعات خبرداد که: "مقادیری آهن لوازم یدکی موتور، ۱۶ تن پیاز، مقدار قابل ملاحظه‌ای لامپ، انواع کاغذ پلی‌کپی، کاغذ چاپی، مقدار زیادی چینی آلات، ضدیخ، لاستیک یخ شکن، چرم‌خارجی، برنج ایرانی، الکتروجوش، بیل شخم زنی مخصوص تراکتور، دینام‌ماشین‌های لباسشویی، توری زنبوری و لباس، توسط ستاد مبارزه با گرانفروشی واحتکار شهر ری کشف شده است. و ۳۰ آذر ۶۰ خبر کشف ۳۷۳ کیلوماهی توسط ماموران ژاندارمری قزوین – رشت در "اطلاعات" منتشرشد.

درماه دی ۱۳۶۰ خبر ۱۲ مورد کشف کالاهای احتکارشده‌درمطبوعات انعکاس یافت. روزنامهٔ جمهوری اسلامی درشمارهٔ ۵ دی ۶۰ خود نوشت: "۱۷۰۰ کیلوگرم انواع ماهی کشف شد." "کیهان" در شمارهٔ ۸ دی ۶۰ خود از کشف "صدها قالب کره که توسط عوامل احتکارگر و خود ضدانقلاب درکنار اتوبان بهشت زهرا ریخته شده بود"، خبرداد. اطلاعات درتاریخ ۸ دی ۶۰ نوشت: "۱۸۹ طاقه پارچه خارجی، ۱۲ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید توسط ژاندارمری زاهدان" کشف شد. همین روزنامه درشمارهٔ ۹ دی ۶۰ خود از کشف ۶ تن مرغ زنده‌احتکار شده توسط ماموران مبارزه با گران فروشی منطقهٔ ۵ تهران خبرداد. روز ۱۴ دی ۶۰ اطلاعات خبرداد که ۵۵۸۳ کیلو انواع ماهی قاچاق کشف شد. "جمهوری اسلامی" در ۱۳ دی ۶۰ خبرداد: "با تلاش و کوشش برادران ستاد منطقهٔ ۵ مبارزه با گرانفروشی بیش از ۵۰ تن آهن احتکارشده کشف شد". "کیهان" در ۱۴ دی ۶۰ خبرداد که ۱۵ تن پیاز و ۱۱ تن پرتقال‌احتکارشده در شمیران کشف شد. روزنامهٔ اطلاعات نیزدرهمین روز اطلاع داد که: "طی دو روز گذشته ۵۰۰ تن انواع ماهی قاچاق کشف شد". ۱۶ دی ۶۰ جمهوری اسلامی نوشت: "۳۷۰ کیلوماهی قاچاق در رشت کشف شد." و در ۲۱ دی ۶۰ اطلاعات خبرداد که ۶۰۰ لیتر روغن موتور اتومبیل توسط ماموران کلانتری ۲۰ کشف شد. اطلاعات روز ۳۰ دی ۶۰ کشف ۱۹۰ کیلوماهی قاچاق در رشت را خبر داد و درهمین روز کیهان نوشت: "قطعات یدکی تانک و خودرو ارتش دریک گاوداری کشف شد."!

دربهمن ۶۰ وضع از این‌هم بدتر بود. دراین ماه خبر ۱۶ موردکشف کالاهای احتکارشده درمطبوعات به چاپ رسید. موارد این‌کشفیات عبارتنداز: کشف ۱۲ تن پیازاحتکار شده (اطلاعات ۶۰/۱۱/۸) کشف ۴۰۰ باکس سیگار، ۱۲۴۸ عددباطری قلمی، ۹۱۲ باطری متوسط، ۴۸۰ عدد باطری بزرگ، ۱۴ کارتن حشره کش راید، ۱۳ کارتن روغن مازولا و ۳۷ کارتن شامپو از منزل یک ساواکی (اطلاعات ۶۰/۱۱/۸) کشف ۷۵ تخته فرش ماشینی (کیهان ۶۰/۱۱/۱۲) کشف ۱۲ تن گندم احتکارشده (اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۲) کشف ۲۴۸ کرسی برقی احتکارشده (اطلاعات ۶۰/۱۱/۱۴) کشف ۲ هزارحلقه فیلم احتکارشده (اطلاعات، ۶۰/۱۱/۱۲) کشف ۱۲ هزارکیلو پنیر، ۱۴۳ تن آهن و ۱۴ هزارکلید و پریز احتکار شده (اطلاعات، ۶۰/۱۱/۲۴) کشف ۳ تن چای خارجی (اطلاعات، ۶۰/۱۱/۲۵) کشف ۵ تن چای خارجی (اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۸) کشف ۶۰۰ گونی آرد احتکارشده (اطلاعات ۶۰/۱۱/۲۸).

باید احتکار را ریشه‌کن کرد

ملاحظه می‌کنید که آنچه طی سه ماه توسط نهادهای انقلابی وماموران انتظامی کشف شده، نه‌تنها سرسام‌آور و گیج کننده است، بلکه عمیقاً نگرانی آوراست. تازه این ارقام تنهاگوشه‌ای از جنایات و خیانت‌های سرمایه‌داران بزرگ ایران – اینان که به درستی لقب "تروریستهای‌اقتصادی" گرفته‌اند– رانشان می‌دهد. اینک برهمگان چون روز روشن است که باید هرچه سریعتر و جدی تر به جنگ "تروریست‌های اقتصادی" رفت و بادرهم‌شکستن آنها، "احتکار" را، که بطورمستقیم زحمتکشان وتمام اقتصادکشورراهدف قرارداده است، از میان برداشت.

چگونه باید به جنگ تروریست‌های اقتصادی و احتکار رفت؟ این سئوالی است که "برسر هرکوی وبرزنی" هست روزنامهٔ اطلاعات درسرمقالهٔ خود، که درتاریخ ۳ آذر ۶۰ انتشار یافت، بدرستی یادآورشده است که:

"هراحتکار و بخصوص احتکار مایحتاج ضروری وبخصوص درشرایط خاص کنونی یک قتل است و گاه یک قتل عام گرسنگی، بیکاری، گرانی، تورم، عدم‌دسترسی به مایحتاج و محرومیت از آنچه برای یک انسان ضروری است، نوعی مرگ تدریجی و قتل پنهان و ترور بی‌سروصداست".

دادستان امورصنفی آقای‌صدوقی درمصاحبه‌ای با "اطلاعات" دراین مورد خاطرنشان ساخت که:

"با محتکران و کسانی که قصد تخریب اقتصاد کشور را دارند، باید با توجه به شرایط جنگی کشورقاطعانه برخورد کرد و درصورت اثبات نیات پلیدشان آنها را به مجازات مرگ محکوم کرد." (اطلاعات ۶۰/۹/۴)

از این گذشته، رهبرانقلاب و بنیانگزارجمهوری اسلامی ایران و همهٔ مسئولان درجهٔ اول جمهوری اسلامی ایران لزوم مبارزهٔ حدی با احتکار را بارها و بارها یادآور شده‌اند. بدین ترتیب لزوم مبارزه با احتکار برهمگان روشن است. آنچه می‌ماند طریقهٔ مبارزه با آن است.

روشن است که تنها کشف انبارهای محتکران، که لازم ودرست است، و مجازات محتکران، که آنهم لازم و درست است، کافی نیست. باید ریشهٔ احتکار را قطع کرد.

"اطلاعات" دراین زمینه‌میگوید:

"نیروهای مردمی بهترین نیرو و موثرترین عامل برای کشف خانه‌های تیمی احتکار و اختفا و سرمایه‌داران ضدانقلابیند." (اطلاعات، ۶۰/۹/۷).

آقای **صانعی پور**، دبیرستاد بسیج اقتصادی دراین موردخاطر نشان ساخته است که:

"به عقیدهٔ ما تنها چارهٔ این مشکلات ایجاد یک شبکهٔ تهیه و توزیع درقالب تعاونی است که بین مراکز تولید و واحدهای فروش قرار گیرد". (اطلاعات ۶۰/۹/۱۷)

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی امام‌جمعهٔ موقت تهران و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز درمورد احتکار، لزوم مبارزه با آن وطریقه مبارزه با آن درمصاحبه‌ای با روزنامهٔ اطلاعات گفت:

"آنرا (احتکار را) باید مبارزه‌کنیم مطمئن هستیم که همهٔ این گرانی‌ها طبیعی نیست. این رابایدنیرومصرف کنیم وجلویش را بگیریم. با اجرای تجارت خارجی دولتی بسیاری از مشکلات حل می‌شود. اگرتعاونی‌ها درهمه‌جا وجود داشته باشند واجناس را به قیمت روز(به قیمت‌عادلانه) دراختیار مردم بگذارند، این احتکار ها دیگر اثرخود را ازدست خواهد داد". (۳ بهمن ۱۳۶۰)

بدینسان روشن است که احتکار و گرانی وگرانفروشی عوارض‌آزاد بودن فعالیت‌کلان سرمایه‌داران وسلطهٔ قوانین سرمایه‌داری بر بازار است. لذا باید با تدوین قوانین انقلابی– براساس قانون اساسی– از ریشه به حل مشکل پرداخت. **دولتی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد و گسترش شبکهٔ دولتی وتعاونی توزیع کالاهای ضرور**، تنها راه حل ریشه‌ای مسئلهٔ احتکار، گرانی و گرانفروشی است. **تروریست های اقتصادی**" را، که دستیاران توطئه‌گران آمریکایی‌برضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند، فقط‌از این راه می‌توان درهم‌شکست.

بمناسبت سالگرد
پایه‌گذاری "جامعهٔ عرب"
(۲ فروردین - ۲۲ مارس)

"جامعهٔ عرب" را بشناسیم

۲ فروردین (۲۲مارس) سالروز تشکیل "جامعه‌عرب" است. این‌سازمان، که‌امروز ۲۱ کشورعربی‌و "سازمان‌آزادی بخش‌فلسطین" را در برمیگیرد، سال ۱۹۴۵ در قاهره تاسیس شد.

اولین کنفرانس این سازمان در قاهره وبا شرکت کشورهای مصر، عراق، اردن، لبنان، عربستان‌سعودی وسوریه تشکیل شد. کشورهای‌لیبی، سودان، تونس، مراکش، کویت، الجزایر، جمهوری‌دمکراتیک خلق یمن، بحرین، قطر و... به‌تدریج تاسال ۱۹۷۴ به "جامعه‌عرب"پیوستند. "سازمان‌آزادی بخش فلسطین" نیز در سال ۱۹۶۷ به‌عضویت‌این‌سازمان درآمد.

بالاترین ارگان "جامعه عرب" "شورا"است، که ازنمایندگان همهٔ‌کشور های عضو وهرکدام با یک رای تشکیل میشود. "شورا" هرشش‌ماه‌یکبار، درمارس وسپتامبر، نشست‌دارد. تصمیماتی‌که‌در این‌ارگان‌به‌اتفاق‌آراء‌گرفته‌میشود، برای کشورهای‌عضوالزامی‌است، واجرای تصمیماتی‌که‌بااکثریت‌آراء‌اتخاذگردند، تنها‌برای کشورهائی‌که‌آنرا‌امضاء‌کرده‌اند، اجباری‌خواهدبود.

هدف "جامعه‌عرب" بطورعمده "تامین‌نزدیکی کشورهای مستقل‌عربی به‌منظوردستیابی به‌استقلال ونیکبختی مشترک‌است"، که درمنشور این "جامعه" خاطرنشان‌شده‌است.

"جامعه‌عرب" درفاصله میان دو نشست "شورا" بوسیله "کمیته‌دائمی" اداره‌میشود. لازم به تذکراست که "جامعه عرب" دارای ۱۰کمیته دائم است، که در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، قانونی، اطلاعات، بهداشت، ارتباطات و حقوق بشرفعالیت‌میکنند. این کمیته‌ها دارای یک‌دبیرخانه‌دائمی‌هستند، که‌ریاست‌آن با دبیرکل "جامعه‌عرب" است. دبیر کل ازسوی "شورا" برای مدت‌پنج سال انتخاب‌میشود ودارای شش‌معاون‌وچند دستیار در امور نظامی‌واقتصادی‌است.

"جامعه‌عرب" همچنین‌ازطریق "شورای‌اقتصادی"، "شورای‌بازارمشترک اعراب" وسازمان‌ها ودفاتر گوناگون به حل‌وفصل مسائل‌جاری می‌پردازد.

"جامعه‌عرب" در کارها وموضع‌گیری‌های خود در راستای تصمیمات متخذه ازسوی گردهمائی‌های سران‌کشور های‌عربی‌گام برمیدارد. روشن‌است که کشورهای‌عضو "جامعه‌عرب" دارای‌نظام های‌گوناگون‌سیاسی-اقتصادی-اجتماعی‌هستند ولذاترکیب "جامعه‌عرب" ناهمگون‌است وتصمیمات‌متخذه وابسته به‌تناسب‌نیروها‌ست.

پیوسته به‌پیش...

ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا وعوامل ارتجاعی آن‌در منطقه‌بودکه، چندی پیش نخستین "کنفرانس‌بین‌المللی هم‌بستگی با گرنادا" در پایتخت این‌کشور برگزار شد. در این کنفرانس‌نمایندگان کشورهای سوسیالیستی، بسیاری ازکشورهای‌غیر متعهد و "شورای‌جهانی‌صلح" و دیگر سازمان‌های بین‌المللی‌شرکت وتجاوز امپریالیسم آمریکا راعلیه رژیم مترقی گرنادا محکوم کردند.

ورزش در هفتهٔ گذشته

رئیس جمهور:

به جوانها باید برای ورزش میدان داد

هفتهٔ‌گذشته، سخنان امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری‌اسلامی‌ایران‌وحجت‌الاسلام سیدعلی‌خامنه‌ای رئیس‌جمهور درباره ورزش، درراس‌مسائل‌ورزشی قرارداشت.

امام‌خمینی در دیدار با اعضای تیم‌های‌فوتبال‌منتخب‌تهران، برندهٔ "جام قائد اعظم پاکستان" وتیم‌های برنده "جام‌وحدت" و "۲۲بهمن"، گفتند:

"من‌خودم‌ورزشکار نیستم، اما ورزشکارها را دوست دارم. ازخدای تبارک‌وتعالی‌خواهانم‌که‌شماجوانان‌را، که‌ذخیرهٔ‌این‌کشور هستید ومایهٔ امید ملت‌واسلام‌هستید، هرچه‌بیشترموفق کند که‌درهمه‌ابعاد انسانی ورزش‌کنید. یک‌بعدش‌آن‌بعدی‌است‌که شمامتخصص دراوهستید وامید است که‌بعدهای دیگری‌هم‌که‌انسان‌دارد وانسانیت‌دارد درشمارشدکند."

امام‌خمینی خطاب به‌ورزشکاران افزودند:

"همانطوری که در ورزش‌کاری داریدو قدم برمی‌دارید، برای‌ملتتان هم‌قدم‌بردارید واین‌برای ملت‌است،" وتاکیدکردند: "درایران هم‌که‌هستید به‌خدمت این جامعه باشید، جامعه احتیاج‌به‌جوانهادارد وخدمت‌جوانها".

نظرات رئیس جمهور: روشن و منطقی

حجت‌الاسلام سیدعلی‌خامنه‌ای رئیس‌جمهور نیز درمصاحبه‌ای بابرنامه "ورزش‌ومردم" تلویزیون، نظرات خود رادرمورد ورزش، نقش‌تربیت‌بدنی و ارگان‌های‌مسئول‌دولتی درگسترش و همگانی‌کردن‌آن ونحوهٔ‌عمل‌مطبوعات ورسانه‌های‌گروهی درمورداین‌رشته بیان کرد. رئیس جمهوردر قسمتی‌از سخنان خود گفت:

"ما مایل‌هستیم جوانها به‌حرکت بدنی بیشتربپردازند وجسمشان‌راجدی ترپرورش‌دهند. البته این امر جزو خدمات‌عمومی جامعه‌است وطبیعتا به عهدهٔ دولت نیزمی‌باشد، یعنی‌دولت بایستی اینکار را فراهم‌کند. مامیتوانیم طوری‌بااین‌مسئله‌برخوردکنیم که برای دستگاه‌اداره‌کننده‌خیلی‌مخارج زیادی نداشته‌باشد. البته دولت وتربیت بدنی حتمابایستی‌وسائل استفاده‌عموم ازمیدان‌های ورزشی وابزار ورزشی و آموزش‌های ورزشی را دراختیار مردم قراردهد وامکان‌استفاده‌رابه‌عموم‌مردم بدهد."

حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای همچنین خاطرنشان‌کرد:

"من‌اعتقاد دارم به‌اینکه‌بایستی به‌جوان‌ها برای ورزش‌کردن‌میدان‌داد. در گذشته ورزش سرگرم‌کننده وسربندکن بود ودستگاه (رژیم سابق) میخواست ازآن‌حالت‌جوانی و سرکشی جوان‌ها و عصیان‌جوانی وخلاصه آن‌انرژی "سرریز" وسرشاری که در جوان‌ها است، استفاده‌کند و درواقع آنهارا‌درخدمت یک‌کار بی‌دردسر برای‌خودش وامی‌داشت‌ودر حقیقت‌آنهارا تخدیرمی کرد.

رئیس‌جمهور در پایان‌مصاحبه‌در مورد شرکت‌ورزشکاران‌ایران درمیدان‌های‌بین‌المللی‌ونیز وظیفه‌ونقش‌رسانه‌های‌گروهی درمورد‌آموزش‌وگسترش‌ورزش گفت:

"من باحضور درمیدان‌های‌بین‌المللی‌کاملاموافق‌هستم. هیچ دلیلی ندارد که ماوقتیکه‌ورزشکار داریم در میدان‌مسابقات‌جهانی شرکت‌نکنیم. وقتی‌ورزشکاری از کشور خارج‌میشود، موظف‌است‌که‌برود انقلابش را، اسلامش را، کشورش‌راوملتش را درآنجامعرفی‌کند و "مستوره" انسان‌های‌قهرمان‌افسانه ای ایران رابه‌دنیانشان‌بدهد..." "همه وظیفه رسانه‌های گروهی این‌نیست که اخبار صحنه‌های‌مثلا فوتبال‌وکشتی و دیگرورزش‌هارا منعکس‌کنند، بلکه‌قسمت مهم‌ترین‌آنست‌که‌مردم‌رانسبت به‌مسئله ورزش‌توجیه‌کنند وهمچنین مردم را نسبت به‌ورزش‌کردن‌تشویق‌کنند... هم آموزش‌وهم‌جهت‌دادن وهم‌اینکه نشان بدهید اصولا ورزش‌برای چه هدفی دنبال‌می‌شود. اینها جزو کارهای رسانه‌های گروهی‌است". سخنان امام خمینی ورئیس‌جمهوری در هفتهٔ‌گذشته افق‌های‌وسیعی را درجلوی ورزش و ورزشکاران ودوستداران‌ورزش‌گشود. این موضعگیری‌ها که‌میتواند سنگ پایه ای برای تدارک‌برنامه‌ریزی‌های‌گسترده‌تروتحرک، بیشتر در کار ورزش‌ایران‌انقلابی باشد، به همه ورزشکاران و ورزش‌دوستان‌این‌نویدرا‌میدهدکه‌رهبرانقلاب ومسئولان درجه اول مملکت‌با حدیت ودقت‌به‌امرورزش‌وپیشرفت‌آن‌توجه‌دارند وخواهان‌گسترش‌وغنی‌ترشدن‌آن‌چنان‌که درخورایران‌انقلابی‌باشدهستند.

مانیزامیدواریم‌که‌مسئولان‌ودست اندرکاران‌ورزش‌وبخصوص سازمان‌تربیت بدنی، بااستفاده‌ازجومناسب ومطلوبی که‌اکنون‌بوجودآمده‌است، تلاش‌های خودرا درجهت تهیه‌امکانات‌ورزشی، آموزش‌وسیع ورزش دربین‌مردم، تربیت مربیان ومتخصصین وگسترش‌امکانات شرکت درفعالیت‌های ورزشی میان‌مردم سرعت وعمق‌بیشتری‌بدهند.

ضایعه‌ای برای جامعهٔ ورزش

جامعهٔ‌ورزش‌ایران در هفتهٔ گذشته‌به‌سوگ‌یکی از مسئولان خود نشست. عبدالله کرمی نوری، رئیس سابق‌فدراسیون‌ورزش‌های‌باستانی، در بمب‌گذاری‌ضدانقلاب درمیدان سپاه (عشرت‌آباد) تهران‌به‌شهادت‌رسید و نامش‌درکنار ده‌تن دیگرشهدای این فاجعه، که‌به‌دست‌عوامل‌امریکا صورت گرفت، ثبت‌شد. مراسم بزرگداشت این شهید در باشگاه‌فهمیده‌تهران و با شرکت مصطفی داودی رئیس سازمان تربیت‌بدنی محمد خرمی رئیس فدراسیون‌کشتی عباس حاجیان‌رئیس فدراسیون‌ورزش‌های‌باستانی امیر هاشمی سرپرست‌ورزشگاه‌آزادی‌وجمعی ازدوستان‌وآشنایان‌شهیدبرگزارشد.

شهادت عبدالله‌کرمی‌نوری رابه خانواده وی وجامعهٔ ورزش‌ایران و به تمامی ورزش‌دوستان صمیمانه‌تسلیت می‌گوییم.

تیم ملی وزنه برداری ایران در مسابقات جهانی در یوگسلاوی شرکت می‌کند

کشتی و وزنه برداری:

تدارك برای بازیهای آسیایی

تیم‌های‌ملی‌کشتی‌و وزنه‌برداری ایران در حال‌تدارک‌برای کسب‌آمادگی هرچه‌بیشتر جهت شرکت دربازی‌های آسیائی‌هستند، که‌آبان۱۶ در هندبرگزار می‌شود، فدراسیون وزنه برداری جمهوری‌اسلامی‌ایران‌اعلام‌کردکه در جریان‌این‌تدارک، تیم‌ملی‌وزنه‌برداری مسابقه‌هائی در گوشه‌وکنار دنیا برگزار می‌کند. ازجمله تیمی از جوانان‌وزنه‌بردارشهرستانی، که‌در مسابقات وزنه برداری "جام۲۲بهمن" درخشش‌چشم گیری‌داشتند، به‌مسابقات بین‌المللی مجارستان، که‌در شهر پانونیا برگزار میشود، اعزام‌خواهند شد؛ سپس ۵تا۶ تن‌ازبهترین‌جوانان‌ایران‌به‌مسابقاتی‌که در برزیل‌برگزارمیشود، اعزام‌میشوند، وسرانجام تیم‌ملی وزنه‌برداری به طور کامل‌در مسابقات‌قهرمانی‌جهان، که در شهر لوبلیانو (یوگسلاوی) انجام‌خواهد شد، شرکت‌می‌کنند. همچنین‌اعلام شد که‌سومین‌دوره‌مسابقات‌جوانان‌قهرمان کشور دراین‌رشته، درتعطیلات نوروزی (از ۵فروردین۶۱) در شهرخرم آباد انجام‌خواهدشد ومیزبانی قهرمانی‌نوجوانان‌کشور را اراک برعهده خواهد داشت.

در رشته کشتی‌نیز تیم ملی کشتی آزاد کشور جهت‌کسب آمادگی مطلوب‌جهت‌شرکت‌دربازیهای آسیائی درمرحله اول به‌مسابقات‌بین‌المللی رومانی‌می‌رودوسپس در مرداد ماه سال ۶۱، درمسابقه‌های کشتی‌آزادقهرمانی جهان، که‌درکانادا برگزار میشود، شرکت‌میکند.

درارتباط‌با بازی‌های آسیائی هندوستان‌همچنین‌اعلام شدکه‌ورزشکاران شرکت‌کننده دراین‌بازی‌ها، در پایان‌مسابقات‌آمادگی‌خود درخارج از کشور، در یک‌اردوی ۴۵روزه‌شرکت خواهندکرد.



صحنه‌ای‌ازدیدارتیم‌های‌شاهین‌وجوانان‌جمهوری‌دمکراتیک‌خلق‌کره

فوتبال: همچنان خبرساز

ورزش‌فوتبال بی‌تردیدیکی ازپر تماشاچی‌ترین وجاذب‌ترین رشته‌های ورزشی در کشورماست. درهفته‌گذشته حضور تیم‌جوانان جمهوری‌دمکراتیک خلق‌کره درکشورما وديدارهائی‌که این تیم‌با‌برخی‌ازتیم‌های‌کشورمان‌داشت، ونیزآغازمسابقات‌قهرمانی‌باشگاه‌های تهران‌مهمترین‌رویدادها را تشکیل‌می دادند.

تیم‌جوانان‌جمهوری‌دمکراتیک خلق کره دراین هفته مسابقات‌خود را به‌پایان‌رساند، واین‌درحالی‌بودکه‌این تیم‌حتی‌موفق به‌کسب یک‌پیروزی‌هم‌در بازی‌های خود درایران‌نشد. تیم‌کرهٔ دموکراتیک دربرابر شاهین‌تهران یک برصفر ودرمقابل‌منتخب تهران (قهرمان جام‌قائداعظم‌پاکستان") ۲ بر۱ شکست‌خورد وبازی‌با تیم‌اهوازرا دراین‌شهربریک‌بریک به‌پایان‌برد.

بازی‌های‌جام‌باشگاه‌های‌تهران نیز ازروزپنج‌شنبه ۲۰ اسفند ۶۰ درورزش‌گاه‌شهیدشیرودی تهران‌آغازشد. این مسابقات، پس‌ازیکهفته، به مدت۲ماه تعطیل‌خواهد شد و در این مدت فدراسیون‌فوتبال، علاوه‌برمرمت وچمن‌کاری زمینها، به‌برپائی‌کلاس‌های‌مربی‌گری‌فوتبال، داوری وایدئولوژی دست خواهدزد.

کارگران متحد...

بقیه‌ازصفحه۹

تضمین شغلی وتامین آتیهٔ خانواده برخوردارخواهند شد، و بسیاری از محرومیت‌هارابه‌افسانه‌هاواگذارخواهند کرد.

اکنون لحظهٔ‌سرنوشت‌سازانقلاب ولحظهٔ‌طرد توطئهٔ براندازی آن‌است. باید با انقلاب و درکنار آن ایستاد وبه جان درحفظ انقلاب جمهوری اسلامی ایران کوشید. این وظیفه اساسی‌وحیاتی برای‌همه‌مردم‌انقلابی میهن ما مسئلهٔ اتحاد را بمثابه یگانه وسیله مطمئن و تاریخ‌ساز دفع‌توطئه‌های امپریالیسم آمریکا وایادی منطقه‌ای وتفاله‌های داخلی آن مطرح‌کرده‌است.

بدون این‌اتحاد بر آن دشمن چیره‌نمیتوان شد و این دشمن همواره در کمین ماست. نظر به این کمین‌گیری آن اتحاد نیز باید پا برجا ومستدام بماند. دراین رهگذرهیچ بهانه‌ای مسموع و هیچ شرایطی مشروع نیست، زیرا هیچ امری ازاین مهمتر و تعهدآورتر نمیتواند باشد. طبقه کارگر ایران‌نیز بمثابه گردان جلودار چنین رزم دوران‌سازی نمیتواند بدون‌اتحاد، درچنین پهنه سهمگینی وظایف‌خویش رابدرستی وبه‌تمامی‌نیک‌به‌انجام‌رساند. گفته‌اند اتحاد ضامن پیروزی‌است. هم پائی‌وهمپوئی رمز وضرورت ظفر نمون طبقهٔ کارگر ایران در دفاع از انقلاب وایفای نقش تاریخی اوست.



مداخله تجاوزکارانه "واشنگتن" در آمریکای مرکزی

به‌گزارش خبرگزاری‌ها ، در ماه ژانویه ۸۲ نیروهای رژیم "دوآرته" در استان سان‌ویسنته ، در شرق پایتخت ، بیش‌از صد غیرنظامی ، از جمله زنان وکودکان را درسه ده به قتل‌رساندند .

دراین میان ، "خونتا" آغاز "عملیات‌تنبیهی "جدیدی را در استان‌شمال‌خاوری موراسان اعلام داشت . دراین‌عملیات دو هزارسرباز هواپیما و توپخانه شرکت‌دارند . در شهرهای‌سان‌میگل ، سان‌ویسنته و سانتاآنا نیز درگیری‌های سختی میان انقلابیون ونیروهای‌دولتی درجریان است . رهبری عملیات نامبرده‌باکارشناسان‌آمریکائی است .

مضحکه "انتخاباتی" در السالوادور

"انترناسیونال سوسیالیستی" باصطلاح "انتخابات" السالوادوررا ، که‌قراراست روز ۸فروردین ۶۱(۲۸ مارس۸۲) برگزار شود ، "استهزای دمکراسی" خواند . این سازمان ، در بیانیه‌ای که‌درلندن‌انتشار داد ، افزود که ، نتایج‌این‌"انتخابات" رانمی توان "قانونی" به‌حساب‌آورد ، زیراکه‌احزاب مخالف حق‌شرکت‌درآن‌را ندارند .

"خونتا "ی‌السالوادور " وضع اضطراری"را درآن‌کشور یکماه دیگر تمدید کرد . خوسه‌آنتونیو مورالس ارلیخ ، یکی‌ازاعضای "خونتا" ، یادآور شد که‌درآستانه "انتخابات" نیروهای "امنیتی" از اختیارات ویژه‌ای برخوردارخواهندگشت . "دوآرته" ، سرکرده رژیم السالوادور ، هم‌اکنون‌کسانی را،دراین "انتخابات" شرکت‌نکنند ، مورد‌تهدیدقرارداده‌است . به‌گفته مخالفان دولت وابسته‌به آمریکای السالوادور ، این‌مضحکه‌ء "انتخاباتی" را "واشینگتن" برای "قانونی‌ساختن" رژیم سان‌سالوادور طرح ریخته است .

والریان زورین ، نماینده‌اتحاد شوروی‌در "کمیسیون‌حقوق‌بشر سازمان ملل‌متحد ، این‌کمیسیون رافراخواند ، تا "خونتا "ی‌السالوادور را به خاطر نقض‌حقوق‌بشرمحکوم‌کند . وی‌همچنین خواستار آن‌شدکه ، ایالات‌متحده‌آمریکا ازکمک‌کردن‌به "خونتا" دست‌بردارد .

والریان زورین گفت :

"اگر کمک آمریکانبود ، رژیم‌های دیکتاتوری ، که‌هزاران‌هزار بیگناه رابه قتل می‌رسانند ، حتی‌یک‌لحظه نمی‌توانستند به‌زندگی خود ادامه‌دهند ."

برخی ازکشورهای‌عضو "کمیسیون" حقوق‌بشر سازمان‌ملل‌متحد "خواهان تعویق "انتخابات‌آینده‌ء السالوادور شدند ، زیراکه به‌عقیده‌ء آنها درحال حاضرانتخابات آزاد و منصفانه دراین کشورامکان‌پذیر نیست .

از سوی دیگر ، "پارلمان‌اروپا" سیاست‌آمریکا را درالسالوادور محکوم کرد . درقطعنامه‌ای‌که به تصویب نمایندگان ده‌کشوراروپائی رسید ، گفته می‌شود :

"سیاست "واشینگتن" در السالوادور نمی‌تواند به حل مسائل سیاسی‌آن‌کشور بیانجامد ."

این‌قطعنامه نیز "انتخابات" السالوادور را "**مضحکه**" می‌خواند .

قطعنامه نامبرده‌راسوسیالیست‌ها پیشنهادوکمونیست‌ها وپیروان دیگر احزاب‌ازآن‌پشتیبانی کردند . در این قطعنامه "پارلمان‌اروپا "هواداری‌خودرا ازپیشنهاد **خوسه لوپس‌پورتیلو** ، رئیس جمهوری مکزیک درباره حل مسئله‌ء السالوادورازراه‌گفتگوابرازمی‌دارد .

انتخابات قلابی در گواتمالا

در گواتمالا تظاهراتی در برابر کاخ‌جمهوری به‌اعتراض‌علیه "انتخابات" قلابی روز یکشنبه ۱۶ اسفند ۶۰(۷ مارس ۸۲) این‌کشور برگزارشد . ژنرال آنیبال‌گوارا ، که‌نماینده‌نیروهای‌راست‌گرای‌گواتمالااست ، خودرا رئیس‌جمهور جدیدخوانده‌است . وی بیدرنگ پس از "انتخاب "خود همه‌گردهمایی‌ها و تظاهرات را ممنوع ساخت .

"انتخابات "گواتمالا در "شرایط جنگ "صورت‌گرفت و تنهایک سوم‌رای‌دهندگان درآن‌شرکت‌کردند .

درجریان‌این "انتخابات" ۲۰۰ دهقان در استان شمال غربی "کی چه الون "به‌قتل‌رسیدند .

هواپیماهای جاسوسی آمریکا برفراز نیکاراگوئه

روز دوشنبه ۱۷اسفند ۶۰(۸ مارس ۸۲) نیروهای ایالات متحده آمریکا ودیگر کشورهای بلوک "ناتو" مانورهای‌دریایی بزرگی را در کارائیب وخلیج‌مکزیک‌آغاز کردند . این‌مانورها ، که "سیف‌پاس" ("گذرامن") نام‌دارد ، بخشی‌ازسیاست‌ستیزه‌آمیز "واشینگتن" علیه‌کوبا ونیکاراگوئه‌است وبه‌مثابه‌ء تدارک‌برای حمله به‌السالوادور به‌شمار می‌آید .

درپایان این‌مانورها ، "پنتاگون" درمانوردیگری نیرو به پایگاه‌گوانتانامو واقع در خاک کوبا ، گسیل‌خواهدداشت .

نیکاراگوئه به‌پروازهواپیماهای جاسوسی‌آمریکابر فراز خاک خودبشدت اعتراض‌کرد . دراعتراضی که‌ازسوی‌دولت نیکاراگوئه‌به‌سفارت‌ایالات‌متحده‌آمریکا تسلیم شد ، این‌اقدام "نقض‌آشکارقوانین بین‌المللی "توصیف‌می‌گردد .

وقایع مهم جهان در یک هفته

اعتصاب همگانی در مناطق اشغالی فلسطین

ساکنان‌بلندی‌های‌جولان به‌اعتصاب‌همگانی خود ، که در ۲۴دی ۶۰ ، (۱۴ فوریه ۸۲) به‌اعتراض علیه الحاق‌این بخش‌ازخاک‌سوریه‌ازسوی‌اسرائیل آغازکردند ، ادامه‌دادند . اعتصابگران خواستار آزادی ده‌تن‌ازرهبران خود شدند ، که‌نیروهای‌اشغالی ، آنهارا بخاطر سازماندهی‌اعتصاب دستگیر کرده بودند .

درکرانه‌باختری رود اردن تظاهرات گسترده‌ای علیه اشغالگران اسرائیلی صورت‌گرفت . نیروهای اسرائیلی با گسیل ارتش‌و پلیس‌به‌مقابله با تظاهرکنندگان‌دست‌زدند و از گاز اشک‌آور برای‌متفرق‌ساختن آنها استفاده کردند‌پنجاه‌وچهارنفر دستگیر شدند . روز شنبه ۱۵ اسفند ۶۰ (۶ مارس۸۲) نیروهای‌مسلح در نابلوس‌به‌سوی‌تظاهرکنندگان تیراندازی و دوشاگردمدرسه راسخت‌زخمی‌کردند .

روز دوشنبه ۱۷ اسفند ۶۰ (۸مارس۸۲) درشهرهای‌نابلوس ورام‌الله اعتصاب‌همگانی به‌اعتراض‌علیه‌سرکوبگری‌اسرائیل‌برگزارشد . دانش‌آموزان‌این دوشهر نیزتظاهراتی به‌این‌مناسبت‌ترتیب دادند .

"پنتاگون "از "کنگره "آمریکاخواست‌که ، واگذاری ۲۰۰موشک‌زمین‌به هوا را به‌اسرائیل‌تصویب‌کند . تخمین‌زده‌می‌شودکه درسال‌جاری میلادی کمک ایالات‌متحده‌آمریکا به‌اسرائیل درحدود ۱۴۰۰ میلیون‌دلارباشد . خاطرنشان می‌سازیم‌که ، یک‌ماه‌پیش‌مجمع عمومی‌سازمان‌ملل‌متحد ازهمه‌کشورهای این سازمان‌خواست ، تا ازهرگونه‌کمکی به "تل‌آویو" خودداری‌ورزند .

همه چیز برای نیکروزی انسانها

گس‌هال دبیرکل‌کمیته‌مرکزی‌حزب‌کمونیست‌ایالات‌متحده‌آمریکا ، در بیانیه‌ای که‌در "پراودا" (اتحادشوروی) منتشرشد ، ازموضع رهبری‌حزب های کمونیست‌ایتالیا واسپانیا درباره‌کشورهای سوسیالیسم‌واقعی‌انتقادکرد .

گس‌هال نوشت :

"برخی‌از اظهارات‌پاره‌ای ازرهبران‌این‌احزاب (درباره کشورهای سوسیالیسم‌واقعی) به‌طورمستقیم یاغیرمستقیم ادعاهای نیروهای‌ارتجاعی را درباره سوسیالیسم دراتحادشوروی درشصت‌سال‌گذشته‌تکرارمی‌کند . بهتان زدن به‌سوسیالیسم‌موجود مغایربا اصول‌سوسیالیسم‌است ."

به‌گفته‌ء رهبرحزب‌کمونیست‌ایالات‌متحده‌آمریکا ، دراتحادشوروی و دیگر کشورهای‌سوسیالیستی‌است ، که برای نخستین‌بار درتاریخ‌بشریت سیستم اقتصادی پدیدمی‌آید ، که‌هدف آن‌منافع انسانها ونیکروزی‌وتامین‌حقوق‌آنهاست ."

کمک بی دریغ اتحادشوروی به لهستان

استانیسلاو ورونسکی ، عضو "سیم" (پارلمان‌لهستان)و "شورای حکومت "لهستان ، اهمیت‌به‌سزای‌سفر یک‌هیئت‌دولتی و حزب لهستان را به اتحادشوروی خاطرنشان‌ساخت . وی در مصاحبه‌ای باتلویزیون مسکو گفت‌که ، پیوندهای‌گسست ناپذیر میان دوکشور بااین‌گفته **لئونیدبرژنف** ، که اتحاد شوروی حداکثر امکانات خود را در اختیار لهستان‌گذاشته‌است و خواهد گذاشت ، استوارتر شد . **ورونسکی** از سخنان **یاروزلسکی** نیز درباره اینکه لهستان‌سوسیالیستی بود ، هست و خواهدبود ، ابرازخشنودی‌کرد .

دستاوردهای چشمگیر افغانستان

دولت‌افغانستان‌پیش‌نویس‌برنامه‌اقتصادی‌اجتماعی‌وبودجه‌ملی سال ۱۳۶۱این‌کشور راتصویب کرد . **سلطان‌علی‌کشتمند** ، نخست‌وزیرافغانستان ، در کابل‌گزارشی درباره‌دستاوردهای‌افغانستان در سال۱۳۶۰ ارائه‌داشت . بگفته وی‌علیرغم "جنگ‌اعلام‌نشده "امپریالیست‌ها ، دستاوردهای‌افغانستان‌درسال گذشته‌چشمگیربوده‌است . **سلطان‌علی‌کشتمند**کمک‌های بیدریغ اتحادشوروی و دیگرکشورهای‌سوسیالیستی را به‌کشورخود ستود .

آمریکا با جنگ افزارهای شیمیایی قصد نابودی حیات را در جهان دارد

لئونیدبرژنف ، دبیر کل‌کمیته‌ء مرکزی حزب‌کمونیست‌وصدر هیئت‌رئیسه شورای‌عالی‌اتحادشوروی ، ضرورت‌ادامه روند تنش‌زدایی ، کاهش‌رویارویی‌نظامی وتحکیم‌امنیت وهمکاری مسالمت‌آمیز را دراروپاخاطرنشان‌ساخت . وی‌درضیافتی به‌مناسبت‌سفر **مائونوکوئی‌ویستو** ، رئیس جمهور فنلاند ، در کرملین ، سخن‌می‌گفت :

لئونیدبرژنفهمچنین خواهان کاهش‌تشنج در آمریکای‌مرکزی شد و "واشینگتن" رابه‌خاطرتهدیدات آن علیه‌کوبا ونیکاراگوئه و مداخله در امور السالوادور محکوم ساخت . رهبر شوروی اقدامات‌امریکارا "**بی‌باکانه** و "**تهدیدی برای‌صلح‌جهانی** "خواند .

گروهی‌از دانشمندان‌آمریکائی ، که‌ازپنهان‌نگهداشتن استفاده ارتش آمریکا ازسلاح‌های‌شیمیائی درویتنام خشمگینند ، تصمیم‌گرفتندتاخوددراین باره‌به‌تحقیق‌بپردازند . به‌گفته‌ء آنها ، ایالات‌متحده‌آمریکا ازهندو چین به عنوان‌آزمایشگاهی برای تکمیل‌جنگ‌افزارهای شیمیایی‌خوداستفاده می‌کرده است .

هائونان‌هون ، معاون وزارت خارجه‌کامبوچیا ، بهتان‌های‌آمریکا را درباره کاربست‌مواد شیمیائی سمی از سوی ویتنام وکامبوچیا "**اوچ‌ریاکاری**" خواند . وی در بیانیه‌ای در پنوم پن اظهارداشت که :

"واشینگتن برای‌منحرف‌ساختن انظار ازتولید انواع جدید جنگ‌افزارهای‌امحای‌توده‌ای به این دروغ متوسل‌شده‌است ."

• نماینده‌ء‌اتحادشوروی در سازمان ملل‌متحد گفت‌که ، اتحاد جماهیر شوروی‌سوسیالیستی هنور حاضر است که‌مذاکرات درباره منع جنگ‌افزارهای شیمیائی را از سرگیرد . **ولادیمیر شوستوف**درکنفرانس‌مطبوعاتی در نیویورک یادآورشدکه ، ایالات‌متحده‌ء آمریکادرسال۱۹۸۰گفتگو درباره این مسئله را با اتحادشوروی یک‌سویه‌قطع کرد . نماینده‌ء اتحادشوروی‌تصمیم دولت‌ریگان را درباره تولیدجنگ‌افزارهای‌هسته‌ای‌به‌باد انتقاد گرفت . ذخیره‌سلاح‌های شیمیائی آمریکامی‌تواندبه‌نابودی زندگی درسراسرجهان منجرشود .

در "کمیته‌خلع سلاح ژنو" نمایندگان هفت‌کشور سوسیالیستی بیانیه‌ای درباره نقشه‌ء‌آمریکا درباره‌ء تولیدانواع‌جدیدسلاح‌های‌شیمیایی صادرکردند . آنهااین‌تصمیم رامانعی در راه‌تدوین وامضای معاهده‌ای درباره‌منع‌جنگ افزارهای شیمیائی خواندند .

دراین‌میان ، شماری از دانشمندان‌برجسته‌اتحادشوروی‌نقشه‌تسلیح شیمیائی آمریکا رامحکوم‌کردند . آنها درکنفرانس‌مطبوعاتی در مسکو ، تولید جنگ‌افزارهای شیمیائی‌رادنباله‌برنامه های‌تولیدبمب‌نوترونی‌واستقرارموشک های‌میان‌برد‌هسته‌ای جدید آمریکا در اروپای‌غربی‌توصیف‌نمودند . **پروفسور ولگین** ، عضوآکادمی علوم‌اتحادشوروی که‌چندی پیش‌ازسفری به‌ویتنام بازگشت گفت‌که‌تاثیرکاربست‌سلاح‌های شیمیائی آمریکاهنوز در آن‌کشورنمایان‌است . در این‌کنفرانس‌مطبوعاتی‌نشان‌داده شد که ، چگونه ضدانقلابیون افغانی از نارنجک‌های‌سمی ساخت‌آمریکا علیه مردم‌بیگناه آن‌کشور استفاده‌میکنند . آمریکائی‌ها درالسالوادور نیز به‌بمب‌های‌شیمیائی دست‌می‌یازند .

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیازومدیرمسئول :
محمودا عتمادزاده (م . ا . بهآذین)
آدرس: تهران ، منطقه‌ء ۱۳پستی
صندوق‌پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

سود انحصارهای بین‌المللی در ۸ سال دو برابر شد

جدول‌زیرکه ازمجله‌آمریکائی "فورچون "گرفته‌شده‌است ، سودناویژه‌ء ۷۰۰ انحصار عمده‌ء جهان سرمایه‌داری را درفاصله‌ء سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ به‌میلیارد دلارنشان‌می‌دهد :

	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۷۸
۵۰۰انحصارصنعتی عمده‌آمریکائی	۲۱/۷	۳۷/۸	۶۱/۵
۲۰۰انحصارصنعتی عمده‌غیرآمریکائی	۷/۷	۳۵/۴	۴۲/۴
جمع : ۷۰۰ انحصارعمده‌جهان‌سرمایه‌داری	۲۹/۴	۷۳/۲	۱۰۳/۹

بدین‌ترتیب ، سود ناویژه‌ء ۷۰۰ انحصارعمده‌جهان‌سرمایه داری در فاصله‌سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸، ۳/۵ برابرشده‌است ، که‌بادرنظرگرفتن نرخ تورم ، افزایش واقعی ۲ برابر بوده‌است .

درسال ۱۹۷۹ ، سودویژه انحصارات‌آمریکائی به‌۱۴۵میلیارد دلاررسید . این‌سودها درشرایطی به‌جیب‌انحصارات آمریکائی سرازیرمی‌شوند که طبق گزارشی که کمیته‌ء آمریکائی برای‌اجرای موافقتهای‌کنفرانس هلسینکی درزمینه‌ء حقوق‌بشر تهیه‌کرده‌است ، بیش از ۶۰ میلیون آمریکائی ازگروههای‌قومی و اقلیتهای ملی‌مختلف وهمچنین سالمندان گرفتار فقر وبیکاری‌هستند و در شرایطی دون شان انسان زندگی می‌کنند .

درسهائی از...

بقیه از صفحه ۳

متاسفانه بسیاری از مزارع واراضی زیرکشت در روستاهای میهن‌مان از این نعمت بی‌بهره‌اند و دیمی مشروب می‌شوند. همچنین زمین‌هایی وجوددارند، که به علت کمبود آب زراعی کشت نشده‌اند.

خوشبختانه درسال زراعی گذشته میزان بارندگی دربیشتر نواحی مطلوب بودو توانست ثمرات‌فراوانی ببارآورد (گذشته از اینکه دربرخی نواحی، مانند استان‌بوشهر، هرمزگان سیستان‌وبلوچستان میزان بارندگی نسبت به سال‌های پیش کمتر بود و توانست خشکسالی بوجود بیاورد و به تولید محصولات ضربه بزنند)، اما نمی‌توانیم مانند همیشه، به‌گفته وزیرکشاورزی: **"یک اقتصاد دهن به هوا داشته باشیم"**. به همین‌جهت پایه‌ریزی یک سیستم صحیح آبرسانی و استفاده از منابع آبی شدیدا احساس میشود.

رساندن سایر خدمات کشاورزی به کشاورزان یکی دیگر از اقدامات ضروراست، که باید در جهت تامین هدفهای فوق انجام پذیرد.

دراین زمینه وزارت کشاورزی و نهادهای انقلابی، تاکنون‌توانسته‌اند کمک‌های چشمگیری بیش از سالهای گذشته به دهقانان عرضه کنند.

مسئله‌ء حاد دیگرمشاع‌هاوانجام امرکشت برروی‌زمین‌های‌وسیع تعاونیها ومجتمع مشاع‌هاست. که امیدواریم "اتحادمردم "درآینده بتواند به آن بپردازد، باوجود آنکه در گذشته نیز بارهابرآن‌تاکید داشته‌ایم.

خرید عادلانه محصولات کشاورزی

خرید محصولات کشاورزان توسط دولت‌و با قیمت عادلانه و از این طریق کوتاه کردن دست واسطه‌ها، دلالان و سلف‌خرها، که‌آنها نیز جملگی "تروریستهای اقتصادی" هستند و در دامن زدن به گرانی و کمبود مصنوعی و احتکارمحصولات ودسترنج کشاورزان نقش موثردارند، ازضروریات درجه‌ء اول است. در این زمینه نیز ازجانب دولت اقدامات عملی مثبتی صورت گرفته است. نتایجی که تاکنون ازخرید محصولات کشاورزان توسط دولت بدست آمده، نشان می‌دهد که نسبت به سالهای قبل از فزونی چشمگیری برخوردار بوده است. تعیین قیمت عادلانه برای‌خرید محصولات کشاورزان (ازجمله دو محصول عمده‌ء گندم و برنج) توسط دولت، همزمان با یک رشته تدابیر اقتصادی وتوضیحی وتشویقی دیگر، میتواند حربه‌ء احتکار و گران‌فروشی راز دست واسطه‌ها و دلالان زالو صفت‌بازستاند. همچنین برای رفاه حال کشاورزان دراین زمینه لازم‌است که تعاونی‌های خرید گسترش یابد.

برنامه ریزی کشت

شرایط کنونی کشور، محاصره‌ء اقتصادی وعدم کشت وکارمطلوب‌در مناطق جنگ‌زده و... ایجاب‌میکند که برای کشت محصولات کشاورزی، برنامه‌ء دقیق و همه‌جانبه‌ای ریخته شود. دراین برنامه نخست باید کشت عمده‌ترین وحیاتی‌ترین محصولات‌زراعی‌گنجانده شود و از لحاظ‌این‌محصولات کشور انقلابی ما رابه‌سوی خودکفایی ببرد.

درضمن همکاری مشترک و تنگاتنگ ارگان‌های دولتی ونهادهای انقلابی همچون وزارت کشاورزی وسازمان‌های وابسته، جهادسازندگی، هیئت‌های واگذاری زمین و دیگرنهادهاو ارگانها از طریق شوراهای کشت، دوانجام این برنامه و جهت دادن به کشت و رعایت تناوب کشت، همچون سال زراعی گذشته و بیش از آن، ضرورت دارد.

ازاین‌درسهای سال‌زراعی‌گذشته‌باید برای‌سال‌نوبی که‌میاید‌پندگرفت و درصدرآنها"ضرورت" بی‌تردید انجام اصلاحات‌ارضی پیگیر و بنیادین رابه واقعیتی بدل کرد که‌کشاورزی مارا به شکوفایی و کشاورزان‌زحمتکش مارا به بهروزی برساند.

سالگرد تصویب قانون ملی شدن نفت و تجربه اندوزی

از مبارزات گذشته

*** شکست جنبش ملی شدن نفت وپیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قبل ازهرچیز نتیجه عدم شناخت خطر امپریالیسم آمریکا، افتادن رهبران جنبش در دام تبلیغات کمونیسم ستیزی، خیانت بورژوازی ایران به آرمان‌های ملی، مخالفت بزرگ‌مالکان وکلان سرمایه‌داران باتحولات اجتماعی ضرور وکارائی تبلیغات امپریالیستها وارتجاع داخلی در ایجادتفرقه بین‌نیروهای ملی‌ومترقی بود. ایران انقلابی باید از این تجربه تلخ تاریخی درس بگیرد.**

*** پیروزی انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی‌ومردمی‌ایران دورانی را آغاز کرده‌است که‌کشورهای‌نفت‌خیزدرحال‌رشد باآزادی می‌توانندوارد بازارجهانی نفت شوند، ازمعاملات برابرحقوق وفروش نفت به‌قیمت واقعی بهره‌مند گردند واز این ثروت گرانبها برای پیشرفت اقتصادی واجتماعی خوداستفاده‌نمایند.**

*** ایران انقلابی می‌تواند صنعت نفت خود را وسیله‌پیشرفت‌وشکوفائی اقتصادایران قراردهدو به‌کشورصنایع پیشرفته‌تولیدکننده‌ماشین‌آلات صنایع اکتشاف، استخراج وپالایش نفت، پتروشیمی، گاز و تولیدکننده‌ء دهها هزار کالای مختلف برمبنای موادخام‌گاز ونفت بدل‌شود.**

۲۹ اسفند ۱۳۶۰، ۳۱ سال‌از تصویب قانون‌ملی‌شدن‌نفت‌می‌گذرد. دوران قبل وپس از تصویب این‌قانون، فصل‌تاریخی مهمی‌رادرتاریخ‌مبارزات مردم‌ایران بخاطر رهائی از تسلط امپریالیسم ویوغ استبداد سلطنتی تشکیل می‌دهد.

جنبش ملی شدن‌نفت به‌نیم قرن مبارزات‌پیگیرمردم‌ایران، اززمان واگذاری‌امتیازننگین‌دارسی‌تا لغوقرارداد باطل ۱۹۳۳ درسال ۱۳۲۹، اتکاء داشت. به‌همین جهت این مبارزه از نیروی عظیم مردمی‌برخورداربود و با دستاوردهای‌مهمی‌چون‌طرد سلطه‌شرکت غاصب‌انگلیسی ازنفت‌ایران‌و پایان دادن‌به‌سلطه‌سیاسی‌امپریالیسم انگلیس برایران‌همراه‌گردید. جنبش‌ملی شدن نفت امکان رهائی کامل ایران‌از یوغ امپریالیسم وانحصارات‌غارتگر نفتی آن، رژیم دست‌نشانده پهلوی و نیل ایران به‌استقلال وآزادی را به همراه داشت. امروز که عمریک نسل از آن تاریخ‌می‌گذرد، می‌توان باصراحت‌گفت که‌دولتمردانی‌نظیر دکترمصدق‌باوجود ضعفهای فراوان‌درسیاست خود، برای نیل به‌این‌آرمانها مبارزه‌کردند.

با این‌حال، اگرجنبش‌ملی شدن نفت به‌شکست‌انجامیدوکودتای ننگین ۲۸مرداد ۱۳۳۲ پیروز گردید، علل آن را بایدقبل ازهرچیز درعدم شناخت خطرامپریالیسم آمریکا، افتادن‌رهبران جنبش بدام تبلیغات کمونیسم ستیزی، خیانت بورژوازی‌ایران به‌آرمانهای‌ملی، مخالفت‌بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران‌باتحولات‌اجتماعی‌ضروروکارآئی تبلیغات‌امپریالیست‌هاوارتجاع‌داخلی درایجادتفرقه‌بین‌نیروهای‌ملی ومترقی دانست. این‌عوامل درجمع‌خود، مانع ازآن‌شدکه امکان‌اتحادنیروهای ملی و مترقی درمبارزه بخاطرتامین‌استقلال‌و آزادی‌به‌واقعیت‌بدل‌شود. امپریالیست‌ها بسرکردگی آمریکا و مرتجعین داخلی بسرکردگی دربار پهلوی توانستند، بااستفاده‌ازتمام‌نقاط ضعف جنبش‌ملی شدن‌نفت، کودتای‌ننگین‌رابه پیروزی برسانند. درنتیجه کودتا، نه فقط موفقیت‌های‌حاصله‌در جریان ملی شدن‌ازدست‌رفت، بلکه‌ایران به‌دوران سیاه‌سلطه‌بلامنازع سیاسی-نظامی-اقتصادی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، غارت‌بی‌حساب انحصارات بین‌المللی نفت، تسلط پیمانهای‌نظامی‌امپریالیستی، نظامی‌گری دیوانه‌وار، استثمار وظلم‌وحشیانه سیاه‌ترین‌استبداد ساواکی-پهلوی-سلطنتی‌کشانده‌شد.

سلطه‌ء رژیم کودتا به‌مدت‌یک‌ربع قرن‌پس‌ازکودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲، به بهای‌غارت‌چندین میلیارد تن‌ذخایر نفت‌ایران‌باقیمت‌نازل هربشکه کمتراز یک‌دلار، تبدیل‌ایران به بزرگترین کشور صادرکننده نفت خام، یک‌بعدی ساختن‌صنعت‌نفت، وابستگی بودجه و هزینه‌های‌عمرانی به درآمد نفت، مصرفی‌ساختن‌جامعه، ورشکستگی و اختلال کامل درتولید کشاورزی، ممانعت‌از پیشرفت واقعی ونظائر آن تمام شد. ربع قرن تسلط رژیم وابسته‌وساواکی کودتا، با ریختن‌کلیه‌ء درآمدهای‌نفت‌به چاه‌ویل هزینه‌های نظامی به‌سود پیمان‌های امپریالیستی، اجرای‌نقشه‌های‌تجاوزگرانه‌امپریالیسم علیه‌جنبش‌های رهائی بخش مردم ایران ومنطقه ودیگر کشورهاونیروهای ضدامپریالیستی همراه‌بود. سلطه‌رژیم کودتا، استقلال‌سیاسی، اقتصادی، نظامی‌وفرهنگی ایران را کاملا پایمال ساخت، ایران را تمام و کمال به زیر یوغ‌نواستعمار، انحصارات‌غارتگر چند ملیتی ودست‌نشاندگان‌امپریالیسم در همه‌زمینه‌هادرآورد. ایران‌از نظر از دست‌دادن‌استقلال سیاسی‌واقتصادی به‌همان‌وضعی درآمد، که‌قبل‌ازانقلاب مشروطه، قبل‌ازجنگ‌اول‌جهانی، پیش ازملی شدن‌نفت، به‌آن‌دچار شده‌بود، تنهابااین تفاوت که، این بار امپریالیسم غارتگر، جنایتکار وتجاوزگر آمریکابه‌تمام‌رشته‌های‌حیات‌سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی‌وفرهنگی درکشور ما چنگ‌انداخته‌بود.

واکنش شدید مردم‌ما، در قبال وضعی‌که‌رژیم‌کودتا وسلطه‌ء امپریالیسم برای‌کشورما ایجادکرده بود، امری تصادفی نبود. انفجار انقلابی بهمن ۱۳۵۷ تنها پاسخی بود که‌می‌توانست وباید به‌اوضاع واحوالی که برای‌کشور وجامعه ماایجاد شده‌بود، داده‌می‌شد. انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران به‌درستی سرلوحه‌ء مبارزات خودراواژگون‌ساختن رژیم وابسته‌سلطنتی، پایان‌دادن به‌سلطه‌ء امپریالیسم به‌سرکردگی‌آمریکا، لغو قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی ودر راس‌آنها قراردادهای ننگین با کنسرسیوم بین‌المللی نفت تعیین نمود. بدون‌اینها وبدون‌خط بطلان کشیدن‌برهمه‌ء پیمان‌های‌نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اسارت‌باری‌که‌امپریالیست‌ها طی ربع قرن‌بر ماتحمیل‌کرده‌بودند، بدون راندن جاسوسان و عمال‌امپریالیسم ازکشور طریقه‌ء دیگری برای بازکردن‌راه‌مردم ایران‌به‌سوی‌کسب وتحکیم استقلال سیاسی، شکوفائی‌اقتصادی، پیشرفت اجتماعی‌ممکن ومیسرنبود. گذشت سه‌سال پس ازپیروزی انقلاب، این واقعیت‌را تمام‌وکمال‌به‌اثبات‌رسانیده ومیرساند.

اما امپریالیست‌ها، به ویژه امپریالیسم آمریکا وانحصارات‌بین‌المللی‌نفت، با وجودتمام شکست‌هائی که‌درمقابله باانقلاب مردم ایران متحمل‌شده‌اند، هنوزهم‌حاضرنیستند ازتوطئه‌های‌گوناگون‌خود علیه‌انقلاب اسلامی ایران دست بردارند. فی‌الواقع هم، آنان‌نمیتوانند ازادامه توطئه‌های مسخ و براندازی انقلاب دست‌بردارند، زیرا پیروزی انقلاب اسلامی ایران‌تنهابه‌معنی پایان بخشیدن‌به‌سلطه‌انحصارات‌نفتی بر ذخایروصنایع نفت‌ایران، که‌به‌نوبه‌ء خودسهم بزرگی‌ازذخایرجهانی نفت راتشکیل‌میدهد، نیست.

پیروزی انقلاب‌اسلامی ضد-امپریالیستی ومردمی ایران آغاز پایان‌سلطه‌ء انحصارات‌امپریالیستی برهمه‌ء کشورهای‌نفت‌خیز درحال‌رشد، ترقی وشکوفائی‌این‌کشورها، تحکیم مواضع نیروهای ضدامپریالیستی در سراسرمنطقه وجهان‌است. پیروزی انقلاب‌اسلامی‌ایران‌به‌معنی آغازطرد کامل‌سرمایه‌های امپریالیستی و انحصارات‌غارتگر نفتی آمریکا، انگلیس، هلند وفرانسه- اعضاکارتل بین‌المللی‌نفت (هفت‌خواهران) از مهمترین وغنی‌ترین مناطق نفت‌خیز جهان، یعنی‌کشورهای حوزه‌ء خلیج فارس به‌شمارمیرود. پیروزی انقلاب اسلامی‌ایران‌دورانی راآغاز کرده‌است که‌کشورهای‌نفت‌خیز درحال رشد با آزادی‌میتوانند وارد بازارجهانی‌نفت شوند، ازمعاملات‌برابر حقوق وفروش نفت به‌قیمت‌واقعی بهره‌مندگردندو از این‌ثروت‌گرانبها برای پیشرفت اقتصادی‌واجتماعی‌خوداستفاده‌نمایند درسایه‌تثبیت‌پیروزی‌انقلاب‌اسلامی ایران، کشورهای‌نفت‌خیز درحال رشد میتوانند به‌ایجادصنایع واقعی نفت، که‌شامل‌استفاده ثمربخش‌تر از ذخایر نفت وگاز به‌سود صنعتی شدن وتامین استقلال اقتصادی‌است، دست‌بزنند وبه‌شکوفائی‌اقتصادی‌و رشداجتماعی نائل‌آیند.

لذا مقاومت‌ومخالفت‌امپریالیست‌هاوانحصارات نفتی با چنین روندی به‌هیچوجه تصادفی‌نیست، همانگونه‌که مقاومت ومخالفت باانقلاب پیروز مند مردم‌ایران ازجانب دول‌امپریالیستی‌و انحصارات‌نفتی‌آن، دراصل‌هدف‌بازگردانیدن‌سلطه‌ء آنان‌رابرذخایر ومنابع نفت‌ایران وبسط غارت واستثماربیشتر همه‌کشورهای‌نفت‌خیز راتعقیب‌میکند. نتیجه‌اینکه، میل به‌غارت‌مجدد ذخایر نفت وبهره‌برداری ازصنایع نفت از جانب‌انحصارات غارتگر امپریالیستی نفت، تسلط‌استراتژیکی‌بر این‌ذخایر و حوضه غنی نفتی خلیج‌فارس وکشورهای اطراف، که‌از لحاظ نظامی نیز واجد اهمیت‌است، آن‌عامل‌اساسی‌و عمده ای است‌که دول امپریالیستی رابه‌تلاشهای دیوانه‌وار علیه‌انقلاب‌اسلامی‌ایران‌سوق میدهدوآنان‌رابه‌تجهیزهمه‌ء نیروهای ارتجاعی، چه‌درمنطقه و چه در داخل ایران، علیه‌حاکمیت‌انقلابی جمهوری اسلامی‌ایران تحریک‌میکند.

در قبال تحریک‌ها وتوطئه‌های دول‌امپریالیستی‌بسرکردگی‌امریکا علیه انقلاب‌اسلامی‌ایران، که‌یکوجه آن‌جنگ تحمیلی‌صدام جنایتکار به‌منظورتخریب صنایع نفت ایران وانهدام کامل آن‌در کشورماست، سیاست مابرحفظ‌وگسترش این‌صنعت‌مهم، بعنوان‌یکی‌ازرشته های اساسی اقتصاد ایران امروز وآینده باید استوار باشد. امپریالیسم درمدت بیش‌ازهفتاد سال، غارت ذخایروصنایع نفت‌ماراوسیله عقب‌ماندگی واستثمار کشور ماقرارداده‌بود. مامیتوانیم‌وباید صنعت نفت‌خودرا وسیله پیشرفت و شکوفائی اقتصادایران‌قرار دهیم، و با رشد همه‌جانبه این‌صنعت، درکلیه‌زمینه های بهره‌برداری از ذخایر گاز ونفت، به‌آنجا برسیم‌که، از هرفوت‌مکعب گازو هرقطره نفت، به‌صورت‌کالای‌آماده‌برای مصارف‌صنعتی، کشاورزی ومصرف‌عمومی استفاده‌کنیم. مامیتوانیم وبایدتولیدکننده‌وصادرکننده دهها هزار کالائی باشیم، که‌از گاز ونفت و مشتقات آنها به‌دست‌میآید. کشورما میتواند کشور صنایع پیشرفته‌تولیدکننده‌ماشین‌آلات صنایع اکتشاف، استخراج وپالایش‌نفت، پتروشیمی، گاز وتولیدکننده دهها هزار رقم‌کالاهای مختلف‌برمبنای‌موادخام‌گاز ونفت‌باشد. استراتژی میان‌مدت ودراز مدت‌ما در نفت بایدبر ایجاد صنایع مستقل، پیشرفته وشکوفای نفت وگاز مبتنی باشد. هرنوع‌عدول‌ازاین‌سیاست وکم‌بها دادن‌به‌استفاده‌همه‌جانبه از امکانات ما در این‌صنعت مهم وحیاتی، همان‌چیزی‌است‌که‌دول‌امپریالیستی و انحصارات نفت درصددتحمیل آن به‌ما هستند.

اماهمانطور که صنعت نفت، صنعتی جهانی است و مسائل نفت وگاز امروز، به‌معنی‌واقعی‌کلمه، دربعدجهانی مطرح‌است، تصور اینکه ما به‌حالت‌انزواء ودورازپرداختن‌به‌سیاست‌های جهانی نفت بتوانیم منافع‌کشور خود را حفظ کنیم، تصور نادرستی‌است. در موردنفت وگاز وبهره‌برداری از این صنعت عظیم باید شناخت درستی داشت. باید دانست که، بدون تکیه بر امکانات‌جبهه ضدامپریالیستی‌جهانی، که شامل ارتباطات وسیع وهمه‌جانبه‌باکشورهائی میشودکه‌به‌خاطر رهائی‌خود از سلطه‌ء انحصارات‌نفتی مبارزه‌میکنند، فعالیت در داخل "اوپک"- به‌همراه نیروهای انقلابی ومبارز- استفاده ازامکانات‌کشورهای‌سوسیالیستی‌درمعاملات نفت، استفاده از کمک‌اقتصادی و فنی آنها به کشورهای نفت‌خیز در حال‌رشدومقابله بانفت‌خوران امپریالیستی، نمی‌توان به طورموثر وکارآ با جبهه‌ء متحد دول امپریالیستی وانحصارات غارتگر نفتی مقابله ومبارزه‌نمود.

تجربه دوران‌ملی شدن نفت نیز بیانگر همین‌واقعیت‌ها ست. کم‌بها دادن‌به‌استفاده‌ازامکانات‌نیروهای‌ضدامپریالیستی در مبارزه‌جهانی علیه امپریالیسم وانحصارات‌غارتگرنفتی در آن‌دوران، بالاخره به بازگشت سلطه‌ء غارتگران‌نفتی به‌کشور مامنتهی‌شد. با تجربه‌اندوزی ازآن دوران و تجربیاتی که‌در طول دهها سال مبارزه‌کشور های نفت‌خیز در حال رشد علیه غارت واستثمار امپریالیستی ذخایرنفت وگاز بدست‌آمده، مابه‌آن‌اندازه به مسائل داخلی وجهانی نفت آگاهی داریم، که بتوانیم‌از تکرار اشتباهات‌گذشته‌جلوگیری‌کنیم وحاکمیت تمام و کمال خودرا برذخایر وصنایع نفت خویش‌تثبیت و برای همیشه پابرجاسازیم. طبیعی است که‌چنین‌مسئولیت‌خطیر و عظیمی، امروز به‌عهده حاکمیت ودولت‌انقلابی در جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است، که‌امیداست باتکیه‌بر سیاست‌فعال‌ضدامپریالیستی درنفت واستفاده ازهمه‌نیروهای مومن به‌انقلاب، باموفقیت به‌اجرا درآید.

> حقوق مردم محروم که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین بازپس داده می شود
>
> امام خمینی

جهان در سالی که گذشت



"گورستان "مزدوران امپریالیسم آمریکا برای رزمندگان راه آزادی

بقیه از صفحه ۵

توطئه ضد انقلابی امپریالیسم در لهستان عقیم ماند

درپیامد پاره‌ای از عوامل عینی وذهنی، پدیده‌های بحرانی، که ازنزدیک به یکسال و نیم پیش در لهستان نمایان شد، درسال‌گذشته نیز ادامه یافت. ازیکسو حاکمیت مردمی لهستان و در درجهٔ نخست "حزب متحدکارگری لهستان" همهٔ کوشش صمیمانهٔ خود را برای برون رفت ازاین بحران بکار بردند و ازسوی دیگر عناصر ضدسوسیالیستی و پشتیبانان امپریالیستی آنها از هیچگونه تلاشی برای دامن زدن به آن فروگذار نکردند.

کمونیست‌های لهستان بویژه درکنگرهٔ یازدهم فوق‌العاده خود درتابستان ۱۳۶۰، پس از ارزیابی همه‌جانبه و انتقادی از عوامل بحران، راه برون رفت از آنرا نیز نشان دادند آنها ثابت کردند که، بخلاف ادعاهای مغرضانه دشمنان، ریشهٔ بحران لهستان را نه درسرشت سوسیالیسم، بلکه درنادیده انگاشتن قانون‌مندی‌ها و کوشش ناکافی برای تحکیم آن باید جستجو کرد. رهبری لهستان گفتگوهای صمیمانه‌ای را با "همبستگی" و دیگرنیروهای کشور برای همکاری و همگامی در راه چیرگی بر بحران ونوسازی سوسیالیستی آغاز نهاد. اما بزودی آشکارشد که درعناصر ضدسوسیالیستی، بویژه سرکردگان افراطی "همبستگی" چنین صمیمیتی را نباید انتظار داشت. هدف آنها به هیچ روی نیکروزی ادعایی آنها برای خلق لهستان نبود، بلکه آن‌ها، همخوان با مقاصد ضدسوسیالیستی و ضدخلقی خود، تنها به دامن زدن همه‌جانبهٔ بحران جامعهٔ لهستان دست می‌یازیدند و درنهان و به یاری سخاوت‌مندانهٔ کشورهای امپریالیستی، براندازی حاکمیت سوسیالیستی ومردمی لهستان وگسست آنرا ازخانوادهٔ کشورهای سوسیالیستی تدارک می‌دیدند.

درآستانهٔ یک کودتای ضدانقلابی، روز یکشنبه ۲۲ آذرماه ۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) وویتسخ یاروزلسکی، دبیراول کمیتهٔ مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و نخست‌وزیر و وزیردفاع ملی جمهوری خلق لهستان، درپیامی رادیویی خطاب به مردم لهستان، تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" را دراین کشور اعلام کرد.

یاروزلسکی گفت:

"دولت درنتیجهٔ خطرفوری که کشور را تهدید می‌کرد و به علت اقدامات مسئولیت نشناسانهٔ عناصر افراطی "همبستگی"، که آشکارا درصدد احراز قدرت بودند، این گام را برمی‌دارد"

یاروزلسکی ادامه داد:

"به ماجراجویان، پیش از آنکه کشور را به ورطهٔ جنگ برادرکشی بکشانند، باید دستبند زد".

وی افزود:

""شورای نظامی رستگاری ملی" جایگزین نهادهای قانون اساسی نخواهدشد. تنها وظیفهٔ آن حفاظت از قانون و تضمین برقراری نظم وانضباط است. بدین‌ترتیب، خواهیم توانست کشور را ازبحران وفروپاشی رهایی بخشیم".

رهبر لهستان همگان را فراخواند، تا در راه برقراری "**آرامش عمومی و بازگشت اقتصاد ملی به شرایط عادی و استقرار اعتماد واحترام به نهادهای دولتی**" بکوشند. وی همچنین از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" خواست، تا صفوف خود را متحدتر سازند، "**زیرا که حزب نیروی راهنمای جامعه است و پیوسته در راه تحکیم و ادامهٔ ساختمان سوسیالیسم درکشور می‌رزمد**".

ژنرال یاروزلسکی خطاب به کشورهای سوسیالیستی گفت:

"مردم لهستان برای دوستی وکمکهای برادرانهٔ اتحادشوروی ودیگر کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی ارج فراوان قائلند. هم‌پیمانی اتحادشوروی ولهستان سنگ‌پایهٔ منافع خلق لهستان و وثیقهٔ نقض ناپذیری مرزهای لهستان باقی خواهد ماند. لهستان کماکان حلقه‌ای وفادار در "پیمان ورشو" و جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی خواهد بود".

در روزهای نخستین برقراری حکومت نظامی اسناد فراوانی در افشای دسیسه‌های ضدانقلابی عناصر ضدسوسیالیستی وپیوندهای آنها با سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در رسانه‌های گروهی لهستان به چاپ رسید.

برپایهٔ این اسناد، کشورهای امپریالیستی از "توریست"ها و کارمندان سفارت‌خانه‌ها، کنسولگری‌ها و دیگر نمایندگی‌های خود برای فعالیت‌های جاسوسی علیه لهستان استفاده می‌کردند. کشورهای "ناتو" ارتباطات خود را با "همبستگی" به‌سطح "مناسبات دولتی" ارتقاء بخشیده بودند. در وزارت خارجهٔ این کشورها ستادهایی برای ارتباط با "همبستگی" دایرشده بود. سازمانهای جاسوسی خارجی به "همبستگی" توصیه می‌کردند که هرچه بیشتر با رهبری حزب مقابله کند، درجامعهٔ سوسیالیستی بی‌نظمی پدیدآورد و وحدت کشورهای سوسیالیستی را مختل سازد.

ضدانقلابیون لهستانی تا آبانماه ۶۰ دست‌کم ۲۵۰ هزار دلار بظاهر از باصطلاح سندیکاهای آمریکا و درواقع از "سیا" دریافت داشته بودند. فزون براین، به حساب بانکی ۲۴۰ تن ازفعالان همبستگی بطورمنظم ازخارج پول واریز می‌شد.



خلق السالوادور می‌رزمد و پیروز می‌شود.

تلویزیون ورشو درفیلمی از تماس‌های مستقیم موچولسکی، سرکردهٔ گروهک‌ضدانقلابی "کنفدراسیون لهستان آزاد" با دولت آمریکا و کانونهای خرابکاری امپریالیستی پرده برداشت. موچولسکی گفته بود که: "کمونیستها را باید کشتارکرد". دراین فیلم فاش شد که این "کنفدراسیون" در زرادخانه‌های خود برای کشتار ۸۰ هزارتن از کمونیست‌های لهستان سلاح گردآورده بود. فرستنده‌های رادیویی آمریکا در کنسولگریهای این کشور در کراکو و پزنان، حتی بعدازدرهم‌شکسته شدن توطئهٔ کودتا، به تحریک مردم به مقابله با دولت لهستان ادامه‌می‌دادند.

قراربود افراطیون "همبستگی" به خیابان‌های ورشو بریزند و رادیو و تلویزیون راتصرف کنند. "همبستگی" همچنین می‌خواست یک باصطلاح "شورای همگانی اقتصاد" برپاسازد، که‌بعدها به "دولت موقت" بدل گردد.

درپرتو این توطئه‌های براندازانه، که در بالا تنها گوشه‌ای از آن آمد، "سیم" (پارلمان لهستان) درتایید "شورای نظامی رستگاری ملی" اظهار داشت:

"رویدادهای پیش از ۳۰ دسامبر (۹ دی ۶۰) خطری بزرگ برای کشور بشمار میرفت و برقراری حکومت نظامی ضرور و گزینشی کم زیان‌تر بود".

با تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" اوضاع لهستان رفته رفته به حالت عادی بازگشت. بخلاف کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحادشوروی، که به یاری اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک لهستان‌در پهنه‌ای گسترده شتافتند، شکست کودتای ضدانقلابی و روند عادی شدن اوضاع در لهستان، خشم‌ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیسم، بخصوص دولت‌ریگان را برانگیخت.

به قول روزنامهٔ لهستانی "ژول نیررژ وول نوستی":

"آنچه خشم علیه لهستان را برانگیخت این بود، که‌مقامات‌لهستانی‌کودتای ضدانقلابی را پیش بینی کرده بودند، درحالی که دولت ایالات متحدهٔ آمریکا انتظاراتی دیگر داشت".

دراین رهرو، ریگان کارزار سیاسی‌وتبلیغاتی وسیعی را علیه لهستان و اتحادشوروی به راه انداخت. تحریم اقتصادی لهستان و اتحاد شوروی تنها یکی از باصطلاح "مجازات"های این دو کشوربود. بجرئت میتوان گفت که شاید ریگان دراین زمینه هیچ یک از موازین و قوانین بین‌المللی را ناپایمال شده‌باقی‌نگذاشت

روزنامهٔ "تریبونالودو" نوشت:

"رویدادهای لهستان تنها دستاویزی بیش نبوده است و در واقع رئیس جمهور آمریکا حق پشیزی ارزش برای کشور ما قائل نیست. اماسخن گفتن با جهان سوسیالیسم ازموضع قدرت همیشه بیهوده بوده است و خواهد بود. لهستان خود ازپس دشواریهای خویش برخواهدآمدودوستان وفادارش دراین راه به‌آن کمک خواهند کرد".

در واقع، رویدادهای لهستان نیز تنها بهانه‌ای برای پرده پوشیدن برمقاصد شیطانی امپریالیسم آمریکا بود و هست. ازجملهٔ این مقاصد میتوان ازشتاب بخشیدن به خواستهای تنش فزایانه، تفرقه‌اندازی در جبههٔ ضد‌امپریالیستی، بویژه در اردوگاه سوسیالیسم، و منحرف ساختن افکارعمومی از تضادها و دشواریهای کنونی جهان سرمایه‌داری نام‌برد.

تکرار حکم مبتذل و رسوای "دست مسکو" نیز حتی ذره‌ای از این واقعیت نمی‌کاهد. به گفتهٔ لئونید برژنف، "**نظام اجتماعی لهستان را نه "واشنگتن" برگزیده است و نه "مسکو" و نه پایتختی دیگر. بنابراین، هیچکس حق ندارد به رهبری لهستان بگوید که چگونه مسائل داخلی خود راحل کند**".

کارزار ضدلهستانی وضدشوروی ریگان چنان مفتضح بود، که حتی بیشتر متحدان اروپای غربی آمریکا نیز حداکثر در گفتار در آن شرکت جستند.

برونو کرایسکی، صدراعظم اتریش، رهبری ایالات متحدهٔ آمریکا را به اتخاذ "مشی مزورانه" درقبال رویدادهای لهستان متهم‌کرد. وی افزود:

"آنها که مأموران نظارت بر ترابری هوایی را درآمریکا دستبند زده می‌بینند، به هیچ روی به همدردی رهبران آمریکا با "همبستگی" باور نمی‌کنند".

بگفتهٔ مادام کولت فلش، نخست وزیر لوکزامبورگ، انگیزهٔ اقدامات تبعیض‌آمیز ایالات متحدهٔ آمریکا علیه لهستان و اتحاد شوروی را باید در "**هدف‌های خودپسندانهٔ آمریکا**" جستجو کرد، که "**به هیچ روی پاسخگوی منافع کشورهای "بازار مشترک" نیست**".

بقیه در صفحه ۱۷

از موضع بی

گفتم : "شورا . . .
گفت : "شورا بی شورا . . .
گفتم : "سندیکا . . .
گفت : "بی سندیکا . . .
گفتم : "آخرکارگر . . .
گفت : "بی کارگر ، ما بکارگرباج نمیدهیم . . .
گفتم : "پس کارفرما . . .
گفت : "کارگر ، کارفرما ازنظر ما یکی است ،
هرکس کار کرد ، کارگراست . . .
گفتم : "عدالت اجتماعی . . .
گفت : "بی عدالت اجتماعی . . .
گفتم : "آخر انقلاب . . .
گفت : " . . . .

جهان...

بقیه از صفحه ۱۶

هلموت اشمیدت، صدراعظم آلمان غربی، درمصاحبه‌ای با "نیویورک تایمز" در آستانهٔ دیدار خود از آمریکا، اظهار داشت که "مجازات اقتصادی اتحادشوروی بی‌تاثیر خواهد بود، و افزود که، دولت لهستان، آنچه را که بصلاح کشور می‌دانست، انجام داد.

و بالاخره آندریاس پاپاندریو، نخست‌وزیر یونان، خاطرنشان ساخت که:

"چنین تدابیری نه‌تنها به عادی شدن اوضاع در لهستان کمک نخواهدکرد، بلکه به وخامت بیشتر شرایط در لهستان و تیرگی مناسبات میان شرق وغرب خواهد انجامید".

بدینسان، کارزار ضدلهستانی ریگان و دارودستهٔ امپریالیستی او، که از آغازمحکوم به شکست بود، نافرجام باقی ماند و جز رو سیاهی، و رسوایی برای مبتکران ره‌آوردی نداشت. ازسوی دیگر، لهستان سوسیالیستی با تجربه‌اندوزی از دسیسه‌های امپریالیسم و ارتجاع و خطاهای گذشته همچنان راه‌سوسیالیسم را خواهد پیمود.

پیکار خلق السالوادور
ـ مظهر جنبش آزادیبخش آمریکای مرکزی برضد امپریالیسم آمریکا

آمریکای مرکزی و لاتین به یکی از بزرگترین میدانهای هماورد جنبش‌های آزادی بخش ملی با نیروهای امپریالیستی، بویژه امپریالیسم ایالات متحدهٔ آمریکا، و ارتجاع جانورخوی بومی بدل شده است. دراین پیکار سهمگین، بویژه باید از مبارزهٔ دلیرانهٔ مردم السالوادور برهبری "جنبش آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی" و "جبههٔ دمکراتیک انقلابی"، علیه "خونتا"ی سرکوبگر و وابسته به آمریکای این کشور درسال گذشته یاد کرد.

نیروهای "خونتا" برای درهم‌شکستن جنبش مسلحانه مردم السالوادور از هیچگونه ددمنشی پرهیز نمی‌کنند. "خونتا" دربیش از دوسالی که ازحکومت منحوس آن میگذرد، تاکنون بیش از ۴۰ هزار تن از السالوادوری‌ها را فجیعانه به قتل رسانده است. نیروهای "خونتا" تنها دریکی از باصطلاح "عملیات تنبیهی"، که آمریکایی‌ها آنها را برنامه‌ریزی می‌کنند، به کشتار بیش‌از هزارتن از اهالی بیگناه استان شمالی موراسان، ازجمله کودکان زنان و سالمندان، دست زدند. کارشناسان آمریکایی "خونتا" رژیم خونخوار این کشور را حتی به ریختن میکرب بیماریهای واگیر در رودخانه‌های السالوادور برانگیخته‌اند. بدین سان، آمریکایی‌ها و مزدوران آنها باردیگر برای تامین حاکمیت چپاولگرانهٔ خود به خلق کشی دست می‌یازند. به گزارش سازمان ملل متحد، تاکنون‌حداقل ۳۰۰ هزارالسالوادوری مجبور به جلای وطن شده‌اند. ازسوی دیگر، سازمانهای انقلابی از مهاجرت اجباری بیش از ۷۰۰ هزار السالوادوری سخن می‌گویند. پناهندگان السالوادوری حتی برون ازمرزهای این کشور از اختناق "خونتا"ی سان سالوادور ایمن نیستند و اردوگاههای آنها درهندوراس و گواتمالا بارها آماج تهاجمات نیروهای کشورهای نامبرده و پیگرد سربازان مزدور رژیم‌السالوادور قرارگرفته است.

برغم همهٔ تلاشهای مذبوحانهٔ "خونتا" برای تامین ادامهٔ حکومت ننگبار خود، رزمندگان السالوادوری درسال گذشته به پیروزیهای چشمگیری دست یافتند. آنها بخش بزرگی از مناطق السالوادور را آزاد ساخته‌اند و تقریبا همه‌جا ابتکار عملیات رزمی را بدست گرفته‌اند. برای نمونه، انقلابیون السالوادور چند هفته پیش با یک حملهٔ ناگهانی به یکی از پایگاه‌های هوایی بزرگ السالوادور، ۷۰ درصد نیروی هوایی "خونتا" را نابودساختند. آنها تاکنون توانسته‌اند حملات گستردهٔ نیروهای دولتی وکارشناسان آمریکایی را دفع کنند.

درچنین شرایطی، دولت ریگان، بیمناک از پیروزی‌های درخشان انقلابیون السالوادور، هرچه بیشتر به یاری "خونتا"ی وابسته به خود می‌شتابد. این مداخله، چون همه‌جا وهمه‌گاه به بهانهٔ مقابله با "تهدید کمونیسم" صورت می‌گیرد. رونالد ریگان و الکساندر هیگ وشرکاء چه دروغ هایی که دربارهٔ کمک نیکاراگوئه، کوبا و اتحادشوروی به السالوادور نیافته‌اند.

اما هم‌اکنون صدهاتن کارشناس و "بره سبز" آمریکایی به خلق کشی "خونتا" کمک می‌رسانند. آنها، که به نوشتهٔ "لوموند"، شماره‌شان دست‌کم برابر با یک دهم‌افسران رژیم السالوادور است، "عملیات‌تنبیهی" "خونتا" را طرح می‌ریزند و درآنها شرکت مستقیم می‌ورزند. خلبانهای آمریکایی بمب‌های ناپالم، فسفری و ۳۰۰ کیلوگرمی به روی غیرنظامیان می‌افکنند.

آمریکایی‌های ساواکی‌پرور، چنانکه چند هفته پیش فاش شد، حتی درشکنجهٔ مرگ انجام خردسالان السالوادوری شرکت می‌جویند. صدها تن از افسران و سربازان "خونتا" برای آموزش باصطلاح عملیات "ضدچریکی" و "تنبیهی" به ایالات متحدهٔ آمریکا اعزام می‌شوند. به گزارش "یو.پی.آی."، هم‌اکنون هزار السالوادوری درفورت براگ (کارولینای شمالی) و ۵۰۰ تن در فورت بنینگ (جورجیا) آموزش می‌بینند. همین چندی پیش، دولت ریگان ۵۵ میلیون دلار برای خرید جنگ‌افزارهای بیشتر دراختیار "خونتا" گذاشت. بیش از ۳۰ درصد سلاح‌هایی که "واشینگتن" به کشورهای آمریکای لاتین می‌دهد، سر از سان سالوادور درمی‌آورند.

درحالیکه انقلابیون السالوادور چهارتن از افسران آمریکایی را درحین عملیات رزمی کشتند، ریگان با گستاخی خاص و نه دیگر شگفت‌انگیز خویش ادعا کرد: **"ایالات متحده قصد آنرا ندارد که نفرات خود را درعملیات جنگی شرکت دهد"** (!). ازسوی دیگر والتر استوپل، معاون سیاسی وزارت خارجهٔ آمریکا، اعلام داشته است که:

"ایالات متحدهٔ آمریکا امکان مداخله (بخوان: تهاجم آشکار) را به السالوادور رد نمی‌کند".

مداخلات "واشینگتن" در السالوادور، که بخشی از دسیسه‌های براندازنهٔ امپریالیسم آمریکا، در سراسر منطقهٔ آمریکای مرکزی، کارائیب و آمریکای لاتین، بویژه علیه کوبا، نیکاراگوئه، گرنادا و غیره است، خشم‌جهانیان وحتی ناخشنودی برخی از متحدان آمریکا را نیز برانگیخته است. مضحکهٔ "انتخاباتی" که ریگان و دوآرته برای اوایل فروردین تدارک دیده‌اند، چیزی جز "پوششی برای ترور و بی‌قانونی" و تلاشی جز برای اقدام به تغییراتی ناچیز درّ دکورصحنهٔ سیاسی سان سالوادور نیست، که هدف از آن تنها فریب افکارعمومی جهان و مردم السالوادوراست. اما جهانیان دیری است که براینگونه ترفندهای بی‌سرانجام و خودفریب آگاهی‌یافته‌اند.

خسته نباشی وطن!

* خواننده‌ای که نامهٔ خود را ـ "**مرضیه ـ گ**"، "**هوادار اقلیت**" امضا کرده، خواستار آن شده‌است که به سئوالات او و همفکران وی پاسخ داده شود. او می‌نویسد:

"من به‌عنوان یک ایرانی که معتقد به طبقهٔ کارگر هستم و راه طبقهٔ کارگر را در یک گروه م ـ ل (اقلیت) دیدم، ولی وقتی به جهان‌فکر کردم و تغییرات آن به نفع سوسیالیسم واردوگاه انقلاب، فهمیدم که من چقدر ضربه به جنبش می‌توانستم بزنم بطور ناآگاه. ولی کارهای‌دولت جمهوری اسلامی را نمی‌توانم درک بکنم. ازشما خواهش می‌کنم برایم و برای کسان دیگر هم که از این واقعیت می‌ترسند که نامه برای شما بنویسند، جواب دهید".

"**مرضیه ـ گ**" سپس سوالاتی را که برای او و نظایر او مطرح است، در نامهٔ خود ذکر می‌کند.

درپاسخ "**مرضیه ـ گ**" و دیگر کسانی که‌در جستجوی پاسخ به سوالهای خود هستند، ولی هنور گرایش‌های کاملا متضادوعملکردهای‌متفاوت و وجود خطوط کاملا مجرا در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را درک نمی‌کنند، باید گفت که ما تا به‌حال دراین باره بسیار سخن گفته‌ایم. هرشماره "**اتحادمردم**" سرشار ازبررسی مسائل گوناگون و توضیح عملکردهای مختلف در جمهوری اسلامی ایران است. به‌هرحال، بطور خلاصه بایدبگوئیم که تمام تضادهایی که "**مرضیه ـ گ**" و همفکران او درعملکردحاکمیت مشاهده کرده و متذکر شده‌اند، به‌دوعلت وابسته‌اند:

نخست: وجود دو جریان و دو نیروی کاملا متضاد در جمهوری اسلامی ایران. یکی از این دو نیرو خواستارو در تلاش آن‌است که جامعه ایران را به‌دوران حاکمیت روابط اسارت‌آور گذشته، احیای سلطهٔ سرمایه‌داری بزرگ‌وابسته و بزرگ‌مالکی و "مشروطیت بدون سلطنت" بازگرداند. نیروی دیگر یا نیروی پیرو خط امام، بالعکس خواستار و در تلاش آن‌است که روابط پیشین رابطور بنیادی دگرگون‌سازد، استقلال سیاسی را تحکیم کند، استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی و آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک را تامین نماید. مبارزه میان این دو نیرو در دوران پیش از پیروزی انقلاب آغازشده و هرچند مراحل متعددی را پشت سرگذارده است و نیروهای پیروخط امام به‌موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند، اما این مبارزه هنوز پایان‌نیافته، وتازمانی که پایان نیافته، مشاهده‌عملکردهایی از آن دست که "**مرضیه ـ گ**" در نامهٔ خود بدانها اشاره کرده‌است، عملکردهایی که به زیان مصالح مردم و به زیان منافع انقلاب‌اند، "طبیعی" خواهند بود. وظیفه ما به‌عنوان یک انقلابی مسئول و آگاه، آن نیست که این عملکردهای منفی را نادیده بگیریم، ولی این هم نیست که این عملکردها را به پای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در مجموع خودبگذاریم، بلکه ما موظفیم که نیروها و خطوط معینی را که درپشت این عملکردهای زیانبار و غیرانقلابی و حتی ضدانقلابی، قرار دارند، بدرستی بشناسیم و به جناح انقلابی حاکمیت، یعنی نیروهای مسلمان انقلابی پیرو خط امام، برای غلبه قطعی برتلاش‌های سازشکارانه، ضدمردمی و ضدآزادی یاری رسانیم.

دوم: نیروهای مسلمان انقلابی پیرو خط امام اکنون، با تجربه‌اندوزی، بربسیاری از ضعف‌های گذشته غلبه کرده‌اند و هرروزهشیارتر و با پختگی فزونتر در صحنهٔ سیاسی کشور، در جهت بسیج توده‌های میلیونی مردم برای نیل به آماج‌های اساسی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران عمل می‌کنند.

عدم درک این واقعیات، که امروز از آفتاب روشن‌ترشده است، برای مدتی بسیاری از نیروهای بی‌تجربه وچپ‌رو را دردام‌های ضدانقلابی مائوئیستی اسیرساخت و آن‌ها رابه آلت‌دست توطئه‌گران امپریالیست تبدیل نمود. ولی واقعیات زندگی، گسترش نبرد طبقاتی، تعمیق‌نبرد به‌خاطر استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران، استواری و پیگیری نیروهای پیرو خط امام درحاکمیت درجهت این آماج‌ها وافشای روزافزون توطئه‌گران و تاکتیک‌ها وشگردهای آنان، بسیاری از این نیروهای صدیق، ولی کم‌تجربه را هشیار ساخت، چنان‌که بسیاری‌از آن‌ها اکنون به‌همان موضعی رسیده‌اند که "**مرضیه ـ گ**" رسیده است و دریافته‌اند که: **"چقدر ضربه به جنبش می‌توانستم بزنم بطور ناآگاه"**.

ماامیدواریم که "**مرضیه ـ گ**" و نظایر او روزبه‌روز بیشتر جای واقعی خود را در جنبش انقلابی ایران بیابند. آن‌ها با مراجعه به‌تاریخ زنده سه‌سال گذشته و بررسی تجربیات‌گرانقدر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در نبرد بخاطر حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای خود، با مراجعه به واقعیت آفتابگونه امروز، بی‌شک راه درست را خواهند یافت. جای آن‌ها نه درجبهه خصم و به برکنار ماندن و ناظر بودن، هیچ‌یک نیست. آن‌ها باید در کنار طبقهٔ کارگرودیگر محرومان جامعه ما، در کنار نیروهای انقلابی مسلمان پیرو خط‌امام، فعالانه در نبرد بخاطر استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران شرکت ورزند.

اشعار رسیده

از **بهروز خسروی** شعر "**اتحاد، مبارزه، پیروزی**" به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران و از "**فیروز، ن.م**"، شعر "**دربهار آزادی جای . . . خالی**"، که به **محمدرضا سعادتی** و کسانی‌که "**ناآگاهانه درخط امپریالیسم جهانی قرار گرفتند و جان خود را باختند**" تقدیم شده است، از "**م.ح.**" شعر "**بگذار تا بهمن**"، از "**م. طلوع**" شعر "**وصیت شهید**"، رسید. "**شهنام**" نیز شعری برای ما فرستاده‌است. از همه دوستان‌متشکریم.

از زبان خوانندگان

خسته نباشی وطن!

این شانه‌های توست
که پیکر خون حمل‌می‌کند
به زادگاه شهید
وطن!
این‌شانه‌های توست
که این‌همه مجروح را
می‌کشد به درد
خسته‌نباشی وطن!

شانه‌های تورا ـ قرن‌ها
به‌گاوآهن خودبستند
خان‌ها
سربه‌زیر نیاوردی
دردشتهایت که پهنه عشق است
تخم سترون پاشیدند
ودرجام‌های جان جوانانت:
زهر.

اما،
خسته‌نباشی‌وطن!
بردشت‌های همیشه رزمت
روئید بس شقایق قرمز
و تیغ های درندهٔ دشمن
زنگار از خون بست.

خسته‌نباشی وطن!
این‌چشمه‌های آب زلال توست
که عفونت آمریکارا ـ از کوی و کوچه‌ها
می‌برد به‌جانب گنداب.

این،
ازچشمه‌های توست
که از گورهای طاعون کودتا
درشوره‌زارها
زرساقه‌های گندم و ذرت جوانه می‌زند

خسته‌نباشی وطن!
امروز ـ روز دیگر است و هنوز
پلک برهم ننهاده‌ای
آتش به رویت گشوده‌اند
بمب بر سر تو می‌ریزند
برسینه‌ات گلوله می‌بارند

نیمی از جهان
به‌روی توشمشیر می‌کشد ـ هنوز
باسینهٔ فراخ
ایستاده‌ای به پا!

ای وطن!
برزخم‌های پیکرت
من قلب خویش می‌نهم به التیام
مامی‌دهیم دست به دست هم
از برای پایداری‌ات
ای وطن!

همت ایران‌زاد آبان ۵۹

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

نامهٔ سرگشاده

کانون دانش آموزان ایران

به مسئولین محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

نمایندگان مجلس شورای اسلامی

فرهنگیان متعهد، اولیاء دانش آموزان و دانش آموزان انقلابی میهنمان!

امروز یکی از حیاتی‌ترین مسائلی که جامعه انقلابی ایران با آن روبروست، مسئلهٔ استقرار نظام آموزشی نوینی‌است، که منطبق با هدف‌های انقلاب وبرخاسته‌ازمتن‌قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران باشد. به‌همین‌دلیل‌برای مردم‌انقلابی وزحمتکش‌میهنمان‌این‌سئوال‌بسیار مهم‌مطرح‌است که: آموزش‌وپرورش درجهت رفع نارسائی‌های عدیدهٔ آموزشی، ومهمتر ازهمه، درارائهٔ طرح سیستم آموزش و پرورش‌جدید، چه اقدامات‌مشخصی انجام داده‌است؟

نمایندگان‌مجلس‌شورای‌اسلامی، تا کنون بارها از وزیر آموزش و پرورش‌جمهوری اسلامی ایران‌دربارهٔ وضع آموزش وپرورش وبرنامه‌های آن‌سئوال‌کرده‌اند، اما متاسفانه هنوز جواب قانع‌کننده‌ای دریافت‌نکرده‌اند.

برجای ماندن نظام‌آموزشی گذشته، نداشتن‌برنامه مشخص‌وصحیح، برای پیاده کردن نظام‌آموزشی نوین، همراه باندانم کاری هاواشتباهات برخی افراد ناآگاه و یا مغرض در کارآموزشی کشور، به‌ویژه درسال تحصیلی ۶۱–۶۰اکثر فرهنگیان متعهد و علاقمند، دانش آموزان واولیاء آنهارا نسبت به‌آیندهٔ نظام آموزشی کشور نگران ساخته‌است. لذا ضرور دیدیم، تا اینک که‌بخش اعظم سال تحصیلی نیز به‌پایان‌رسیده‌است، با ارزیابی مشکلات ۶ ماه‌گذشته، خواهان‌رسیدگی فوری‌به‌وضع آموزشی کشورشویم.

بسیاری از مشکلاتی که درآموزش‌وپرورش باآن‌روبروهستیم، ناشی از نظام‌پوسیدهٔ‌آموزشی گذشته‌است، که‌متاسفانه‌امروز نیزهمچنان‌برجای باقی‌مانده‌وعلیرغم‌وعده‌های مکررآقای وزیر آموزش وپرورش مبنی بر تهیه طرح نظام جدید آموزشی، طبق‌اظهارات آقای دکتر قائمی‌رئیس کمیسیون‌آموزش‌وپرورش مجلس‌شورای‌اسلامی هنوز طرحی دراین‌زمینه به مجلس ارائه‌نشده است.

پس ازگذشت سه‌سال ازانقلاب‌شکوهمندمان، هنوز در جمهوری‌اسلامی‌ایران‌حدود ۳۰در صداز کودکان (پسر و دختر) و ۵۹ درصد دختران، درسنین ۱۱–۶ سالگی، به‌مدرسه نمی‌روند، ازهر۱۰۰بچه‌روستائی‌تنها ۵۷ نفر میتوانند به‌مدرسه راه‌یابند. آموزش‌وپرورش نه تنها تاکنون قدمی درجهت جذب این‌عده از کودکان‌زحمتکش‌به‌مدرسه‌برنداشته‌است، بلکه با: بسته‌شدن بسیاری از مدارس روستاهای دور – افتاده (به‌دلیل‌نداشتن‌معلم)، ویا پسرانه‌کردن مدارس‌مختلط روستاها، مشکل دوری راه، کمبود وسایل نقلیه برای دانش‌آموزان‌روستایی که قصد تحصیل در شهرهای نزدیک رادارند، و دهها مشکل‌دیگر، تعداد زیادی از دانش‌آموزان مجبور به‌ترک تحصیل‌شده‌اند. همچنین دوسره کردن‌برخی‌مدارس، که‌خود ناشی‌ازفقدان‌برنامه ریزی وندانم کاری ودرنظرنگرفتن‌شرایط‌وامکانات تحصیلی مناطق مختلف کشور است، سبب‌شدکه بسیاری‌از دانش‌آموزان‌روستایی، به‌ویژه‌دختران درمناطقی چون‌روستاهای گیلان، مازندران، باختران، آذربایجان و... به‌ناچار مدرسه را ترک‌گویند.

علاوه بر همه‌این موانع، مشکلات ناشی‌از جنگ تجاوزکارانه آمریکائی‌–صدامی، که موجب ویرانی بسیاری ازمدارس درخوزستان و غرب کشور شده‌است‌وهمچنین‌تعطیل‌بودن‌اکثرمدارس روستاهای‌کردستان (حدود دوسال‌ونیم)، منجر به آن‌شده‌است که به‌خیل‌کودکان و نوجوانان خارج ازمدرسه، بیش از پیش افزوده شود.

متاسفانه‌آموزش وپرورش‌بجای‌فراهم‌کردن امکانات‌تحصیلی برای‌این‌عده از دانش‌آموزان محروم‌و یا از میان‌برداشتن مشکلات تحصیلی مدارس کشور، درسال تحصیلی جاری اعلام‌کرد که‌قصد دارد جهت یکسان‌کردن‌سطح آموزشی مدارس‌وبالابردن کیفیت آموزشی، آزمون‌مدارس راهمزمان‌وبه‌صورت‌ناحیه‌ای ومنطقه‌ای‌برگزارکند این تصمیم‌نیز، که‌با اعتراض‌وسیع دانش‌آموزان‌و برخی‌ازمعلمان‌روبروشد، بازناشی از نداشتن برنامه‌ای‌جامع ومشخص ودرنظرنگرفتن امکانات واقعا موجود آموزشی مدارس است. بدون شک تازمانیکه امکانات آموزشی‌مدارس یکسان‌نباشد مدارس روستاها به‌اندازهٔ‌کافی معلم نداشته باشند، دانش‌آموزان‌دبیرستانی در دروس تخصصی‌خود فاقدمعلم با تجربه‌باشند، کتاب‌های‌درسی به‌موقع به‌دست‌دانش‌آموزان‌نرسد، و دهها مشکل دیگر، مسئله‌ناحیه‌ای‌وهمزمان‌کردن آزمون‌تنها‌ظاهرقضیه‌است‌ونمی‌تواند به تنهائی سطح‌آموزشی مدارس رایکسان سازد. تجدیدی شدن‌بسیاری از دانش‌آموزان دراکثر مدارس، به ویژه در دبیرستان‌ها، درامتحانات ثلث اول نشانگر وضع وخیم آموزشی‌مدارس کشوراست.

کمبود معلم

درحال‌حاضر آموزش وپرورش باکمبود جدی‌معلم در سطوح‌مختلف آموزشی و درمناطق مختلف کشور، روبروست. طبق‌اظهارات آقای وزیر آموزش وپرورش در مجلس شورای‌اسلامی، آموزش وپرورش بیش از ۴۷هزار معلم کم‌دارد، بااحتساب معلم‌مورد نیاز برای جذب کلیهٔ کودکان ۱۱–۶ ساله، که درخارجا ز مدارس به سرمی‌برند، وکودکانی که درسال‌های‌آتی به سن تحصیل‌می‌رسند، وهمچنین کمبود معلم درمناطق جنگ‌زده‌وتعداد معلمانی که به‌دلایل مختلف روا یا ناروا، پاکسازی شده‌اند، رقم کمبود معلم خیلی بیش‌از رقم ۴۷ هزار نفراست.

متاسفانه‌امسال‌با "پاکسازی"های‌نابجائی که درسطح آموزش وپرورش انجام‌گرفت، بسیاری از دانش‌آموزان ازمعلم متخصص‌باتجربه محروم ماندند. اگر چه ادارهٔ گزینش کوشش‌کرد، تا با استخدام معلم‌جدید، جای‌خالی‌معلمان‌پاکسازی شده راپرکند، ولی به دلیل تازه‌کاری و عدم تجربهٔ معلمان‌جدید، که‌بسیاری از آنان‌تازه از دبیرستان‌فارغ‌التحصیل شده بودند، عملا نتوانست جای معلمان با تجربهٔ پاکسازی شده راپرکند.

مشکل اقلیت‌های ملی

فرزندان‌خلقهای‌زحمتکش‌ایران، که‌دررژیم ستمشاهی ازحقوق‌ملی و فرهنگی محروم‌بوده‌اند، اکنون سه سال است‌که‌منتظرند، تا دولت جمهوری‌اسلامی‌ایران با رفع تبعیضات‌ملی، حق آموزش به‌زبان مادری رابرای آنان‌به رسمیت شناسد، ولی متاسفانه این‌خواست برحق آنان هنوز برآورده‌نشده‌است.

جو سیاسی مدارس

بدنبال شکست‌توطئه "جبههٔ‌متحدضدانقلاب" به‌رهبری بنی‌صدرخائن وفراری وهمکاری سران خائن "سازمان‌مجاهدین"، آموزش وپرورش فعالیت سیاسی را به‌کلی در مدارس ممنوع‌کرد واز دانش‌آموزان‌تعهدنامه‌های چندین ماده‌ای، وگاه‌همراه با "توبه‌نامه" و... گرفت. تعدادی‌از افراد نادم وسرخورده‌گروهک‌های‌ضد انقلابی هم جرات‌ادامه‌تحصیل‌نیافتند.

کانون‌دانش‌آموزان‌ایران ازهمان‌ابتدای سال‌تحصیلی‌اعلام داشت‌که‌دانش‌آموزان‌هوادار این‌گروهها، نوجوانان‌ناآگاهی‌هستندکه باید به وسیله‌مسئولین‌آموزش وپرورش ارشاد وراهنمایی شوند. اخراج یاتحت‌فشارقراردادن این دانش آموزان، آنها را فقط به سوی ضدانقلاب سوق خواهد داد.

متاسفانه مسئولین‌آموزش وپرورش‌جهت ارشاد و تربیت این دسته ازنوجوانان وآشنا کردن‌آنان باهدف‌های انقلاب، نه‌تنها برنامه‌ای‌دردست‌نداشتند، بلکه باممنوع‌کردن‌فعالیت سالم‌سیاسی‌درمدارس‌آنان را بیش‌از پیش از انقلاب‌دورکردند.

ممنوع‌کردن‌فعالیت‌سیاسی‌دانش آموزان حتی در چارچوب دفاع ازجمهوری‌اسلامی‌ایران‌و پاسداری از انقلاب‌ودستاوردهای‌آن و محدود کردن‌فعالیت‌دانش آموزان متعهدو انقلابی زمینه فعالیت وتاخت وتاز را برای‌عناصری‌آماده کردکه‌می‌خواهند با ظاهراسلامی، علیه‌انقلاب‌و به‌ضرر جمهوری‌اسلامی‌ایران‌در مدارس تبلیغ و فعالیت‌کنند؛ همان‌عناصری که‌می‌خواهند با اعمال‌انحصارطلبانه‌وقشری خود دانش آموزان را ناراضی واز انقلاب دلسرد نمایند. این‌عده کسانی‌هستندکه‌دانش آموزان را به "جرم" های غیرمعقول وبی‌پایه ازمدارس اخراج‌کرده‌اندو میکنند.

درطول ۶ماه‌گذشته، مسئولین‌آموزش و پرورش نه‌تنها برای‌ارشاد وراهنمایی دانش آموزان و آشناکردن آنان باهدف‌های انقلاب، تجربیات‌جنبشهای آزادیبخش‌جهان، شناخت دوستان و دشمنان‌انقلاب‌ایران، فرهنگ ملل دیگر و... برنامه‌ای‌نداشتند، بلکه‌متاسفانه‌اجازه دادند، تاسخنرانانی‌که‌غالبا ناشناس بودند به‌مدارس‌بیایند وبا طرح مسائل و شعارهای انحرافی، دشمن‌اصلی – آمریکای‌جنایتکار را از یاددانش‌آموزان‌ببرند وتوجه‌اشان رابه مسائل فرعی‌وانحرافی ودشمنان‌موهوم جلب نمایند.

روشهای خشونت آمیز بجای روش جهانی تربیتی نوین

ازآنجاکه نظام‌آموزشی گذشته هنوز دست نخورده‌بجای‌مانده‌است، نمی‌توان‌انتظار داشت که‌به‌یکباره یک‌سیستم تربیتی وپرورشی‌نوی‌جای گزین‌روش‌های‌تربیتی منسوخ‌گذشته‌شود. اما به‌هر حال لازم‌است‌که آموزش و پرورش قدم های ابتدائی‌رادر این زمینه بردارد.

خوشبختانه‌سال‌گذشته آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای، تنبیه‌بدنی را به‌کلی‌ممنوع‌کرد اما دیده‌شده‌است‌که‌امسال دربعضی ازدبستان‌ها ومدارس راهنمائی دانش آموزان به شدیدترین شکلی‌تنبیه‌بدنی‌می‌شوند. علاوه براین، موارد بسیاری دیده‌شده، که دانش آموزان باکمترین خطائی ازمدارس اخراج‌می‌شوند. چنین‌روش‌های خشونت‌آمیز وغیرمنطقی‌که درعین حال‌ضد – تربیتی‌وغیرانسانی‌نیزهست، نه‌تنها در دانش آموزان‌نظم وانضباط ایجادنکرده ونمی‌کند، بلکه آنان رابیشتربه‌سوی رفتار غیراخلاقی– منتها درپنهان – سوق داده ومی‌دهد.

مشکلات دیگر

درسال‌تحصیلی‌جاری دانش‌آموزان با مشکلات‌متعددیگری‌چون: کمبود وسایل و امکانات‌ورزشی، تغییرنکردن کامل‌محتوی‌کتاب‌های‌درسی، تشکیل‌نشدن شوراهای مدارس و تعاونی‌ها، محدودبودن‌فعالیت‌های فوق برنامه و... روبروبودند. اکثرهنرستان‌های‌کشورهیچ‌گونه‌ارتباطی با "جهادسازندگی" و یا مراکز تولیدی‌نداشتند. خواست‌مکرر و اعلام آمادگی هنرجویان‌جهت‌کار برای جبهه‌های جنگ، کمک درکارهای‌عمرانی وسازندگی کشور و ارتباط سازنده‌باکارخانه‌ها ومراکزصنعتی‌و... مسکوت گذاشته شد.

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

قصد ما ازطرح مشکلات، نارسائی‌ها و اشتباهات‌موجود درآموزش وپرورش‌کشور، خرده‌گیری واشکال‌تراشی نیست، بلکه‌ماخواهان‌آنیم تا باتوجه‌جدی به‌مشکلات، نارسائیهاواشتباهات موجود، در برطرف‌کردن‌آنها وبه ویژه دربرقراری یک‌نظام‌نوین آموزشی منطبق بااهداف انقلاب، گام‌های‌اساسی برداشته‌شود:

* آموزش‌وپرورش باید به سودفرزندان محرومان شهر وروستاتعمیم وگسترش یابد و امکانات ۸سال‌تحصیل‌اجباری برای همه‌کودکان ونوجوانان‌کشور فراهم‌گردد.

* به‌کودکان ونوجوانانی که به دلیل نداشتن امکانات مالی مجبور به‌ترک‌تحصیل‌می شوند، کمک‌هزینهٔ‌تحصیلی داده‌شود. آموزش و پرورش‌در طرح‌ها وبرنامه‌های‌خود باید شرایط وامکانات دانش‌آموزان زحمتکش را حتما درنظر بگیرد. از جمله در دوسره‌کردن و یاتعیین‌وقت امتحانات، به‌ویژه‌امتحانات پایانی سال، وضع زندگی‌وکار این‌عده‌از دانش‌آموزان بایدرعایت شود، تازمینهٔ‌ترک‌تحصیل دانش‌آموزان زحمت کش‌ومحروم فراهم نگردد. (دراینجا باید یادآوری‌کنیم که‌بسیاری از دانش‌آموزان‌روستایی در فصل کاشت، باید به‌والدین خود کمک‌کنند. به‌همین جهت آموزش وپرورش منطقه باید وقت امتحانات‌پایانی‌راطوری‌تنظیم کندکه با وقت کاشت آن‌منطقه برخوردنداشته‌باشد.

* برای رفع کمبود معلم، باید شبکهٔ‌آموزش وتربیت‌معلم گسترش‌یابد ومسئله‌بازآموزی‌معلمان وآشناکردن‌آنان‌بادستاوردهای‌جدیدعلمی وفنی موردتوجه‌قرارگیرد. در پاکسازی معلمان‌تجدید نظربعمل‌آید ومعلمان مومن به‌انقلاب، که ناروا پاکسازی‌شده‌اند، دوباره‌به‌کار فراخوانده‌شوند.

* برای رفع ستم‌فرهنگی، درنواحی غیر فارس زبان‌کشور، آموزش درسراسر دوره‌پنج‌سالهٔ ابتدائی با زبان‌مادری‌تدریس شود. ازسال سوم ابتدائی آموزش زبان فارسی آغاز شود وبتدریج بسط یابد.

* برای عشایر، که‌همواره در کوچند، مدرسه‌های سیار، مخصوصا درسطح‌دوره‌ابتدایی گسترش‌یابد.

* آموزش‌وپرورش برای‌تبدیل مدارس به کانون‌های‌تربیت‌وپرورش همه جانبهٔ شخصیت دانش‌آموزان‌وآشناکردن‌آنان بامسائل انقلاب، باید برنامه‌های تربیتی گسترده‌ای درمدارس تدارک‌ببینند:

– فعالیت‌سیاسی دانش‌آموزان‌بایددرچهارچوب دفاع‌ازجمهوری‌اسلامی‌ایران‌وپاسداری از انقلاب ودستاوردهای‌آن‌محترم شمرده‌شود.

– برنامهٔ سخنرانی‌های‌مدارس باید در خدمت انقلاب ومنطبق باخط ضدامپریالیستی‌و مردمی‌امام‌خمینی باشد. از سخنرانی‌سخنرانانی که‌قصد دارند باطرح مسائل و شعارهای انحرافی هدف‌ها وآرمان‌های انقلاب را مخدوش سازند، جلوگیری شود.

– طبق اصل ۲۶قانون اساسی دانش‌آموزان حق‌داشته‌باشندکه‌انجمن‌های‌صنفی خود را در مدارس‌تشکیل‌دهند.

– طبق اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی، مبنی بر تشکیل‌شورای آموزشگاه‌ها جهت‌اداره مدرسه‌به صورت‌شورایی، لازم‌است‌که‌شوراهای مدارس هر چه‌سریعتر‌تشکیل‌گردند ونمایندگان منتخب دانش‌آموزان در شوراهای مدارس‌شرکت‌داده شوند.

– جهت تقویت روح‌همکاری‌وتعاون میان دانش‌آموزان و رفع‌احتیاجات روزمره غذائی و تحصیلی‌دانش آموزان، لازم است که مسئولین مدارس بویژه مسئولین‌امورتربیتی‌دانش‌آموزان رادرتشکیل و گسترش تعاونی‌های مدارس یاری رسانند.

طبق اصل سوم قانون اساسی همه دانش‌آموزان‌حق‌تحصیل‌دارند. لذا هیچ‌دانش‌آموزی رانمیتوان‌از مدرسه‌اخراج و از تحصیل محروم‌کرد. درمورد دانش‌آموزان خطاکار باید روش‌ارشادی در پیش‌گرفت وبه‌اخراج بی رویهٔ دانش‌آموزان از مدارس باید پایان‌داد.

–طبق بخشنامه‌صریح‌آموزش وپرورش به هیچ بهانه‌ای‌نبایددانش آموزان راتنبیه کرد آموزش وپرورش‌جهت تربیت صحیح‌دانش‌آموزان لازم‌است که‌باگسترش‌برنامه‌های فوق برنامه و اتخاذروش‌های تربیتی صحیح در دانش‌آموزان انضباط‌آگاهانه بوجودآورد و حس مسئولیت وظیفه‌شناسی، همکاری‌و... رادرآنان‌تقویت‌کند.

دراینجالازم‌است‌به‌ضرورت رابطهٔ صحیح میان مدرسه وخانه از طریق گسترش انجمن‌های اولیاء ومربیان‌مدارس، توجه‌لازم مبذول شود.

– ضروراست‌که‌آموزش وپرورش جمهوری اسلامی‌ایران‌برای آشنائی هرچه‌دقیقتر به مشکلات گستردهٔ آموزشی کشوز و مسائل ویژهٔ هرمنطقه، در پایان سال تحصیلی سمیناری با شرکت نمایندگان‌معلمان‌، دانش‌آموزان‌ومسئولین مدارس سراسرکشور ترتیب‌دهد و باجمع‌بندی مشکلات‌سال‌تحصیلی ۶۱– ۶۰ و پیشنهاد های دست‌اندرکاران وصاحب‌نظران، برنامه‌ای‌دقیق وجامع برای سال تحصیلی آینده‌تنظیم‌نماید.

–وسرانجام وزارت آموزش‌وپرورش‌باید به کاراساسی‌خود، یعنی ارائه طرح نظام آموزشی جدید درجهت تحقق‌انقلاب آموزشی کشور بپردازد واین طرح را هرچه زودتر به تصویب برساندوبه‌مرحلهٔ‌اجرا درآورد.

سرنوشت‌نسل‌نوجوان‌وجوان‌کنونی‌وآینده کشور تاحدودزیادی‌وابسته‌به‌آنست که نظام آموزشی‌کشور منطبق با اهداف انقلاب بزرگ اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران استقرار یابد. باتمام‌نیرو درراه‌تحقق‌این‌وظیفهٔ بزرگ انقلابی‌بکوشیم.

کانون‌دانش‌آموزان‌ایران

۱۳۶۰/۱۲/۲۰

درباره مسئله هنر و آموزش

چندی‌پیش مهندس حجت، سرپرست "کمیته‌هنر ستاد انقلاب فرهنگی"، درگفتگویی باخبرنگارخبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، درمورد مسائل مربوط به‌بازگشائی رشته‌های هنری دانشگاه‌ودرباره برخی اهداف آینده دراین‌زمینه، توضیحاتی داد. (کیهان ـ۱۵ دی‌ماه ۱۳۶۰)

آقای مهندس‌حجت در مورد دروس‌هنری، که‌در آینده تدریس خواهند شد، گفت:

"این‌دروس بایک نگاه دقیق بر روی هنرهای اسلامی گذشته ماتدوین خواهدشد، واین‌به‌جهت دستیابی به یک‌استقلال فرهنگی وبازگشت به‌هنرهای‌اصیل وسنتی‌اسلامی‌است."

آن‌چه‌از سخنان آقای‌مهندس حجت‌میتوان‌دریافت، دوچیز است: نخست توجه عمده به هنر اصیل اسلامی درعرصه آموزش وسایرعرصه ها، ودوم سمت گیری در جهت کسب استقلال فرهنگی و گسستن از فرهنگ طاغوتی وامپریالیستی.

درآنچه که‌مربوط به بخش‌دوم است، باید گفت که این یکی ازمهم‌ترین‌اهداف انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ماست، و لذا بدون تردید مورد تائیدمانیز هست. اما درمورد بخش اول باید گفت که، در تاریخ هنر معمولاکل‌آثارهنری‌همه کشورهای‌اسلامی را "هنر اسلامی" نامیده‌اندوبدین‌معنی، تمام جریانات هنری‌علی‌العموم دراین مفهوم وا رد میشود وبراین‌اساس پر ارزش است. ولی‌اگرمقصد جداکردن‌بخشی‌از هنر سنتی‌از "هنر غیراسلامی" است، این کار بخودی خود نادرست‌است ودر نهایت به‌ضرر دستاوردهای فرهنگی ما درگذشته‌وحال‌خواهدبود، علاوه برآنکه، چنین جداسازی‌درعمل‌شدنی نیست، زیرااسلام، به‌مثابه اندیشه مسلط، در تمام اجزاء ومسامات هنر سنتی ما رخنه و تجلی دارد.

اگر قرارباشدکه‌درزمینه‌آموزشی (واحتمالا سایرزمینه‌ها) بخش‌عظیمی ازهنرایران‌را، به‌صرف‌اینکه‌مربوط به "هنراسلامی" (به‌معنای‌محدود این کلمه) نیستند، کنارگذارد یانسبت به آن‌بی‌اعتنائی‌کرد، دراین‌صورت به امر تکامل هنر درمیهن ما لطمه جبران‌ناپذیری وارد خواهد شد.

به‌تصور ما، باید ضابطه و محور کار رابر پایه **هنر مردمی وضدمردمی، هنرمترقی وهنر ارتجاعی** قرار داد و ازگنجینه‌هنر گذشته ایران، به دلیل ارزش‌بزرگ‌تاریخی آن، پاسداری‌کرد.

آقای مهندس حجت در ضمن صحبت‌های خود اشاره‌کردکه:

"یکی‌ازجذابترین، گیراترین وگسترده‌ترین‌وسایلی که‌امکان‌استفاده مفیدوموثرازآن‌درجهت‌تبلیغ‌وارشاد وجوددارد، هنرها هستندوبه همین علت جمهوری‌اسلامی‌ایران باید به بهره‌گیری ازبیشترین‌امکانات هنری هنرمندان متعهد، در این جهت اقدامات‌اساسی‌انجام دهد. البته تا کنون کارهائی دراین‌زمینه‌انجام شده، ولی‌مسلما کافی‌نبوده‌است."

واقعیت این‌است که در طول نزدیک به‌سه‌سال که‌از انقلاب می‌گذرد، هنوز آن‌توجه جدی که‌شایسته جمهوری‌اسلامی‌ایران‌است، به هنرو هنرمندان نشده‌است. میتوان‌گفت‌که‌به طورعمده‌هنر بعدازانقلاب روندی‌خود پویه‌داشته‌وحاصل‌کار هنرمندان‌مردمی وانقلابی در زمینه‌های‌مختلف، مانند نقاشی، موسیقی‌وتئاتر، آنطور که‌باید، امکان جلوه‌گری نیافته‌است.

مسئولین جمهوری‌اسلامی ایران بارها به‌اهمیت‌کار هنرمندان اشاره کرده‌اند. چندماه‌پیش **حجت‌الاسلام خامنه‌ای**، رئیس‌جمهوری‌اسلامی ایران طی‌فراخوانی از هنرمندان، دعوت کرد، تاهنر وقلم خودرا در سمت پیشبرد امر انقلاب به‌کار اندازند.

آقای **عباس‌وکیل**، ازمسئولین بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان، نیز اخیرا طی‌مصاحبه‌ای باروزنامه‌کیهان (کیهان ـ۱۸آبان ۱۳۶۰) به‌مسائلی اشاره‌کرد که‌بجاست مورد‌توجه‌مسئولین فرهنگی کشور ماقرارگیرد. آقای وکیل از جمله گفت:

"امیدوارم این توجه مسئولین روزنامه‌کیهان فتح‌بابی باشد در این زمینه که‌انشاءالله به‌هنر سالم وهنرمندان‌واقعی‌توجه‌عمیقتری مبذول‌گردد وباتعیین ضوابط و روش‌های‌اسلامی برای‌شکوفائی بسیاری از استعدادها، که‌متاسفانه به‌علت تردیدهای‌بیمورد وعدم روشنی وآگاهی کافی در غفلت وخموشی بسرمیبرد، حرکتی‌آغازگردد."

آنچه‌که آقای وکیل تحت عنوان **"تردیدهای‌بیمورد وعدم روشنی و آگاهی‌کافی"** ازآن نام‌میبرد، بخشی مربوط به عدم شناخت، اختلاف‌سلیقه ها ونظرها در مسایل‌هنری، و بخشی دیگرمربوط به برخوردهای تعصب‌آمیز قشری‌و تنگ‌نظرانه با هنر وهنرمندان است.

بسیاری از هنرمندان‌مردمی، که هنر خود را جز در راه‌پیشرفت‌انقلاب به‌کار نبرده‌اند، بارهابه "جرم" دگراندیشی‌دربرخی زمینه‌ها مورد بی‌مهری‌بعضی‌ازمسلمانان‌مبارز قرارگرفته اند. درحالیکه اگر دربرخورد باهنرمندان شیوه درستی‌اتخاذگردد، حتی میتوان‌آن‌بخش‌ازهنرمندانی‌راکه درک درستی‌ازانقلاب‌ندارند، به‌هواداری‌و دفاع‌ازانقلاب‌جلب‌کرد. دراین مورد تجربه کشورهای دوست، مانندکوبای انقلابی، میتواند برای ما نمونه‌وار باشد. درکوبا، در جریان انقلاب فرهنگی، کوشش‌جدی وهمه‌جانبه انجام‌گرفت، تاهنرمندانی‌که‌به‌انقلاب دلبستگی‌نداشتند، به‌جمع هنرمندان انقلابی‌بپیوندند، وحاصل این‌کوشش بادستاوردهای‌پر باری‌در زمینه هنر همراه‌بود.

اکنون‌که‌سخن از بازگشائی‌رشته های‌هنری دانشگاه در میان است، فرصت‌مناسب‌است تا به‌امر آموزش و حمایت هنرمندان میهن ماتوجه‌جدی تری‌بشود. تعلل دراین‌موضوع، با توجه به سالیان‌طولانی وابستگی فرهنگی مابه‌امپریالیسم واشاعه فرهنگ‌مخرب‌نواستعماری، میتواند نتایج‌زیانباری در بر داشته‌باشد.

تنها باجدی گرفتن هنر مردمی ومترقی وپشتیبانی بیدریغ ازآن، صرف نظرازتفاوت‌های بینشی وسیاسی، است‌که‌میتوان گنجینه گرانقدر هنررا درایران‌انقلابی، غنی‌تر وپربارتر ساخت.

عید را با خانوادهٔ شهیدان با مجروحان و آوارگان جنگ برگزار کنیم

سال‌نو، درخون شهیدان طالع میشود. بادهای بهاری‌برهزاران‌شقایق سوخته‌ـ این قامت های بلندپهلوانی‌ـ میگذرندوبرخاک‌عطرآگین برکت‌و زندگی می‌پاشند.

درهمان‌دم که آفتاب مهربان برشاخساران جوانه می‌دواندودرباغ ها عطربهارنارنج جاری می‌شود، شهیدان دیگری برخاک می‌افتند.

امسال گلهای سرخ میهن مادرجبهه هابازمیشود. درآستانه بهار، در خوزستان قهرمان، دشت دردشت ازخون جوانان وطن لاله دمیده است. وازاین لاله زاراست که سرودفتح برمی‌خیزدوبه‌خلق قهرمان فرمان نبرد سترگ بادشمن غدارمی‌دهد. واین ادامه راه است. راهی‌که برخاک‌گلگون آن لاله هارسته است.

درسالی‌که‌رفت، درسه سالی‌که گذشت، هرگامی‌بسوی فتح، درلاله‌زار جوانان وطن، چه لاله های تازه که ننشاند.

انقلاب ازهیچ پیچ وگردنه نگذشت، بی آنکه راه راخون بهترین فرزندان خلق هموارکرده‌باشد.

وسال نوهنگامی برمیهن ماپامیگذارد، که شهیدان درجبهه های جنگ راه‌پیروزی‌رابازمی‌کنند. ازاینروست‌که‌سال‌نو، بهارنو، بانام شهیدان‌رقم خورده است.

این‌عیدشهیدان‌است که در راه‌است.

این بهارشقایق های پرپراست که میرسد.

شهیدانی که ازصفوف مقدم جبهه تاکوچه وپس‌کوچه‌های‌آمل، ازکرخه نور تاعشرت‌آباد تهران، ازبلندی های الله‌اکبر تاکوه های سیستان و بلوچستان، دروجب بوجب ایران پهناوربرخاک افتادند، تاپرچم انقلاب برافراشته بماند.

واین قافله، دربیمارستان هادرخانه ها، درکوی وبرزن، هزاران رهرو دارد، که تاآستانه مرگ رفتندوبی دست وپا، مجروح ودرهم کوبیده، بی چشم وخونین بازگشتند. اینان، مجروحان ومصدومان، شهیدان زنده انقلابند، که باغروروافتخاردرمیان مادژخیمی‌دشمن ودلاوری خلق رافریاد می کنند.

این انقلاب، انقلاب شهیدان است.

این نوروزعیدشهیدان است.

وچنین است که امسال هرسفره عیدی بانام شهیدان بازمی‌شود. هر لاله ای بادرود برشهیدان قهرمان بربساط عیدمی‌نشیند.

اگرلبخندی هست، به لبخندفرزندان، همسران، پدران‌ومادران شهیدان پیوندمی‌خورد

شادی اگرهست، درخانه شهیدان انقلاب به مهمانی خواهدرفت.

شقایقی اگرهست، برسفره شهیدان می‌سوزد.

دستی‌به مهربانی‌که هست، دست مجروحان‌ومصدومان جنگ‌رامیفشارد.

دیداری‌که هست، پیش ازهمه‌ازشهیدان زنده انقلاب است.

دیدوبازدیدنوروزامسال ازخانه آوارگان جنگ، ازاردوگاههای جنگ زدگان آغازمیشود. آن شیرزن که خانه اش رابمب آمریکائی‌ویران کرد، دخترکش بخون کشیده شد، شویش درجبهه جان باخت، اکنون درسفره هفت سین مهمانانی خواهدداشت که آنهاراهرگزندیده، امامی‌شناسدشان. اینان مردم قهرمان ایرانند، که عیدخودرابه خانه اوبرده اند.

آن پیرمردعرب که برسفره عیدخودعکس ۷ شهیدراـ همه فرزندانش راکه دربمباران دزفول قربانی جنایت صدام شدندـ می‌نشاند، نوروزامسال تنهانخواهدماند.

مردم قهرمان ایران عیدامسال خودراباعزیزان شهیدان، بامجروحان جنگ وآوارگان جنگ برگزارخواهندکرد.

یادمان باشد! عیدامسال، نوروزشهیدان ومجروحان انقلاب، عید آوارگان جنگ است. یادونامشان راگرامی‌بداریم. عیدمان رابه خانه و کاشانه آنهاببریم.

موضع گیری ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی ایران و سوریه یکسان است

یک‌هیئت چهل‌نفری از مقامات بلندپایه اقتصادی و سیاسی کشوربرادر سوریه به‌سرپرستی **عبدالحلیم‌خدام** معاون نخست‌وزیر و وزیرامورخارجه‌این کشور، روز شنبه وارد تهران شد، تابامقامات جمهوری اسلامی‌ایران درباره مسائل سیاسی، اقتصادی و بازرگانی میان دو کشور به‌گفتگو بپردازد.

عبدالحلیم‌خدام پس از ورود با رئیس‌جمهور خامنه‌ای دیدار و گفتگو کرد و پیام **حافظ اسد** را همراه با گرم‌ترین درودهای رئیس‌جمهوری عربی سوریه و ملت‌سوریه برای مقامات جمهوری اسلامی ایران به‌ایشان‌ابلاغ‌کرد.

عبدالحلیم‌خدام پس از این دیدار گفت که موضع‌گیری مشترک ضد امپریالیستی و ضدصهیونیستی و همه‌مسائل مورد علاقه دوکشور سوریه‌وایران موردبحث و تبادل‌نظر قرارگرفت. وی تاکیدکرد که درمورد مسائل مطروحه نقطه‌نظرهای ایران و سوریه یکسان بود.

ما ورود هیئت نمایندگی سوریه به‌ریاست **عبدالحلیم‌خدام** را به‌ایران انقلابی صمیمانه تهنیت می‌گوییم و موفقیت کامل مذاکرات ایران و سوریه را در تمام‌زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و بازرگانی آرزومندیم.

در هفته...

بقیه‌ازصفحه ۸

که‌به‌قیمت فشار بر مردم به جنایات اقتصادی خود ادامه‌می‌دهند. این افراد باید بدانندکه سیاست دولت درجهت محواین جنایات است."
(صبح‌آزادگان ـ۱۷ اسفند ۱۳۶۰)

بازرگانی خارجی چه‌شد؟

قدم‌اول واساسی درجهت محو "جنایات‌اقتصادی" تصویب و اجرای لایحه‌بازرگانی‌خارجی‌است، که درشور اول‌کلیات‌آنهم درمجلس‌شورای‌اسلامی تصویب شده‌است.

در آغاز هفته گذشته ـ شنبه ۱۵ اسفند ـ معاون بازرگانی‌داخلی وزارت بازرگانی‌اعلام‌کرد:

"لایحه دولتی شدن تجارت خارجی ازکمیسیون ویژه‌گذشته ودر چند روز آینده برای شور دوم در مجلس مطرح‌خواهدشد." (کیهان ـ [illegible]ان‌روز)

متاسفانه‌این‌وعده هفته گذشته عملی نشد. امیداست این هفته لایحه دولتی‌کردن‌بازرگانی خارجی‌به‌مجلس بیاید وپس از نوروز کلیات آن به تصویب برسد.

توجه

شماره‌آینده‌هفته نامه "اتحادمردم" بعلت تعطیلات نوروزی درنهم فروردین ماه ۱۳۶۱ منتشر خواهد شد.

می‌رود زمستان

برخیز که می‌رود زمستان
بگشای در سرای بستان.

نارنج وبنفشه برطبق نه
منقل بگذار درشبستان.

وین پرده بگوی تا به‌یکبار
زحمت ببرد زپیش ایوان.

برخیز که باد صبح‌نوروز
درباغچه‌می‌کند گل‌افشان.

خاموشی بلبلان مشتاق
درموسم گل ندارد امکان.

آواز دهل نهان نماند
درزیرگلیم و، عشق پنهان.

بوی گل بامداد نوروز
وآواز خوش هزار دستان.

بس‌جامه‌فروختست‌ودستار
بس‌خانه‌که‌سوختست و دکان

مارا سردوست برکنارست
آنک سر دشمنان وسندان،

چشمی که‌به‌دوست‌برکند دوست
برهم نهند زتیرباران.

سعدی چوبه‌میوه می‌رسد دست
سهلست جفای بوستانبان.

سعدی

تاسراپردهٔ گل

نفس باد صبا مشک فشان خواهدشد.
عالم‌پیر دگرباره‌جوان‌خواهد شد.

ارغوان‌جام عقیقی به‌سمن‌خواهد داد.
چشم‌نرگس‌به‌شقایق‌نگران‌خواهدشد.

این تطاول که کشیداز غم‌هجران بلبل
تاسراپردهٔ گل‌نعره زنان خواهدشد.

گل‌عزیزست غنیمت‌شمریدش‌صحبت
که‌به‌باغ‌آمد ازاین راه و از آن خواهدشد.

مطربا مجلس‌انس‌است غزل‌خوان‌وسرود
چندگوئی که‌چنین‌رفت‌وچنان خواهدشد.

"حافظ" ازبهرتوآمدسوی اقلیم‌وجود
قدمی نه‌به‌وداعش که‌روان‌خواهدشد.

حافظ

شاخ گل سرخ را...

دی‌شدوبهمن‌گذشت، فصل‌بهاران‌رسید
جلوه‌گلشن به باغ همچونگاران رسید.

زحمت سرما ودود رفت به کور وکبود
شاخ‌گل‌سرخ راوقت‌نثاران رسید.

باغ‌زسرمابکاست، شد زخدادادخواست
لطف‌خدا یار شد، دولت‌یاران‌رسید.

طالب‌ومطلوب‌را، عاشق‌ومعشوق را
همچوگل‌خوش‌کنار وقت‌کناران رسید.

جمله‌صحرا ودشت‌پرزشکوفه‌ست وکشت
خوف‌تتاران‌گذشت، مشک‌تتاران‌رسید.

هرچه‌بمردند پارحشرشدند ازبهار
آمده‌میرشکارصیدشکاران‌رسید.

آن‌گل‌شیرین لقا شکرکند ازخدا
بلبل‌سرمست‌مابهرخماران رسید.

مولوی

طرف سپیدرود

هنگام فرو دین که رساند ز ما درود
بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود،

کزسبزه‌و بنفشه و گل‌های رنگ رنگ
گوئی بهشت آمده از آسمان فرود.

دریا بنفش و مرز بنفش و هوا بنفش
جنگل کبود و دشت کبود و افق کبود

جای دگر بنفشه یکی دسته بدروند.
وین جایگه بنفشه به‌خرمن توان درود.

کوه از درخت‌گوئی مردی مبارز است
پرهای گونه‌گون زده چون جنگیان به‌خود.

چون‌لوح آزمونه که نقاش چربدست
الوان گونه گون را بروی بیازمود.

آزاده را رسد که به ساید به ابر سر
آزادبن ازینرو تارک به ابر سود.

ازتیغ کوه تا لب دریا کشیده‌اند
فرشی کش از بنفشه وسبزه است تاروپود.

آن‌بیشه‌ها که دست طبیعت به خاره‌سنگ
گلها نشانده بی‌مدد باغبان و کود.

ساری نشید خواند بر شاخهٔ بلند
بلبل به شاخ کوته خواندهمی‌سرود.

آن‌از فراز منبرهرپرسشی کند
این یک زپای منبر پاسخ دهدش زود.

بنگر بدان‌درخش کز ابر کبود فام
برجست و روی ابر به ناخن همی‌شخود.

چون‌کودکی صغیر که باخامهٔ طلا
کژ مژ خطی کشد به یکی صفحهٔ کبود.

بنگر یکی به رود خروشان به وقت آنک
دریاپی پذیره‌اش آغوش برگشود.

چون طفل ناشکیب خروشان‌زیاد مام
کاینک بیافت مام و در آغوش‌اوغنود.

قسمتی ازقصیده‌بهار



شادباش

بانگ‌خروس‌از سرای دوست‌برآمد.
خیز وصفاکن که‌مژدهٔ سحرآمد.
چشم تو روشن
باغ توآباد
دست‌مریزاد
همت‌حافظ‌به‌همره تو، که‌آخر
دست‌به‌کاری زدی‌و غصه سرآمد

بخت توبرخاست
صبح‌توخندید
ازنفست تازه‌گشت آتش‌امید
وه‌که‌به‌زندان ظلمت شب‌یلدا
نور زخورشید خواستی و برآمد.

گل به‌کنارست
باده‌به‌کارست
گلشن وکاشانه‌پرزشوربهارست
بلبل‌عاشق! بخوان‌به‌کام دل‌خویش
باغ‌توشدسبز و سرخ‌گل به‌برآمد.

جام توپرنوش
کام توشیرین
روزتوخوش‌باد
کزپس‌آن‌روزگار تلختر اززهر
باردگر روزگار چون‌شکر آمد.

رزم توپیروز
بزم توپرنور
جام به‌جام‌تومی‌زنم ز ره‌دور
شادی آن‌صبح‌آرزو که‌ببینیم
بوم‌از ین‌بام رفت و خوش‌خبرآمد.

ه.ا.سایه

آمد بهاران

عاشقا! خیز کامد بهاران
چشمهٔ کوچک از کوه‌جوشید
گل به‌صحرا درآمد چوآتش
رودتیره چو توفان خروشید
دشت‌ازگل شده‌هفت‌رنگه.

آن‌پرنده پی‌لانه‌سازی
برسرشاخه‌ها می‌سراید
خار و خاشاک دارد به منقار
شاخهٔ سبز هرلحظه زاید
بچگانی همه‌خردوزیبا.

آفتاب‌طلائی بتابید
برسرژالهٔ صبحگاهی
ژاله‌ها دانه‌دانه‌درخشند
همچوالماس‌ودرآب‌ماهی
برسرموجهازدمعلق.

شکوه‌ها رابنه‌خیزوبنگر
که‌چگونه‌زمستان‌سرآمد
جنگل وکوه در رستخیزاست
عالم‌ازتیره‌روئی درآمد
چهره‌بگشادوچون‌برق‌خندید.

توده برف‌بشکافت‌ازهم
قلهٔ کوه‌شدیکسر ابلق
مردچوپان‌درآمد زدخمه
خنده‌زد شادمان وموفق
که‌دگروقت‌سبزه‌چرانی است.

قسمتی ازافسانه‌نیمایوشیج

سال آرزوهای بزرگ وامیدهای خجسته

بهارمی‌آید
عمونوروز در راه‌است
در کوله‌بارش امسال
ـبرای‌زن‌شالیکار
ـبرای دختر قالیباف
ـ برای‌مردم‌ایران
عشق وامید آورده‌است

* * *

بهارمی‌آید
وسال، بازهم سال کار و پیکار
ـسال، سال‌تشییع‌جنازه‌شیطان‌بزرگ‌امریکاست
ـسال، سال‌درود بر خمینی
ـسال، سال مرگ بر امریکاست

* * *

بهارمی‌آید
وسال، سال آرزوهای بزرگ
سال، سال‌امیدهای‌خجسته‌است:

ـجغد شوم‌جنگ خواهدمرد.
ـکارگر، باپتک‌خویش راه‌فتح‌خواهدرفت.
ـدهقان، برزمین‌خویش‌نان‌وشقایق‌خواهدکشت
ـسفره‌ها پرنان‌خواهدشد.
ـفقر از دیار ما کوچ خواهدکرد.
ـسند دست‌پینه‌بسته‌دهقان‌خواهدبود.
ـگورسرمایه‌دار ومالک‌غارتگرحفرخواهدشد.

* * *

بهار می‌آید
وسال، باز هم سال کار و پیکاراست.
نبرد افزاربر گیریم.
ـبر فلات وکوه‌آوازهای عشق‌جاری‌میشود، امسال
ـدشمن‌غدار را باخون‌خویش خواهیم‌روفت.
هموطن!
دستت رابه دستان عاشقم بسپار
راه‌سخت، امافتح‌نزدیک‌است
ـایران ما آباد وآزاد خواهدشد.
ـسال نو، سال‌امید، سال‌فتح‌خواهدبود.